



وزارت معارف  
ریاست عمومی تربیه معلم

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

الآية آل عمران، ۱۹

# شناخت ادیان

مؤلف: پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی

سال: ۱۳۹۰ هـ ش

## ◀ مشخصات کتاب

نام کتاب:	شناخت ادیان
مؤلف:	پوهاند محمد ابراهیم ابراهیمی
مترجم:	
ایدیت:	
کمپوز:	هیواد مایار و محمد صدیق صمیم
دیزاین:	روح الله شفیق، عصمت الله عمرزوی و محمد صدیق صمیم
تیراژ:	20,000 جلد
سال:	1391 هـ ش
چاپ:	مطبع ریپرو هند (Repro India Ltd.)

## ◀ کمیته انکشاف نصاب درسی:

سوسن وردک پوهاند دکتور سید قیوم شاه باور، پروندوی عبدالخلیل فضلی پروندوی  
صدرالدین اشرفی، پرونیار عبدالحق رحمتی، پرونمل عبدالودود شریف، پروندوی  
محمد حسینی و پروندوی شه غاسری زرمتمی

صاحب امتیاز وزارت معارف

©Copyright reserved by MoE

حق چاپ محفوظ است

**خرید و فروش این کتاب ممنوع است.**

به مساعدت های مالی و تخنیکی یونسف (UNICEF)  
و بانک جهانی (WORLD BANK)



مطالع؟ کتاب، شخص؟ ت انسان را تکامل م؟  
بخشد. حفظ و نگهدار؟ آن ب؟ انگر فرهنگ  
عال؟ استفاده کننده آن است.



## پیام وزیر معارف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و كفى وسلام على عباده الذين اصطفى يود:

بدون شک علم راه ایمان، وسیله ترقی، پیشرفت و رسیدن به مدارج کمال انسانی و تمدن است. همه تمدنهای بشری چه در گذشته و چه در عصر حاضر نتیجه نهضت و ابتکارات علمی در عرصه های مختلف می باشد که دانشمندان با زحمات فراوان شبها روزی راه های اکتشاف، ابتکار و اختراع را به روی بشریت گشوده اند.

علوم و تجارب بشری از یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود و جهان هر روز شاهد نوآوری های شگفت انگیز در رشته های مختلف علم و دانش است.

انتقال علم و دانش از یک نسل به نسل دیگر توسط معلم صورت می گیرد و معلمان در حقیقت بانیان تمدن بشری، قافله سالاران و مشعل داران کاروان مدنیت و تعالی و ترقی در جهان می باشند.

با در نظر داشت همین جایگاه شامخ «معلم» است که پیامبر بزرگوار ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خویش را معلم خوانده و فرموده اند «انما بعثت معلماً» یعنی بدون شک من معلم فرستاده شده ام.

احترام به مقام ارجمند و والای معلمان، بهتر ساختن وضع معیشتی آنان و ارتقای ظرفیت علمی و مسلکی استادان، از جمله نیازهای مبرم توسعه معارف به شمار رفته و یکی از اولویت های اساسی وزارت معارف می باشد که قاطعانه و مسؤولانه آن را تعقیب می نماید.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان با درک رسالت اسلامی و ملی خویش، در مطابقت با احکام مندرج قانون اساسی و پابندی به پالیسی و اهداف معارف افغانستان همواره در تلاش است تا کارهای بنیادین و م وثر را در جهت رشد و انکشاف همه جانبه نظام معارف کشور انجام بدهد.

بازسازی معارف کشور در عرصه های مهمی چون تربیه معلم، نصاب تعلیمی و فراهم آوری محیط مناسب و سالم تعلیمی چه در جهت برآورده ساختن ضرورت های مادی مکاتب و مؤسسات تعلیمی، و چه در عرصه ایجاد فضای سالم علمی و معنوی برای رشد شخصیت شاگردان به حیث انسانهای مسلمان، وطن دوست، و علم دوست در اولویت برنامه های کاری وزارت معارف قرار دارد که به توفیق خداوند متعال، مساعدت های مالی کشورهای دوست، تشویق و همکاری ملت علم پرور افغانستان و فداکاری های بی شمار معلمان عزیز و کارمندان بخشهای مختلف معارف، گامهای مهمی در تحقق این اهداف نبیل و میمون برداشته شده است.

وزارت معارف تلاش دارد تا مؤسسات تربیه معلم کشور را از نظر کیفیت و کمیت بهبود ببخشد؛ که الله الحمد تهیه نصاب تعلیمی جدید دارالمعلمین ها و تألیف کتب درسی برای آنها در کنار تهیه نصاب تعلیمی تعلیمات عمومی، تعلیمات اسلامی، تعلیمات تخنیکی و مسلکی و سواد آموزی از جمله دستاوردهای مهم در این بخش عمده و حیاتی محسوب می شود.

نصاب تعلیمی جدید دارالمعلمین ها که با در نظر داشت نیازهای جامعه ما و با استفاده از شیوه های نوین و اصول و معیارهای علم پیداگوژی معاصر تهیه شده است، ان شاء الله جوابگوی نیازهای علمی معلمان جوان کشور ما خواهد بود.

با تشکر فراوان از همه استادان و دانشمندان ارجمندی که در تهیه نصاب تعلیمی جدید دارالمعلمین ها، چه به شکل تهیه مفردات و چه در راستای تألیف، تصحیح و بازنگری سهم فعال گرفته اند، از بارگاه خداوند علیم و خبیر عاجزانه استدعا دارم تا برای استادان محترم و محصلین گرامی توفیق تطبیق درست نصاب جدید دارالمعلمین ها را عنایت فرموده و آن را وسیله رشد و شکوفایی معارف افغانستان عزیز بگردانند.

والله ولی التوفیق

فاروق ورک

وزیر معارف

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

تعلیم و تربیه یکی از عوامل اساسی پیشرفت جامعه بوده که باید بنابر اقتضای وقت، طبق شرایط ملی و بین‌المللی همان جامعه، انکشاف و رشد نماید. با درنظرداشت این واقعیت لزوم تغییرات اساسی در نظام تعلیم و تربیه کشور ما نیز محسوس میگردد. بناءً تغییرات مطلوب بدون توجه به تجدید و انکشاف نصاب تعلیمی امکان پذیر نیست، از این لحاظ نصاب تعلیمی، بر مبنای ارزشهای والای اسلامی و با توجه به پیشرفت علوم و فنون، از اولویت خاص برخوردار است. قابل تذکر است که نصاب تعلیمی تربیه معلم از دیر زمان بدینسو یکنواخت بوده و در حدود ارزشهای قبلی خود جهشی را که همگام با انکشاف علوم معاصر باشد کمتر تجربه نموده است و از جانبی نظر به نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی گذشته؛ مانند: فقر، جهل و بیسوادی از کاروان شتابنده پیشرفت و ترقی جهان معاصر و حتی از صف کشورهای روبه انکشاف، عقب مانده و روند حرکت روبه رشد آن، با دشواری ها و موانع مواجه گردیده است. در شرایط موجود که در نتیجه پیشرفت علوم و تکنالوژی معاصر جهان، در بخشهای گوناگون حیات بشری، تحولات شگرفی رونما گردیده است، نیازمندی های رهایی از عقب مانده گی و سیر در جهت ترقی و پیشرفت، به ضرورت مبرم تاریخی مبدل شده است. تحقق این آرمان والای انسانی، یعنی نیل به بازسازی و پیشرفت بدون دگرگونی ژرف در عرصه تعلیم و تربیه و ایجاد معارف نوین که یکی از ابعاد اساسی آن را، تجهیز آموزگاران به دانش تخصصی و مسلکی معاصر بنیاد می نهد، امکان پذیر نمیباشد.

بر مبنای همین هدف بود که چند سال قبل به تأسی از تصامیم وزارت معارف کشور، مشاوریت ارشد این وزارت در بخش تربیه معلم، ترتیب نصاب تعلیمی جدید را برای مؤسسات تربیه معلم رویدست گرفت. با همکاری استادان پوهنتون کابل و پوهنتون تعلیم و تربیه و تعدادی از اعضای علمی اکادمی علوم، با برگزینی ویرکشاها و بهره گیری از تجارب سیستم تعلیم و تربیه بعضی از کشور های پیشرفته، توانست نصاب جدید تعلیمی دارالمعلمین ها را با توجه به شرایط مشخص کشور، ترتیب و مطابق آن، روند تألیف کتب درسی رشته ها و مضامین مختلف را آغاز نماید.

منظور از تألیف این کتابهای درسی که بر مبنای نصاب جدید تعلیمی دارالمعلمین ها صورت پذیرفته است، قبل از همه ارتقای سوئیۀ علمی، تخصصی و مسلکی محصلان دارالمعلمین ها و تقویۀ روحیۀ آنها به ارزشهای ملی و اسلامی بوده است تا آنها بتوانند در آیندۀ به حیث معلمان آگاه و مبتکر، رسالت ملی و وطنی خویش را در امر آموزش و تربیت نسل بالندۀ کشور موفقانه ادا نمایند.

لازم به یاد آوری است که هدف ریاست عمومی تربیۀ معلم با آمادۀ نمودن نصاب جدید تعلیمی دارالمعلمین ها و بر مبنای آن، تألیف و تدوین این کتب درسی، پایان نمی یابد؛ زیرا استفادۀ مؤثر از این مواد درسی، مستلزم ارتقای سوئیۀ علمی و مسلکی استادان دارالمعلمین ها، از طریق اعتلای سطح تخصص و حصول تجارب نوین آموزشی میباشد. با این هدفمندی، ریاست عمومی تربیۀ معلم میکوشد تا زمینه تحصیلات عالی برتر را برای استادان دارالمعلمین ها فراهم نماید. از سوی دیگر با تدویر سیمینارهای علمی، ورکشاپها و سازماندهی لکچرها، به غنای هر چه بیشتر اندوخته های علمی و تجارب مسلکی آنان بیفزاید.

امیدوارم محصلان عزیز دارالمعلمین های ما بتوانند با اسلوب آموزش فعال، از این کتاب های درسی که با استفاده از معتبرترین منابع علمی تألیف گردیده اند، به طور ثمر بخش بهره مند گردند. و سوئیۀ علمی و مسلکی خویش را به حیث معلمان آیندۀ کشور ارتقا بخشند و آمادۀ خدمت بیشتر و بهتر به آیندۀ سازان کشور شان شوند.

در پایان جا دارد تا از همکاری آن عده استادان محترم پوهنتونها و اکادمی علوم افغانستان اعضای محترم علمی و مسلکی ریاست عمومی تربیۀ معلم، کارمندان طباعتی آن، استادان محترم دارالمعلمین ها و کمیسیون محترم بازنگری نصاب وزارت معارف که روند تألیف این کتابها را به انجام رسانیده اند، و نیز از مساعدتهای مالی آن مؤسسات خارجی و افراد و نهادهایی که در تدوین این کتب سهم خویش را ایفا نموده اند، اظهار امتنان کنم و از بارگاه خداوند متعال برای ایشان موفقیت های بیشتر استدعا نمایم.

**سوسن ورک**

**رئیس عمومی ریاست تربیۀ معلم**

**و مشاور ارشد مقام وزارت معارف**



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

1

مقدمه

### فصل اول

#### موضوعات مقدماتی راجع به ادیان

4

درس اول: تعریف و چگونگی تحقیق درمورد شناخت ادیان

11

درس دوم: تفاسیر مختلف ادیان

17

درس سوم: پیشینه تاریخی معتقدات دینی

24

درس چهارم: چگونگی حضور ادیان در برخی کشور های جهان و ارقام جدیدی به عنوان ادیان

### فصل دوم

#### ادیان منسوخه سماوی

34

درس اول: ادیان سماوی قبل از حضرت یعقوب علیهم السلام

40

درس دوم: ادیان سماوی بعد از حضرت یعقوب علیهم السلام

45

درس سوم: حضرت موسی علیهم السلام و دین وی

54

درس چهارم: حضرت عیسی علیهم السلام و دین شان

### فصل سوم

#### دین مقدس اسلام

64

درس اول: چگونگی اعتقادات عربهای دوره جاهلیت و ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

72

درس دوم: قرآن کریم

79

درس سوم: ارکان ایمان

85

درس چهارم: ایمان داشتن به معجزات

91

درس پنجم: عبادات و معاملات



## فصل چهارم

### ادیان وضعی

.....98.....	درس اول: ادلن متروکۀ جهان
.....108.....	درس دوم: ادلن ودایی، برهمایی و هندویی معاصر
.....116.....	درس سوم: ادلن بودایی و جای
.....122.....	درس چهارم: ادلن ایلن قدیم، چن و جاپان

## فصل پنجم

### چگونگی مقارنۀ ادیان

.....133	درس اول: عدم لزوم مقارنۀ دین مقدس اسلام با ادلن وضعی
.....138.....	درس دوم: مقارنۀ دین مقدس اسلام با ادلن سماوی
.....143.....	مآخذ

## مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوْذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسَنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يَضِلَّهُ فَلَا مُهَادِيَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.....

مضمون «شناخت ادیان» یکی از مضامین اختصاصی رشته علوم دینی دارالمعلمین های کشور می باشد که معلمان و استادان مسلکی را در این رشته ، برای تدریس مضامین علوم دینی مکاتب تربیه و آماده خدمت مینماید.

در جنب سایر مضامین علوم دینی این مضمون هم گنجانیده شده تا محصلان اصول اعتقادی و امور عملی تمام ادیان بزرگ جهان معاصر را به خوبی بدانند و از طریق شناخت آن به حقانیت اصول اعتقادی و امور عملی دین مقدس اسلام پی ببرند چه اشیاء با شناخت اعداد آن خوبتر شناخته میشوند (تُعَرَّفُ الْأَشْيَاءُ بِأَصْدَادِهَا). در این اواخر برخی از محققین صحبت از تقارب بین ادیان کرده و برخی صدای پلورالیزم دینی یا کثرت گرایی دینی را بلند نموده اند و تعدادی هم از هجوم دینی و فرهنگی غرب علیه کشورهای اسلامی و شرقی تشویش نشان میدهند که با نظر داشت امور فوق موجودیت مضمون بنام شناخت ادیان در کریکولم درسی رشته متذکره امر حتمی و ضروری به نظر میرسد تا محصلان این رشته با این قضایای جدید کلامی برخورد علمی و منطقی نموده بتوانند.

کتاب درسی حاضر دارای پنج فصل و هر فصل دارای درسهای مختلف میباشد، در فصل اول موضوعات مقدماتی راجع به ادیان بحث شده و در فصل دوم از ادیان منسوخة سماوی بحث بعمل آمده و فصل سوم دین مقدس اسلام را بررسی کرده و فصل چهارم به تحقیق ادیان وضعی پرداخته و فصل پنجم چگونگی مقارنه ادیان را به بحث گرفته است. کار این کتاب با معرفی لست مفصل از آن مآخذ معتبری به پایان برده شده که در غنامندی و باروری این اثر از آنها استفاده صورت گرفته است.

این کتاب به شیوة جدید درسی تحقیق و تالیف شده و هر فصل حاوی دروس متعدد است، در ابتداء دروس بعد از معرفی عنوان درس، اهداف تدریس آن درس ذکر گردیده و بعد مطالب درس و نکات اساسی موضوع توضیح و تشریح شده و در اخیر درس تمرینی که حاوی سوالات

مختلف است آورده شده است و هم توجه استادان محترم و محصلان ارجمند به فعالیت صنفی و کار عملی جلب گردیده تا از طریق آن مراجع معتبر و مواد درسی لازم را مورد استفاده وسیع خود قرار دهند.

با استفاده از فرصت لازم به تذکر میدانم تا از محترم پوهنمل غلام محمد محب، محترم محمد صدیق "صمیم" و محترم هیواد "مایار" ابراز سپاس و شکران نمایم که به ترتیب در ادیت، تایپ و دیزاین این کتاب با اینجانب همکاری بی شائبه و صادقانه نموده اند.

و هم در اخیر از اساتید محترم و مدرسین گرامی خواهشمندیم اگر به اغلاط تایپی بر میخورند و یا در تحلیل مطالب این کتاب مشکلی را ملاحظه میفرمایند با بزرگواری شان خود به رفع و حل آن بپردازند.

# فصل اول

موضوعات مقدماتی راجع به ادیان

## درس اول

### تعریف و چگونگی تحقیق در مورد شناخت ادیان

#### اهداف:

1. توضیح و درک کامل تعریف، موضوع و غرض علم ادیان.
2. آماده ساختن زمینه برای جروب‌بحث محصلان در مورد مفیدیت تدریس مضمون شناخت ادیان.
3. بیان مطالب ضروری راجع به تحقیق در مورد ادیان مختلف در سطح جهان، منطقه و کشورما.

اگر ما زندگی جوامع انسانی را در گذشته و حال به دقت بررسی و تحقیق کنیم به بسیار آسانی معلوم میشود که اعتقادات دینی از خصائص جوهری آنها بوده و قویاً بر روح و روان آنها تسلط داشته است. پلوتارک مورخ معروف قرن اول میلادی یونان در این زمینه گفته است: «زمانیکه شما به سفر و گردش در جهان مشغول هستید حتماً شهرها و دهات زیادی را از نزدیک مشاهده میکنید شما شهرها و دهاتی را شاید ببینید که دیوارها ندارد، شهرها و دهاتی را دیده باشید که رهبر و زعيم نداشته باشند و هم شهرها و دهاتی را دیده اید که نه خزانه ها دارد و نه محلات تفریح، اما به هیچ صورت شما شهر و یا دهی را ندیده باشید که در آن معبدی برای عبادت وجود نداشته باشد».

گفته پلوتارک حقیقت دارد هیچ کشور، شهر، ده، نژاد و قبیله ای وجود ندارد که به نحوی از انحاء دارای اعتقاد دینی نباشد. آنانیکه دارای زندگی بسیار ساده و بدوی اند و فاقد امتیازات زیاد مادی و معنوی میباشند ولی نظریات و باورهای دینی باقوتی در بین آنها وجود دارد و به عالم روحانی معتقد هستند و به شکلی مصروف عبادت و پرستش یک وجود متعالی اند و این حقیقت در طول تاریخ انسانها با آنها همراه بوده است.

دین از خصوصیات انسان و جامعه انسانی است. علمای منطق به این عقیده اند که منطق و اندیشیدن یکی از خصوصیات انسان است که او را از سایر حیوانات ممتاز میسازد و از همین

جهت است که انسان را به «حیوان ناطق و متفکر» تعریف نموده اند، به حالت که این تعریف بسیار خوب، جامع و مانع انسان است اما شده میتواند که ما در عوض آن، این تعریف را نیز بکار ببریم: «انسان حیوانی است دیندار» این تعریف هم انسان را از سایر حیوانات کاملاً جدا میسازد. حیوانات دیگری شاید در برخی صفات نسبت به انسان قویتر باشند، مانند قوت در حس شامه، حس باصره، حس سامعه، قوت در بدن و بزرگی جسامت ولی تا جائیکه تحقیقات در مورد حیوانات صورت گرفته تا حال هیچ حیوانی نشانه و علامه ای از یک زندگی دینی را از خود تبارز نداده است. در اینجا هدف از دیندار بودن طبعاً یک مفهوم عام آن است که لااقل افکاری در ارتباط به چگونگی خلقت جهان و انسان و داشتن یک زندگی مورد قبول خاطر وجود داشته چنانچه در این تعریف دین میخوانیم «دین عبارت است از: جستجوی جمعی برای یک زندگی کاملاً رضایت‌مندانه» انسان وقتی به سوالات زیر جواب دهد حتماً به فکر ضرورت وجود یک زندگی مورد رضایت می افتد و البته پاسخ منطقی به این سوالات در این راه به او کمک میکند که از کجا آمده است؟ و به کجا میرود؟ هدف از این آمد و رفت چیست؟ چگونه میتوانیم این رفت و آمد را تنظیم بهتر کنیم؟ و در نتیجه آرامش خاطر داشته باشیم؟ ولی اگر دیندار بودن را به معنی خاصی آن در نظر بگیریم در اینصورت هستند تعدادی از انسانهاییکه به کدام نظام دینی خاصی معتقد نمیشاند.

### تعریف دین:

تعریفی که مورد اتفاق همه دانشمندان و علمای دین شناس باشد برای دین تا هنوز صورت نگرفته است و تعریفاتی که تا اکنون صورت گرفته ذیلاً ذکر میگردد:

علماء و متکلمین اسلامی دین را در لغت بمعنی اطاعت دانسته اند چنانچه «دَانِ النَّاسِ»، به «فَقَرَهُم بِالطَّاعَةِ» و «لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ» به «لَا يُطِيعُونَ طَاعَةَ الْحَقِّ» ترجمه شده است و در اصطلاح آنرا چنین تعریف نموده اند: «الَّذِينَ هُوَ الْإِعْتِرَافُ بِاللَّسَانِ وَالْإِعْتِقَادُ بِالْجَنَانِ وَالْعَمَلُ بِالْأَرْكَانِ» و یا: «الَّذِينَ وَضَعَ إِلَهُهُ لُؤْلَى الْأَلْبَابِ يُتَنَاولُ الْأُصُولَ وَالْفُرُوعَ» (2:12).

داکتر بهاء الدین پازارگاد در کتاب خود «تاریخ و فلسفه مذاهب جهان» برای دین یا به اصطلاح خودش «مذهب» اینطور تعریف را انتخاب نموده است: «دین عبارت است از رابطه بین محدود و نامحدود یا رابطه بین فنا و ابدیت و یا وسیله ای که آدمی را به درک سبب وجود خویش بسوی چیزی و راء وجود خودش هدایت کند. وهم «برخی از مستشرقین و علمای

غرب در این اواخر برای «دین» تعاریفات متفاوتی نموده اند که بطور مثال میتوان تعاریفات ذیل را در اینجا ذکر نمود :

«دین مجموعه کلی اعتقادات، احساسات و اعمال انفرادی یا اجتماعی است».

«دین عبارت از ارتباط انسان با قوای ما فوق انسانی است که آدمی به آنها اعتقاد داشته و خود را وابسته به آنها میدانند».

«دین مجموعه ای از اعتقادات و اعمال مربوط به اوامر و نواهی میباشد، این اعتقادات و اعمال تمامی آنانی را که به آن معتقد میشوند در حیطه امت معنوی واحد بنام جماعت مومنین متحد میسازد».

اما تعریف نسبتاً جامع و مانعی که از دین صورت گرفته است میتوان اینطور جمله بندی نمود :  
«دین عبارت است از نهاد اجتماعی که صفت شاخصه آن وجود امتی است که افراد آن در امور ذیل با هم توافق دارند:

الف- پذیرش برخی دستورات و اجرای بعض مناسک و شعائر.

ب- عقیده داشتن به یک ارزش مطلق که چیزی مماثل به آن شده نتواند.

ج- ارتباط دادن فرد با قدرت معنوی مطلق و عالتر از انسان که به شکل شرک، تثویت، تثلیث و تو حید تجسم میکند» ( 29:8).

## موضوع علم ادیان :

در این علم نظامهای مختلف دینی مورد بحث قرار داده میشود از بررسی نظریات دینی انسانهای ابتدایی گرفته تا نظامهای بزرگ ادیان سماوی و وضعی همه موضوع بحث این علم را تشکیل میدهد، و در این علم از آنها بحث میشود: ادیان سماوی چگونه ظهور نموده و توسط کدام پیامبران الهی رسانیده شده است؟ اولین نظریات و ادیان انسانهای ابتدایی که در جنب ادیان و شرائع سماوی وجود داشته چگونه وضع گردیده است؟ بزرگترین ادیان وضعی و بشری به چه ترتیبی تاسیس و تبلیغ شده است؟ وضع کنونی ادیان فعال معاصر از چه قرار است؟ معتقدات اساسی، عبادات، اجرای اعمال دینی، موازین اخلاقی و تنظیم روابط انسانی در



ادیان چگونه معین گردیده است؟ این همه ، آن مطالبی است که در علم ادیان مورد بحث قرار میگیرد.

### غرض و غایه علم ادیان:

دین خواست فطری انسان است و در وجود انسان احساس و تمایل قوی نسبت به آن وجود دارد پس غرض و غایه مهم دین اشباع نمودن خواسته های فطری انسان در این مورد میباشد. شناخت ادیان که معلومات دقیقی را در رابطه با ادیان برای محصلان ما ارائه میدارد در زمینه این غرض و غایه دین، آنها را کمک میکند تا اصول و فروع همه ادیان را بخوبی شناخته و بعد از مقایسه و مقارنه، دین بر حق و مقدس اسلام را از بین ادیان سماوی منسوخه و ادیان وضعی باطله شناسایی نمایند و آنها را رهنمود، لاحق و راهگشای زندگی خویش قرار دهند.

### چگونگی تحقیق در مورد شناخت ادیان:

جستجوی علما و جامعه شناسان در مورد شناخت ادیان از دوره های بسیار قدیم وجود داشته است.

اولین تحقیق ایکه در این علم صورت گرفته است در قرن - 6 - قبل از میلاد که یونان علایق وسیعی باملل متمدن آن عصر داشت و با معتقدات آنها آشنا بود توسط گزنفون فیلسوف آن انجام شده است. گزنفون یا گزنوفانس که درسالهای ( 480-570 ق.م ) زندگی داشت شخصیت خداها را که بوسیله «همر» و «هزیود» معرفی شده اند مورد انتقاد قرار داده است، زیرا آنها خدایان را بی اهمیت تر از آنچه باید باشند نشان داده اند، گزنفون معتقد است: خدایان طوریکه مردم تصور میکنند نیستند، آنها مانند انسان یا حیوان موجود معین و محدود نمی باشند و مانند انسانها اعضای حسی ندارند، الله باید یکی باشد و به نیروی عقل، جهان را اداره کند و در همه جا حاضر باشد ( 14: 14-18 ) این نظر گزنفون در مورد الله ﷻ خیلی نزدیک و شبیه است بانظر ادیان سماوی که با اولین انسان و پیامبر روی زمین حضرت آدم ﷺ سلسله آن آغاز و با ظهور حضرت محمد مصطفی ﷺ خاتمه و کمال یافته است.

پدر مورخان هرودوت ( 425-483 ق.م ) و سیسرون رومی ( 106-43.م ) و سالوست رومی ( 34-86 م ) و پلوتارک مورخ یونانی (قرن اول میلادی) لوسیان (قرن دوم میلادی) همه آنها خدایان متعدد یونان و روم و هم از آلهه و خدایان معاصر خود که میشناخته اند کم و بیش سخن گفته اند.

تحقیقاتی که در قرون وسطی (از قرن پنجم میلادی تا قرن پانزدهم میلادی) در غرب در عرصه علم و شناخت ادیان صورت گرفت توأم با تعصب و تحجر بود و مورد اعتقاد و باور همگان واقع شده نتوانست (12: 5-6). وهم اصلاً در این قرون در مورد شناخت ادیان تحقیقات متعدد و قابل پذیرشی بعمل نیامده است. بعد از آن در قرون 17 و 18- راه برای تحقیقات دقیق و حساب شده باز گردید و بر غنای هر چه بیشتر این علم افزوده شد. پس از قرن 18- میلادی بود که تعدادی از دانشمندان جامعه شناس اروپا تحقیقات زیادی را در مورد شناخت ادیان قدیم و جدید بعمل آوردند. این تحقیقات در مورد جوامع اسکیمو های گروئلند و اقوام ابتدایی ساکن آسترالیا و امریکای شمالی صورت گرفت، علمای جامعه شناس اواخر قرن 19- و اوائل قرن 20- نیز علاوه بر تحقیق در نهادهای اجتماعی و از جمله نهاد های دینی اقوام، نحوه تکوین و تکامل، رشد و تحول نهاد های مزبور را در اعصار بسیار قدیم تا دوره معاصر به شیوه ها و روشهای مختلف مورد بحث و تحقیق قرار داده اند. بعد از قرن 17- از طرف جامعه شناسان و محققان اروپایی حفريات زیادی در مناطق مختلف جهان صورت گرفت. کشور مصر، کشور عراق (بین النهرین) از جمله آن کشور هایی گفته میشوند که این حفريات و تحقیقات وسیعاً در آنها صورت گرفته است. از سال 1824-1879 میلادی اروپائیان توجه خاصی به تحقیقات باستانشناسی در کشور ما نیز نموده اند در اثر حفريات، مسکوکات، کتیبه ها و مجسمه های زیادی در مناطق مختلف کشور ما بدست آمده است، این مناطق عبارت است از جلال آباد، چکری، شیوه کی، کمری، خواجه صفا، شهدای صالحین، تپه سلام، گردنه علی آباد، تپه مرنجان شهر کابل، مناطق مختلف ولایت بامیان، منطقه سیاه گرد غوربند، نوبهار بلخ و غیره (2: 35-116).

ناگفته نباید گذاشت که جامعه شناسان و محققان اروپایی ادعا دارند که تحقیقات در مورد ادیان را، از همه اولتر آنها آغاز کرده اند، که این ادعای شان حقیقت ندارد، علاوه بر آن تحقیقات، آنها در برخی موارد نظر متعصبانه نیز دارد زیرا بعد از تجدید علوم و فنون در اروپا زمینه آن مساعد شد که اروپائیان بر اقوام آسیایی و افریقایی تسلط استعماری خود را قائم سازند و بمنظور ادامه و تحکیم تسلط استعماری خود مستشرقین غربی وظیفه گرفتند تا ادیان و مذاهب مناطق تحت تسلط خود را مورد تحقیق قرار دهند، به ناقص جلوه دادن ادیان و مذاهب آنها پرداختند و زمینه اختلافات بین ملل ساکن در این دو قاره را آماده کردند تا در

نتیجه، راه برای استثمار و استغلال بیشتر این ملل آماده شود حتی برخی مستشرقین کوشیده اند تا دین اسلام را با یک چهره غیر واقعی به معرفی بگیرند و در مقابل دین مسیحیت را، یک دین مطبوع و مورد رغبت جوامع انسانی معرفی کنند، این نوع قضاوت آنها نشان دهنده آنست که در راستای تحقیق از تعصب خاصی دینی کار گرفته شده است.

دانشمندان اسلامی درمورد تحقیق ادیان زحمات زیادی را متحمل شده اند و با استفاده از نصوص قرآنی و احادیث نبوی در این زمینه حقایق غیر قابل انکاری را بیان داشته اند. قرآنکریم اولین کتابی است که با تفصیل از ادیان و ملل قدیم یاد آوری نموده، ادیان حقّه سماوی را با پیامبران آن ها بیان داشته و از موقف مشرکان، بت پرستان، ستاره پرستان، آتش پرستان و طبیعت پرستان در برابر ادیان الهی سخن گفته است. مفسرین قرآنکریم در مورد تحقیق ادیان خدمات قابل قدری را انجام داده اند که در زمینه میتوان از تحقیقات گرانه‌های ابن کثیر، جلال الدین سیوطی، جلال الدین محلی، نسفی، ابن جریر طبری، فخر الدین رازی، علامه زمخشری، علامه الوسی، ناصر مکارم شیرازی، قاضی بیضاوی و غیره مفسرین رحمة الله تعالی علیهم اجمعین نام برد.

علمای علم عقاید و کلام اسلامی نیز به سهم خود راجع به ادیان و مذاهب ملل مختلف تحقیقات با ارزشی انجام داده اند که در این زمینه میتوان از عبد الکریم شهرستانی، البیرونی، ابن حزم ظاهری، ابن تیمیه و دیگر محققین رحمة الله تعالی علیهم اجمعین یاد آوری کرد.

## تمرین

1. سخن معروف پلوتارک یونانی را در مورد اینکه دین یکی از خصوصیات مهم جامعه انسانی است چگونه توضیح داده میتوانید؟ با اختصار ذکر کنید.
2. اگر دیندار بودن را به معنی عام آن در نظر گیریم آیا میتوانیم که انسان را با این ویژگی که تعریف نمود اند و از سائر حیوانات ممتاز سازیم؟
3. دین را از نظر علمای اسلامی تعریف نمایید و در مورد جامع و مانع بودن آن بحث کنید؟
4. از جمله تعاریفات که از طرف مستشرقین راجع به دین صورت گرفته است کدام یکی از جامعیت و مانعیت بیشتری برخوردار میباشد؟ درباره آن معلومات مختصر دهید.
5. از مطالعه تعاریفات مختلف دین چگونه میتوانید به دریافت موضوع آن دست یابید؟ شرح دهید.
6. ماچطور میتوانیم از طریق مطالعه و مقارنه ادیان مختلف به حقانیت دین مقدس اسلام پی ببریم؟ این موضوع را وسیعاً در صنف زیر نظر استاد مورد جروبحت قرار دهید.
7. اولین نظریات علمای یونان و روم را در مورد مطالعه و تحقیق ادیان بیان نمایید و دوام یافتن این تحقیقات را تا قرون معاصر با اختصار ذکر کنید.
8. مناطق مهمی که در سطح جهان تحقیق دینی در آن صورت گرفته است نام ببرید و این تحقیقات را بعد از قرون - 17 و 18- میلادی در مناطق مختلف کشور خود نیز شرح دهید.
9. با استفاده از وسائل درسی در مورد مفید بود تدریس مضمون شناخت ادیان کار گروهی در صنف تحت نظر استاد انجام دهید.

## درس دوم

### تقسیمات مختلف ادیان

#### اهداف:

1. کسب مهارت را جع به تقسیم بندی ادیان از نظر علمای دین و شریعت مقدس اسلام.
2. کسب مهارت در مورد تمام تقسیم بندیهای معروف ادیان بشری.
3. فراهم ساختن زمینه جهت بحث روی نکات بحث انگیز تقسیم بندیهای مختلف ادیان.

در مورد تقسیمات ادیان، روشها و طریقه های مختلفی از سوی دین شناسان بکار گرفته شده است که در ذیل، اولاً تقسیم بندی علمای دین اسلام و بعد تقسیم بندیهای جامعه شناسان را به بحث میگیریم:

علما و دانشمندان دین و شریعت مقدس اسلام، ادیان را بدو دسته، ادیان سماوی و ادیان وضعی تقسیم نموده اند.

#### 1. ادیان سماوی والهی:

ادیان سماوی و الهی ادیانی اند که از جانب الله ﷻ واحد و لاشریک بدستهای توانای پیامبران الهی بصورت وحی الهی برای رهنمایی بشر فرستاده شد، سلسله این ادیان از اولین انسان و پیامبر روی زمین ابو البشر حضرت آدم علی نبینا و ﷺ آغاز گردیده و به آخرین پیامبران حضرت محمد مصطفی ﷺ خاتمه یافته است.

#### 2. ادیان وضعی:

ادیان وضعی به اشکال گوناگون و با استفاده از غریزه دینی انسانها پیریزی و به رشد و توسعه خود ادامه داده اند، مانند دین ودایی، دین برهمایی، دین هندویی، دین بودایی، دین جایی، دین زرتشت، دین شینتو، دین لائوتسه، دین کنفوسیوس و ادیان وضعی دیگر.

باید خاطر نشان ساخت که برخی از جامعه شناسان ادیان جهان را بدو دسته فعال و غیر فعال نیز تقسیم نموده اند. ادیان فعال عبارت از آن ادیانی اند که در عصر کنونی هم فعالیت دارند و دارای پیرو می باشند و هم برخی از آنها رو به توسعه و پیشرفت نیز میباشند، تعداد این ادیان

در حدود یازده دین می باشند و عبارت اند از: دین هندویی، دین زردشتی، دین بودایی، دین جایی، دین تائو (لائوتسه) دین کنفوسیوس، دین شینتو، دین سک، دین یهودی، دین مسیحی و دین مقدس اسلام.

ادیان غیر فعال عبارت از آن ادیان متروکی استند که در گذشته بعنوان ادیان فعال پیرو داشتند ولی در زمان حاضر فعالیت خاصی ندارند اما برخی از آنها شاید در تکوین و شکل گیری بعضی ادیان فعال معاصر تاثیر ویژه ای داشته باشند، مانند ادیان مصریان قدیم در کشورهای آفریقائی، ادیان قدیم بابل و آشور مربوط اقوام حیتی و فینیقی، ادیان روم و یونان قدیم، ادیان تیوتونی و سلطت کشور های اروپائی، ادیان مکزیکی قدیم در امریکا، ادیان میترائی ومانی در آسیای صغیر.

تقسیم بندی دیگریکه از سوی جامعه شناسان صورت گرفته است به اساس نفوس و جمعیت پیرو آن ادیان است. این تقسیم بندی اکثر دقیق نیست و بعضاً متعصبانه نیز میباشد. این تقسیم بندی گاهی تابع آن محققانی می باشد که آمار پیروان ادیان را جمع آوری میکنند که آیا واقعاً یک تحقیق آزاد و بیطرفانه است و یا تحت تاثیر ادیان خود قرار گرفته اند، یکی از این نمونه های تحقیق، آمارگیری رابرت هیوم است که بیشتر از نیم قرن قبل، در کتاب معروفش «ادیان زنده جهان» ارائه شده است و قرار ذیل میباشد:

1. دین مسیحیت 835 میلیون نفر.
2. دین اسلام 420 میلیون نفر.
3. دین هندوئی 322 میلیون نفر.
4. دین کنفوسیوس 300 میلیون نفر.
5. دین بودائی 275-150 میلیون نفر.
6. دین شینتو 79 میلیون نفر.
7. دین تائو (لائوتسه) 50 میلیون نفر.
8. دین یهودی 12 میلیون نفر.
9. دین سک 2,6 میلیون نفر.
10. دین جایی 6,1 میلیون نفر.
11. دین زرتشتی 14,0 میلیون نفر.

این آمار گیری با اینکه از جانب خود محقق هم تقریبی گفته شده است اما تعداد مسلمانان در آنوقت نظر به آمار نامه های رسمی در حدود 800 میلیون الی یک میلیارد نفر پیرو ذکر شده نه 420 میلیون نفر که رابرت هیوم ذکر نموده است.

تقسیم بندی دیگریکه از جانب جامعه شناسان صورت گرفته است به اساس تاریخ ایجاد هر دین است که معمولاً سال تولد مؤسس هر دین را معتبر دانسته اند. به اساس این معیار فعلاً ادیان موجود و فعال جهان به طور ذیل دسته بندی گردیده است:

- دین هندوئی 1500 تا 2000 سال پیش از میلاد مسیح (زمان هجوم اقوام آریائی به هند).
  - دین یهودی 1200 الی 1500 سال پیش از میلاد مسیح (زمان تقریبی حضرت موسی عليه السلام).
  - دین شینتو 660 سال قبل از میلاد مسیح (دوره اولین امپراتور جاپان).
  - دین زرتشتی 660 سال پیش از میلاد مسیح (آخرین تاریخ احتمالی زرتشت).
  - دین تائویی 604 سال قبل از میلاد مسیح (بنیانگذار اسمی، لائوتسه).
  - دین جایی 599 سال قبل از میلاد مسیح (بنیانگذار اسمی ماهاویرا).
  - دین بودائی 560 سال قبل از میلاد مسیح (زمان تقریبی تولد بودا).
  - دین کنفوسیوس 551 سال قبل از میلاد مسیح (زمان تقریبی تولد کنفوسیوس).
  - دین مسیحیت 4 سال قبل از تاریخ مشترک مسیحیت و یهودیت (زمان تقریبی تولد حضرت عیسی عليه السلام).
  - دین مقدس اسلام 570 میلادی (تاریخ دقیق تولد حضرت محمد مصطفی ص).
  - دین سک 1469 میلادی (تاریخ دقیق تولد گورو نانک) (42: 29-31).
- برخی جامعه شناسان ادیان جهان را به اساس منشأ جغرافیائی تقسیم بندی نموده اند، در این تقسیم بندی قاره آسیا بستر تولد تمام ادیان فعال معاصر جهان گفته شده است:
- ادیانیکه از غرب آسیا نشأت کرده است عبارت اند از: دین یهودی، دین زرتشتی، دین مسیحی و دین مقدس اسلام.
- ادیانیکه از آسیای جنوبی ناشی شده است عبارت اند از: دین هندویی، دین جایی، دین بودایی و دین سکھی.

ادیانیکه از آسیای شرقی سرچشمه گرفته است عبارت اند از: دین تائو (لائوتسه)، دین کنفوسیوس و دین شینتو.

برخی از جامعه شناسان، ادیان جهان معاصر را به اساس چگونگی تخمین و تصویری که در ابتدا از الله ﷻ داشتند قرار ذیل تقسیم بندی نموده اند:

دین هندویی، دین کنفوسیوس و دین شینتو در ابتدا ، به اساس شرک ایجاد گردیده است وبعد نیز به شرک خود ادامه داده اند.

دین بودایی و دین جایی بدون اینکه بر وجود الله ﷻ تاکید کنند ایجاد گردیده اند.

دین مقدس اسلام وسایر ادیان سماوی قبل از حضرت نوح ﷺ و بعد از وی به وجود الله ﷻ واحد معتقد بودند.

برخی جامعه شناسان ادیان معاصر جهان را به این اساس تقسیم بندی نموده است که کدام دین بنام مؤسس آن شهرت یافته و کدام ادیان بنام مؤسسين آنها شهرت نیافته اند، بطور مثال دین زرتشت، دین کنفوسیوس، دین بودائی و دین جینی به نامها و یا القاب مؤسسين خود یاد شده اند در حالیکه برخی از ادیان دیگر چنین نیست.

برخی از جامعه شناسان ادیان را به دو دسته، ادیان توحیدی و ادیان شرکی تقسیم بندی نموده اند برخی از فلاسفه غرب تقسیمات ادیان را به یک شیوه جداگانه انجام داده اند که به چند نمونه آن ذیلاً اشاره میکنیم:

ویلیام فرید ریخ هیگل آلمانی ادیان جهان بشری را به سه دسته ذیل تقسیم بندی نموده است:

- ادیان اقتباس شده از طبیعت.
- ادیانیکه از معتقدات روحانیت فردی نشأت کرده اند.
- ادیان عمومی بطور مطلق.

تیل جامعه شناس هالندی ادیان جهان بشری را بدو دسته ناشی از طبیعت و ادیان مبتنی بر اصول اخلاق تقسیم بندی کرده است.

برخی دیگری از جامعه شناسان، ادیان را به سه دسته: ادیان قبایل و عشایر کوچک، ادیان ملت‌ها و اقوام بزرگ، و ادیان بین المللی که مورد قبول اقوام و ملل متعدد است گروپ بندی



نموده اند.

علی اصغر حکمت نویسنده کتاب «تاریخ ادیان» تقسیم بندی ذیل را بیشتر منطقی و مورد قبول دانسته است، در این تقسیم بندی ادیان به سه دسته ذیل تقسیم میگردد:

■ ادیان ساده بدوی: اعتقاد بر اجسام و ارواح و پرستش اجداد، مانند: آئیمیزم، توتیمیزم و فیشیزم.

■ ادیان مبتنی بر اصول فکری و فلسفی، چون: دین بودائی، هندوییزم و کنفوسیوزم.

■ ادیان مبتنی بر اصول روحانی، مثل: یهودیت، مسیحیت و دین مقدس اسلام (12: 22).

ایس. ایم شاهد یک محقق اروپائی و مولف کتاب «دنیوالمو مذهبونو پیژندنه او د ادیانو پرتلنه» که از طرف جمال الدین عرفان بزبان پشتو ترجمه شده است ادیان عالم بشری را به سه دسته ذیل تقسیم بندی نموده است:

1 - ادیان نژاد سامی و ادیان نژاد غیرسامی، در ادیان نژاد سامی دین یهودیت، دین مسیحیت و دین مقدس اسلام شامل میباید اما لازم به تذکر است که در دین مقدس اسلام تفوق نژادی وجود ندارد و رنگ مدار اعتبار نمیباشد، عرب بر غیر عرب، سفید بر سیاه امتیاز ندارد بلکه معیار بهتری و کرامت انسان تقوی و پرهیزگاری است و بس. در ادیان نژاد غیر سامی ادیان آریایی، مانند دین هندو، دین جینی، دین سک و دین زرتشت شامل می باشد چنانچه در ادیان منگولیایی، ادیان تائو (لائوتسه)، کنفوسیوس، شینتو و دین اسلاف پرستی شامل اند. دین بودایی مربوط آریائیها و منگولیائیها هر دو می باشد اما به نظر برخی از محققان دین بودایی مربوط منگولیائیها می باشد نه آریائیها.

2 - ادیان الهامی و ادیان غیر الهامی که هدف از ادیان الهامی آن ادیانی اند که بر اساس وحی و الهام الله ﷻ تشکیل شده باشند.

ادیان غیر الهامی آن ادیانی اند که اساس آنها وحی و الهام الله ﷻ نمی باشد بلکه از سوی برخی از اشخاص و یا برخی از جوامع بشری، وضع شده باشند.

3 - تقسیم بندی ادیان به اساس تاریخ ظهور آنها که راجع به آنها قبلاً معلومات ارائه شد (20: 37-39).

### تمرین

- 1 - تقسیم بندی ادیان که از سوی علمای دین مقدس اسلام صورت گرفته است و مورد تایید مسلمانان میباشد نام ببرید و مختصراً توضیح دهید.
- 2 - منظور از تقسیم بندی ادیان به فعال و غیر فعال چه می باشد؟ با ارائه چند مثال بیان دارید.
- 3 - تقسیم بندی ادیان به اساس نفوس بعضاً در ارائه آمار متعصبانه صورت گرفته است، این موضوع را با ذکر یک مثال شرح کنید.
- 4 - ادیان فعال معاصر همه در قاره آسیا بظهور رسیده اند، این موضوع را به کمک استاد مضمون در صنف جرو بحث نمایید.
- 5 - علی اصغر حکمت چرا تقسیم بندی خود را بیشتر منطقی دانسته؟ موضوع را در صنف تحت نظر استاد مناقشه کنید.
- 6 - تقسیم بندیهای هیگل، تیل و ایس.ایم.شاهد را، بصورت خلاصه تذکر دهید.
- 7 - محصلان با استفاده از وسائل درسی راجع به تمام تقسیم بندیهای ادیان با یکدیگر، سوالات مختصر تحت نظر استاد مطرح کنند. و به جواب های آن پیر دازند.

## درس سوم

### پیشینه و تاریخی معتقدات دینی

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. توضیح مختصر سلسله بعثت انبیای الهی از حضرت آدم علیه السلام الی خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله.
2. توضیح سوالات اساسی که بر بنای ایمان فطری به ذهن انسان خطور میکند.
3. توضیح مختصر ادیان وضعی متروک و فعال جهان.

طوریکه در درس گذشته، ادیان را بدو دسته، ادیان سماوی و ادیان وضعی تقسیم بندی نمودیم هر دسته ای از این ادیان دارای یک پیشینه تاریخی خاصی است که در ذیل راجع به هر کدام آنها معلومات مختصر ارائه میگردد:

#### پیشینه تاریخی ادیان سماوی:

خداوند کریم صلی الله علیه و آله بنابر اراده و حکمت بالغه خویش خواست تا حضرت آدم علیه السلام را بعنوان اولین انسان و خلیفه روی زمین خلق کند تا بعد از تکمیل خلقتش کار اعمار زمین به دستان او آغاز گردد، از حضرت آدم علیه السلام و بی بی حواء نسل انسانها بروی زمین گسترش یافت و جوامع انسانی بمرور زمان تشکیل گردید، الله جل جلاله انسان را که یک موجود مکرم و با احسن تقویم است در تنظیم امور زندگی دنیوی و دست یابی به سعادت اخروی تنها نگذاشت بلکه در مقاطع مختلف زمانی با ارسال رسل و انبیاء کرام علیهم السلام او را رهنمائی درست و به موقع نمود. حضرت آدم علیه السلام خود اولین نبی مبعوث الهی است و سلسله نبوت با او آغاز شده و تظاهر و بعثت حضرت سرور کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله ادامه یافته است. پیامبران الهی جوامع انسانی را در امور دنیوی و دینی رهنمائی نموده، اوامر و نواهی خداوند متعال را به آنها رسانیده اند هر چند که برخی اقوام و ملل منحرف، دعوت بر حق ایشانرا نپذیرفته اند اما با آنهم الله جل جلاله برای همه جوامع با بعثت پیامبران اتمام حجت کرده است و هیچ قومی را معذب نخواهد ساخت تا زمانیکه به آن قوم بعثت پیامبری صورت نگرفته باشد، چنانچه میفرماید:

«وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (1: الاسراء، 15) ویا این قول خدای متعال ﷻ: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (1: النساء 165). حضرت آدم ﷺ در حدود یکهزار سال در بین فرزندان خود زندگی نموده و آنها را از طریق صحائف ده گانه و وحی الهی رهنمائی کرده است. بعد از حضرت آدم ﷺ حضرت شیث ﷺ که پسر حضرت آدم ﷺ میباشد به پیامبری مبعوث شد دارای 50 صحیفه بوده و قوم خویش را رهنمائی نموده است. حضرت ادریس ﷺ پیامبر دیگر الهی است که 30 صحیفه الهی با خود داشته است و قرآنکریم در موردش میفرماید:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» (1: مریم، 56-57).

حضرت ادریس ﷺ در بابل به دنیا آمد و 308 سال از حیات حضرت آدم ﷺ را دریافته است، وی اولین کسی است که بوسیله قلم نوشتن را آغاز کرد، او با پیروانش به طرف مصر هجرت نمودند و مردم آنجا را به دین الله ﷻ دعوت کرده است. در زمان وی مردم به 72 زبان تکلم میکردند که حضرت ادریس ﷺ همه آن زبانها را یاد داشت تا هر قوم را به زبان خودشان رهنمائی کند، چنانچه او تعالی میفرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ». میگویند او اولین شخصی است که قواعد و اصول سیاست مدن و فن شهر سازی را به قوم خود تعلیم داد و در زمانش در حدود 188 شهر اعمار گردید.

زمان حضرت نوح ﷺ فرار رسید و بنابر حدیث ابن عباس رضی الله تعالی عنه میان حضرت آدم و حضرت نوح ﷺ ده قرن فاصله زمانی وجود داشت و همه مردم در این مدت مومن به دین الله ﷻ بودند، حضرت نوح ﷺ اولین رسولی است که به جانب اهل زمین، بعد از طوفان، فرستاده شد چنانچه حضرت آدم ﷺ اولین نبی است برای جامعه نو

بنیاد انسانی که به پیغمبری مبعوث گردید. الله ﷻ در مورد ایشان میفرماید:

«إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ» (1: نوح، 1) او پنجاه سال کم یکهزار سال در بین قوم خود زندگی کرد.

حضرت نوح ﷺ در بین قومی به پیغمبری مبعوث شد که بت ها را پرستش میکردند. از جمله پنج بت آنها خیلی مشهور است و قرآنکریم نامهای آنها را ود، سواع، یغوث، یعوق، و نسر ذکر کرده است که در اصل نامهای اشخاص صالح و یا نامهای فرشتگان مقرب میباشد که بعد بتهائی از آنها ساخته شد تا تعلیمات و خدمات شان فراموش نشود و آهسته آهسته بعنوان معبودان قوم نوح ﷺ در آمده اند. حضرت نوح ﷺ به تبلیغ احکام دین الله ﷻ در بین قوم خود ادامه داد ولی گوش شنوائی کمتر وجود داشت تا اینکه او مامور به ساختن کشتی شد و طوفان عظیمی نازل گشت، حضرت نوح ﷺ با اهل و پیروانش سوار به کشتی شدند و از طوفان نجات یافتند، فرزند مشرک وی کنعان از جمله غرق شدگان بود. او پدر ثانی انسانهای روی زمین بود که از سه فرزندش سام، یافث و حام نشأت کرده اند.

زمان ظهور حضرت ابراهیم خلیل الله میرسد فاصله زمانی او با نوح ﷺ بیشتر از یکهزار سال میباشد، حضرت ابراهیم ﷺ از پدر بت پرست «آزر» در بابل عراق بدنیا آمد و قرآنکریم در

موردش میفرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾» (1):

مریم، 41) او با پدر و خانم خود (ساره) از بابل بسوی شهر «حاران» شام هجرت نمود. او به یک قوم فاسد که نمروود بن کنعان حکمران آن بود مبعوث شد و با اقامه براهین نیرومند به مبارزه علیه نمروود و قومش پرداخت، و با شکستاندن بت ها یک برهان زیبایی را علیه آنان ارائه داشت، حضرت ابراهیم ﷺ از حضرت ساره فرزندی داشت بنام اسحق ﷺ که سلسله ظهور انبیاء بنی اسرائیل را تشکیل داد و از حضرت هاجر فرزندی بنام اسماعیل ذبیح الله به دنیا آمد که سلسله ظهور انبیای عرب از او بوجود آمده است.

حضرت هود علیه السلام به قوم عاد مبعوث شد ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَبْنَؤُمْ أَعْبُدُوا

اللَّهِ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهِ غَيْرُهُ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾﴾ (1: الاعراف، 65) قبیله عاد در سرزمین

احقاف نزدیک یمن زندگی داشتند و از اوامر انبیاء علیهم السلام همواره سرپیچی نموده اند.

حضرت صالح علیه السلام به قوم ثمود مبعوث گردید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا...»

(1: النمل، 45) قوم ثمود در منطقه - حجر - که میان حجاز و شام موقعیت دارد زندگی داشتند و بت ها را پرستش می کردند و در اثر نا فرمانی از هدايات حضرت صالح علیه السلام به عذابهای گوناگون سرنگون شدند، مانند صاعقه (تندر)، صیحه (آواز بلند و مدهش) و رجه (زمین لرزه).

حضرت لوط علیه السلام در قومی به پیغمبری مبعوث میشود که از بدکار ترین مردم بودند و در شهر «سدوم» واقع در شرق اردن زندگی داشته اند، حضرت لوط علیه السلام از عمل بد و شنیع همجنس گرائی آنانرا همواره منع مینمود اما آنها هیچگاهی سخن حق این نبی کریم را نمی شنیدند،

قرآنکریم در مورد لوط علیه السلام و قومش چنین میفرماید: وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ

الْفَحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ

بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ جَّهْلُونَ ﴿٦٧﴾ (1: النمل، 55) تا اینکه الله جل جلاله بعد از دادن فرصت زیاد، آنها

را به سه عذاب مهلك: زیر و زبر کردن قریه ها، صیحه و سنگ باران نیست و نابود ساخت (22: 275-282).

از حضرت اسحق علیه السلام بن ابراهیم علیه السلام حضرت یعقوب (اسرائیل) تولد شد و از ایشان حضرت یوسف علیه السلام به دنیا آمد. همه آنها پیامبران الهی بودند و ادیان سماوی را تبلیغ میکردند.

حضرت شعیب علیه السلام، حضرت ایوب علیه السلام، حضرت یسع علیه السلام، حضرت ذوا الکفل علیه السلام، حضرت داود علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت الیاس علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت هارون علیه السلام، حضرت یونس علیه السلام، حضرت زکریا علیه السلام، حضرت یحیی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام از جمله

پیامبران الهی اند که برای اقوام منحرف و سرکش شان مبعوث شده و ادیان سماوی را که

دارای اصول واحد اند تبلیغ نموده اند، این همه پیامبران علیهم السلام صرف آنانی اند که

قرآنکریم از آنها یاد آوری نموده است در حالیکه تعداد همه انبیای مبعوث الهی بیشتر از 120

هزار تن میباشد که از جمله صرف 113 تن آنها رسول اند و این رقم در حدیث ابی امامه از ابوذر غفاری رضی الله عنه و رسول کریم صلی الله علیه و آله روایت شده است. و آخرین این همه ده ها هزار تن پیامبر، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله سالار انبیای و سرور کائنات میباشد که کتابش ناسخ تمام کتب سماوی و رسالتش نقطه پایان همه رسولان و پیغمبران الهی است (7:22).

### پیشینه تاریخی ادیان وضعی:

چنانچه همه میدانیم انسان یک موجود فطرتاً مایل به خداشناسی است و این فطرت را الله جل جلاله در ازل در ذریه بنی آدم نهاده و خود شانرا برآن شاهد ساخته است، چنانچه خداوند متعال میفرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُلْكَئْنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾» (1: الاعراف، 172-173). و یا این قول الله جل جلاله: «فَظَرَّتْ أَلَلَهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (1: الروم، 30) وهم این قول قرآنکریم در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبْنَيْهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾» (1: الزخرف 26-27) و یا هم این حدیث رسول کریم صلی الله علیه و آله: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجَّسَّانِهِ». از آیات کریمه قرآنی و حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوضاحت فهمیده میشود که انسانها همه به فطرت سلیم (شناخت الله واحد) خلق میشوند اما بعد پدر و مادر، جامعه و معاشره انسانی است که این فطرت سلیم را یا به راه و طریق حق رهبری میکنند طوریکه پیامبران الهی و پیروان شان این چنین کرده اند و یا اینکه این فطرت را به راه و طریق نادرست سوق داده اند و آنرا تابع نظریات آزاد و ادیان وضعی و خود ساخته خود (شرک و یا انکار از الله جل جلاله) میسازند.

جامعه‌شناسان می‌گویند: اگر بتاريخ زندگی بشر نظر اندازی نماییم معلوم میشود که بشر از همان ابتدای خلقت همواره در جستجو کشف حقایق و نفوذ در بطن مجهولات این جهان سراپا ابهام و رمز بوده است و از جمله می‌خواستند تا بدانند که آیا این جهان ازلی و ابدی است یا حادث و فانی؟ خالق دارد یا خود به خود خلق شده است؟ اگر خالق دارد آن خالق چگونه است و دارای چی صفاتی است؟ سرنوشت انسان در این جهان پر از هزارها حیرت و تعجب چگونه خواهد بود؟ خلق انسان روی هدفی صورت گرفته است یا او موجودی است بی هدف؟ آیا درقبال اعمال نیکو و زشت انسان ثواب و عقابی هم وجود دارد یاخیر؟ اگر وجود دارد کیفیت آن چگونه خواهد بود؟ چه کسی با ما محاسبه خواهد کرد؟ آیا محاسب اعمال نیک و بد ما (الله ﷻ) از ماچه توقعی دارد؟ اطاعت و عبادت برای حصول رضای او امر ضروری است یا چطور؟ این همه سوالاتی است که در ذهن هر انسان (اعم از بدوی و متمدن) خطور میکند و از نظر آنها این سوالات آهسته آهسته زمینه را برای آن مساعد ساخته است تا انسان بدوی و ابتدائی راه خداشناسی را در پیش گیرد و به ذات بالاتر از خود معتقد شود و در وقت مشکلات و سختیها بنام او اطاعت و عبادت کند و قربانی انجام دهد تا رضای او را حاصل نماید (17: 22).

از نظر جامعه‌شناسان، ابتدائی ترین اشکال دین وضعی در اقوام ابتدائی عبارت از طبیعت پرستی (توتیمیزم) و روح پرستی (فتی شیزم) میباشد که در آنها موجودات پاک از اجرام سماوی و ارضی بعنوان «توتم» انتخاب گردیده است و یک موجود غیرطبیعی در همه چیز نافذ بعنوان معبود پرستش میشود و هم ارواح نیاکان عبادت میگردد.

ادیان وضعی بدو دسته متروک و فعال تقسیم میشوند که درادیان متروک جهان باستان ادیان وضعی مصریان قدیم، ادیان وضعی بابلیان و آشوریان، ادیان وضعی اقوام فنیقی و حتی، ادیان وضعی مترائی ومانی، ادیان وضعی یونان و روم قدیم و ادیان وضعی تیو تونی و سلت اروپا شامل میباشد.

ادیان وضعی معاصر که سابقه زیاد دارند به ترتیب عبارت اند از دین ودایی، دین برهمایی، دین هندویی، دین بودایی، دین جایی، دین تائو (لائوتسه)، دین کنفوسیوس، دین شینتو، دین زرتشت، دین سکهی وسایر ادیان خورد وکوچک دیگر.



## تمرین

1. تقسیم ادیان از لحاظ پیشینه تاریخی به کدام دسته ها بیشتر مورد پذیرش ما قرار گرفته میتواند؟ توضیح مختصر کنید.
2. سلسله پیشینه تاریخی ادیان سماوی از دین حضرت آدم علیه السلام آغاز میگردد، شما این سلسله را چگونه میتوانید با ارائه آیات کریمه قرآنی اثبات و تایید کنید؟
3. حضرت ادريس علیه السلام در کدام مقطعی از زمان زندگی نموده است و از کارها و مهارتهای مهم او تذکر بعمل آورید.
4. راجع به زندگی و مبارزات حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهيم علیه السلام معلومات مختصر ارائه دهید.
5. حضرت هود علیه السلام، حضرت صالح علیه السلام و حضرت لوط علیه السلام برای کدام اقوام سرکش مبعوث گردیده بودند؟ و هم چگونگی هلاک این اقوام را شرح نمایید.
6. تعداد رسل و انبیای کرام مطابق حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از چه قرار بوده است؟ ذکر نمایید.
7. آیات کریمه ای را که بر فطری بودن خداشناسی دلالت میکند ذکر نمایید و هم تفسیر و ترجمه کنید.
8. سوالات اساسی که در ذهن هر انسان خطور میکند کدام ها است؟ به جوابات درست آن از نظر دین مقدس اسلام پردازید.
9. ادیان متروک و ادیان فعال وضعی را صرف نام ببرید.
10. با استفاده از وسایل درسی راجع به ایمان فطری و ایمان کسبی طی دو گروپ جدا گانه جرو بحث نمایید و نتایج کاری را با هم شریک سازید.

## درس چهارم

### چگونگی حضور ادیان در برخی کشور های جهان و ارقام جدید پیروان ادیان

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. ارائه معلومات در مورد کشورهای مختلف جهان از لحاظ پیروی دینی مردم آنها.
2. ارائه معلومات در مورد کشورهای مختلف اسلامی.
3. ارائه معلومات در مورد تعداد صحیح مسلمانان در کشورهای مختلف جهان.
4. ارائه معلومات در مورد عللی که باعث میشود بعضی از محققین ارقام پیروان برخی از ادیان را کم و یا زیاد نشان دهند.
5. ارائه ارقام پیروان ادیان مختلف .
6. ارائه برخی معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان.

مسأله حضور عملی ادیان بزرگ در کشورهای مختلف جهان امری است بحث بر انگیز، احصائی گیری و آمار دقیق فیصدی پیروان ادیان مختلف در کشورهای مختلف کاری است نسبتاً مشکل، کسانیکه به جمع آوری ارقام در این مورد اقدام نموده اند شاید تحت تاثیر دین مربوطه خودش قرار گرفته باشند، ارقام در مورد مردم چین و جاپان که به ادیانی، چون کنفوسیوس، تائو و شینتو معتقد اند دقیقاً معلوم نیست، ارقامی که در مورد تعداد مسلمانان در کشور هایی مانند هندوستان داده شده است درست نمیباشد، و تعداد مسلمانان در این گونه کشورها اکثر کمتر از آنچه هست نشان داده میشود.

ما در جدول ذیل برخی از کشور های جهان را ذکر میکنیم که تناسب پیروان ادیان مختلف در آن ها به کلمات بیشترین، بیشتر، و یا کمتر، و کمترین ارائه شده است. و در این جدول کشور های اسلامی که در حدود 60 کشور جهان را تشکیل میدهند ذکر نگردیده است، محصلان و خواننده گان محترم با این کشورها که اکثریت قاطع مردم آن پیرو دین مقدس اسلام اند، آشنایی دارند.

جدول برخی از کشورهای جهان که پیروی ادیان مختلف به درجه های متفاوت اند:

نام کشور	بیشترین	بیشتر	کمتر	کمترین
بریتانیا	کلیسای انگلیس	کلیسای ویلز	کلیسای اسکاتلند	کلیسای ایرلند، کاتولیک رومی، یهودی
هندوستان	هندو	اسلام	مسیحی	سکھی، جاینی، بودایی، زرتشتی، یهودی
ایتالیا	کاتولیک رومی	پروتستان	ارتدکس	یهودی
برما	بودایی	اسلام	هندو	مسیحی
جاپان	شینتو	بودایی	پروتستان	کاتولیک رومی
ارژانتین	کاتولیک	پروتستان	یهودی	سایر مذاهب
استونی	لوتری	ارتدکس	یونانی	یهودی
چکوسلواکیای قبلی	کاتولیک رومی	پروتستان	ارتدکس	یهودی
سیلون	بودایی	هندو	اسلام	مسیحی
هنگری	کاتولیک رومی	لوتری	یهودی	ارتدکس یونانی
بلغاریا	ارتدکس یونانی	اسلام	کاتولیک رومی	
رومانیا	ارتدکس	اسلام	کاتولیک رومی	
سوئیس	پروتستان	کاتولیک	یهودی	

نام کشور	بیشترین	بیشتر	کمتر	کمترین
فیلیپین	کاتولیک رومی	اسلام	پروتستان	
کانگو	مسیحی	مذاهب ابتدایی	اسلام	
گینه	آنمیسم	اسلام	مسیحی	
پولند	کاتولیک رومی	یهودی	پروتستان	
یوگوسلاوی	ارتدکس یونانی	کاتولیک رومی	اسلام	
یونان	ارتدکس یونانی	اسلام	یهودی	
آلمان	پروتستان	کاتولیک رومی	سایر مذاهب	
البانی	اسلام	ارتدکس یونانی		
افریقای جنوبی	کاتولیک رومی	پروتستان		
ایالات متحده امریکا	مسیحی (کاتولیک و پروتستان)	یهودی	اسلام	
تایلند	بودایی	اسلام		
سویدن	لوتری	سویدنی		
فرانسه	کاتولیک رومی	پروتستان	اسلام	
فنلند	لوتری	ارتدکس یونانی		
کانادا	کاتولیک رومی	پروتستان	اسلام	
کوریای شمالی	یونانی	مسیحی		
کوریای جنوبی	یونانی	مسیحی		
ویتنام	بودایی	مسیحی		
نیکاراگوا	کاتولیک رومی			
لائوس	بودایی			

(8 : 349-354).

## ارقام جدید در مورد ادیان مختلف جهان

در مورد ارائه ارقام پیروان ادیان همواره مشکلات زیادی وجود دارد، در گذشته هم آنانیکه به این کار مبادرت میورزیدند تحت برخی ملاحظات قرار داشته اند و در زمان حاضر نیز این ارقام زیر نفوذ برخی از عوامل قرار دارند، در احصائیه گیریها همیشه این مسأله هم مطرح بوده است که شخص محقق به کدام یکی از ادیان فعال جهان منسوب است و هم اینکه در نمونه گیریهای پیروان مشکلات وجود داشته است و ضمناً هرکس علاقه داشت پیروان دین خود را در یک ساحه بیشتر نشان دهد و یا اینکه در یک خانواده غربی صرف پدر و یا مادر پابند به دین مسیحی بوده و پسران و دختران آنها اصلاً به دین مسیحیت پابندی نداشته اند اما در احصائیه گیری تمام آن خانواده ها در جمله مسیحیان ذکر گردیده است وده ها عامل و مشکل دیگر.

ما در اینجا تازه ترین ارقام پیروان ادیان را ذکر میکنیم که در سال 2005 جمع آوری شده است و در سایت «وکی پدیا» تحت عنوان «گروه های دینی اصلی» به نشر رسیده است که این ارقام هم یقیناً در برخی موارد تحت تاثیر برخی عوامل، کم و یا زیاد معرفی شده، بطور مثال پیروان دین مقدس اسلام % 21 در کل نفوس جهان ارائه شده است و پیروان دین مسیحیت در حدود % 33 تثبیت گردیده اند که شاید تعداد مسلمانان در امریکا، اروپا و افریقا با دقت تمام احصائیه گیری نشده باشد و همچنان تعداد مسلمانان در هند، مالیزیا و اندونیزیا، شاید تحت عوامل خاصی کمتر گزارش یافته باشد. با ملاحظه این مشکل باز هم ما ارقام وکی پدیا که یک دانشنامه آزاد، خود را معرفی میکند بدون کم و کاست در اینجا نقل میکنیم:

دین مقدس اسلام 3,1 میلیارد نفر.

اهل سنت و جماعت: 940 میلیون نفر.

اهل تشیع: 120 میلیون نفر

سایر فرق اسلامی: 240 میلیون نفر

دین مسیحیت: 1,2 میلیارد نفر

یهودیت: 14 میلیون نفر

دین هندو: 900 میلیون نفر

دین بودایی: 376 میلیون نفر  
 دین سکهی: 23 میلیون نفر  
 دین جایی (جائین گرایی: 2,4 میلیون نفر)  
 دین بهایی: 7 میلیون نفر (اعتبار از شروع قرن 19)  
 دین زرتشت: 6,2 میلیون نفر  
 دین عامه چین: 394 میلیون نفر  
 دین شینتو: 4 میلیون نفر (اعتبار از شروع 300 قبل از میلاد)  
 دین روحگرایی (اسپریتیسم): 15 میلیون نفر (اعتبار از شروع اواسط قرن 19 میلادی).  
 سکولارها (غیر مذهبیها) که شامل تمام گروه های ملحد، کافر، ضد مذهب و ضد الله میشوند: 1,1 میلیارد نفر.

این دسته طیف وسیعی از عقاید را دربر میگیرد و به یک آیین خاصی مربوط نیست و برخی آنها مربوط اومانیسم (بشرگرایی) و برخی دیگر دارای تفکر آزاد اند.  
 (<http://fa.wikipedia.org>).

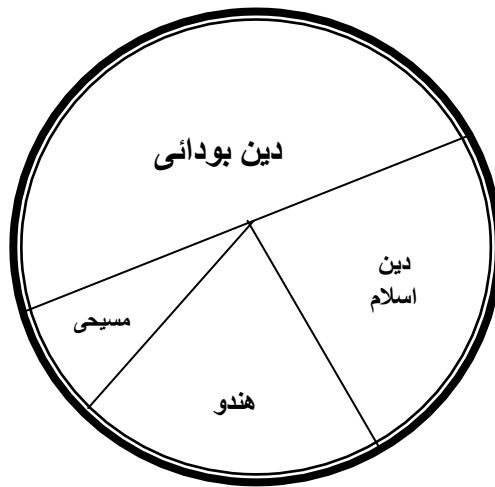
## جدول برخی معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان

ردیف	نام دین	تاریخ ظهور	محل	خدای مورد عبادت	تعداد پیروان	کتاب دینی
1	دین مقدس اسلام	اوایل قرن 7 میلادی	سرتاسر جهان	الله جل جلاله	1.3 میلیارد نفر	قرآن مجید
2	دین مسیحیت	قرن اول میلادی	سرتاسر جهان	خدای پدر	2.1 میلیارد نفر	عهد جدید (انجیل)
3	دین یهودیت	1200-1500 قبل از میلاد	اسرائیل پراکنده	یهوه	14 میلیون نفر	عهد عتیق (تورات)
4	دین هندو	1500 قبل از میلاد	هندوستان	برهما واریاب انوار مختلف	900 میلیون نفر	وداها اوپانیشادها
5	دین کنفوسیوس	اوایل قرن 5 قبل از میلاد	چین	جنت- یا موسس	3 میلیون نفر	کتب کلاسیک
6	دین بودا	اواخر قرن 6 قبل از میلاد	برخی کشورهای شرقی	در آغاز بدون خدا، بعد خود بودا	376 میلیون نفر	تری پیتیکا
7	دین شینتو	اواخر قرن 7 قبل از میلاد	جاپان	خدای طبیعت	4 میلیون نفر	گوچی کی، نیهونگی
8	دین زرتشت	اواخر قرن 7 قبل از میلاد	پارس و هندوستان	اهورامزدا (اورمزد)	2.6 میلیون نفر	اوستا
9	دین تائو (لاوتسه)	اوایل قرن 6 قبل از میلاد	چین	تائو	یک میلیون نفر	تائوته کنگ
10	دین سک	اواخر قرن 15 میلادی	هندوستان	نام حقیقی	23 میلیون نفر	گرانث
11	دین جاینی	اوایل قرن 6 قبل از میلاد	هندوستان	در ابتداء بدون خدا، بعد خود مؤسس	4.2 میلیون نفر	آنگه هالا (2)

## تمرین

1. نقشه جهان را به کمک مدرس مضمون حاضر ساخته، قاره ها و کشورهای مختلف را از لحاظ پیروان ادیان شان به بحث گیرید.
2. کشورهاییکه در جدول ذکر گردیده است در نقشه عمومی جهان آنرا پیدا نمایید و بعد با اشکال مختلف تناسب پیروی از ادیان در آنها را نمایش دهید، بطور نمونه:

## برما



## هندوستان





3. علل اینکه ارقام پیروان مردمان کشورهای مختلف جهان از لحاظ ادیان مختلف بطور واقعی آن ارائه شده نمی تواند چه بوده با تفصیل بیان دارید.
4. کشورهای اسلامی را در نقشه عمومی جهان پیدا نمایید و بگویید که اقلیت های دینی این کشورها از چه قرار است؟ و هم موضوع را بطور مستند در صنف جروب بحث کنید.
5. آیا در کشور عزیز ما اقلیتهای سایر ادیان وجود دارند؟ اگر جواب شما مثبت است پس تناسب آنرا بیان دارید.
6. شاید هیچ کشوری از جهان وجود نداشته باشد که در آن مسلمانان سکونت نداشته باشند و این امر گویای آنست که دین مقدس اسلام یک دین بین المللی است، این موضوع را طی چند گروپ به بحث بگیرید
7. ارقامی که در مورد پیروان ادیان فعال جهان ارائه میگردد بعضاً دقیق نمیباشد، علل آن را با تفصیل بیان کنید.
8. طبق احصائیه وکی پدیا که یک دانشنامه آزاد است تعداد پیروان اهل سنت و جماعت و اهل تشیع را در جهان نشان دهید.
9. به اساس ارقام گیری سال 2005 تعداد پیروان دین هندو را ذکر کنید و اگر معلومات داشته باشید تعداد مسلمانان هند را بصورت تقریبی با فیصدی آن بیان دارید.
10. سکولارها شامل کدام گروپها و اشخاص شده میتوانند؟ نام بگیرید.
11. طی چند گروپ روی جدول «معلومات ضروری در مورد ادیان فعال جهان» بحث و مناقشه آماری کنید.



# فصل دوم

ادیان منسوخة سماوی

## درس اول

### ادیان سماوی قبل از حضرت یعقوب علیه السلام

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. شرح حال حضرت آدم علیه السلام، حضرت ادریس علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام و معرفی ادیان شان.
2. شرح حال حضرت هود، حضرت صالح و حضرت لوط علیهم السلام با معرفی ادیان شان.
3. معرفی زندگی، مبارزات و احتجاجات حضرت ابراهیم علیه السلام.
4. توضیح موضوعات مرتبط با زندگی و دین حضرت اسماعیل و حضرت اسحاق علیهما السلام.

با ظهور دین مقدس اسلام تمام ادیان سماوی قبلی منسوخ گردیدند و با بعثت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله برای رسالت و نبوت نقطه پایان گذاشته شد. در این فصل طی چند درس مرور کوتاهی داریم بر رسالت و نبوت برخی رسل و انبیای کرام الهی که قبل از بعثت پیامبر بزرگوار اسلام در مقاطع مختلف زمانی مبعوث گردیده اند، مطابق حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله تعداد رسل الهی در حدود سه صد و سیزده نفر و تعداد انبیای کرام در حدود یکصد و بیست چهار هزار تن میباشد، این حدیث را امام احمد رحمه الله علیه از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت نموده است. ما در این درس صرف برخی انبیا و رسل کرام را مختصراً با ادیان مربوطه شان به معرفی میگیریم، آنانی که قبل از حضرت یعقوب علیه السلام مبعوث گردیده اند:

#### حضرت آدم علیه السلام:

حضرت آدم علیه السلام اولین انسان روی زمین، و خلیفه آنست، خلقت او در سه مرحله صورت گرفته است: 1- مرحله خاکی 2- مرحله ایکه هیكل وی درست شد 3- مرحله ایکه بعد از نفخ روح بعنوان انسان عرض وجود کرد.

او بعد از خلقت در جنت جابجا شد و برای انس و الفت، جفتی برای شان بنام حضرت حوا رضی الله عنها خلق شد. آنها در جنت از خوردن درخت مخصوص منع گردیدند امّا به اساس وسوسه شیطان آنها از آن درخت تناول کردند و در اثر این کار از جنت خارج شدند و به زمین

هبوط نمودند، و بروی زمین به توالد و تناسل پرداختند و اولاد زیادی از آنها دنیا آمدند، حضرت آدم علیه السلام دین الهی را که از ده صحیفه سماوی نشأت میکرد به اولاد خود تبلیغ مینمود و آنها را براه حق، عدالت و انصاف دعوت میکرد. حضرت آدم علیه السلام در حدود یکهزار سال زندگی نمود و بعد از وفات بطریقه مطلوب الهی توسط فرشتگان به خاک سپرده شد. قول راجح اینست که ایشان هم رسول و هم نبی است.

### حضرت ادریس علیه السلام:

نسب حضرت ادریس علیه السلام به حضرت شیت بن آدم علیه السلام میرسد، ایشان از اولین فرزندان آدم علیه السلام است که بعد از شیت علیه السلام به پیغمبری مبعوث گردیده است و دارای دین سماوی میباشد، او در بابل متولد شده است، آداب دینی و موعظه های مخصوص داشت. و مردم را جانب دین الله، عبادت الله جل جلاله و عمل نیکو بمنظور نجات از عذاب دنیوی و اخروی دعوت میکرد، حضرت ادریس علیه السلام مردم را به زهد، گرفتن روزه و ادای نماز میخواند و از نوشیدن و خوردن مسکرات منع مینمود، در وقت ایشان مردم به 72 لسان صحبت میکردند که ایشان همه این زبانها را میدانست و به هر کس به لسان خودش تبلیغ میکرد، ایشان اولین کسی است که سیاحت مدن را تعلیم داد و برای قوم خود 188 شهر زیبا و مجهز با تمام سهولتهای آن عصر را آباد نمود و در فنهای دیگر مانند کتابت و خیاطی هم مهارت زیاد داشت.

### حضرت نوح علیه السلام:

نسب نوح علیه السلام به حضرت ادریس علیه السلام میرسد، طبق حدیث امام بخاری که از حضرت ابن عباس روایت کرده است میان حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام ده قرن فاصله زمانی وجود داشت، او 43 بار در قرآن کریم ذکر شده است و 950 سال در بین قوم خود درنگ نموده است. ایشان هم رسول و هم نبی است و دارای دین سماوی میباشد، دین شان مانند سایر ادیان سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام الهی است. مدت زیادی به تبلیغ دین الهی در بین مردم مصروف بود اما تعداد اندکی پیرو داشت که شاید از ده نفر یا بقولی چهل نفر و یا هشتاد نفر بیش نبوده باشد. قوم شان بت پرست بوده و پنج بت معروف ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را پرستش میکردند. زمانیکه تبلیغ طولانی شان نتیجه ای چندان نداد به الله جل جلاله دعا نمود تا هیچ کسی از آنان را باقی نگذارد، دعایش مستجاب شد و مامور به ساختن کشتی گردید، کشتی آماده شد و وقت وقوع طوفان عظیم فرا رسید، ایشان با

جمعی از مومنان و جفتهایی از حیوانات سوار کشتی شدند و کشتی 150 روز بروی آب شناوری کرد تا اینکه تمام مشرکین در کشتی سوار نشدند هلاک شدند و قضای الهی انجام یافت و به امر الهی آب دوباره جذب زمین و آسمان گردید و کشتی بالای کوه «جودی» که در عراق موقعیت دارد حاملین خود را به سلامتی به زمین پیاده ساخت و تکثیر نسل انسان دوباره آغاز گردید.

### حضرت هود علیه السلام:

نسب حضرت هود علیه السلام به سام بن نوح علیه السلام میرسد، الله جل جلاله وی را به یکی از قبایل بزرگ عمالقه بنام (عاد) مبعوث نموده بود که در احقاف که نزدیک یمن است زندگی می نمودند، این قبیله با ناز و نعمت زندگی داشتند و بعد از مدتی از دین حضرت هود علیه السلام سرباز زده و راه انحراف را پیش گرفتند، حضرت هود علیه السلام دین الهی را که دارای اصول و فروع منظم بود به آنها تبلیغ میکرد، ولی آنها در اثر داشتن اجساد قوی و نعم مادی فراوان از این نبی کریم پیروی نکردند تا اینکه به عذاب الهی که تند باد شدید بود هلاک شدند، این طوفان هفت شب و هشت روز ادامه یافت (22: 259-262).

### حضرت صالح علیه السلام:

نسب حضرت صالح علیه السلام هم به سام بن نوح میرسد و به قوم ثمود مبعوث گردیده است، قرآنکریم آنها را به اصحاب حجر نامگذاری کرده است، سرزمین حجر بین حجاز و شام موقعیت دارد و گفته میشود که ثمود از بقایای قوم عاد میباشد. حضرت صالح علیه السلام پیامبر الهی و دارای دین سماوی بود، زمانیکه او معتقدات دین الهی را به قومش بیان میکرد آنها از وی طالب معجزه شدند، این نبی کریم به امر الله جل جلاله ناقه (شتر) را از سنگ خارا و سخت بیرون میکشد و به آنها هوشدار میدهد تا شتر را اذیت نکنند و نوبت آبش را مراعات کنند، اما آنها بعد از گذشت مدتی اندامهای شتر را قطع و آنرا به هلاکت میرسانند تا اینکه الله جل جلاله آنانرا به سه عذاب گوناگون یعنی صاعقه (تندر) صیحه (آواز شدید) و رجفه (زمین لرزه) به هلاکت رسانید.

### حضرت لوط علیه السلام:

حضرت لوط علیه السلام برادر زاده حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد که نبی الهی و دارای دین سماوی است و برای قوم منحرف آنوقت که در شهر سدوم واقع در شرق اردن زندگی داشتند، مبعوث

گردیده است. قوم حضرت لوط علیه السلام به انحراف جنسی (جنس گرایی) معتاد بودند و در کیل و وزن اموال و اجناس نیز خیانت میکردند، این نبی کریم اوامر و نواهی دین خود را به آنان بوجه احسن تبلیغ میکرد اما آنها از عادات شوم جنس گرایی و قطع طریق و سایر منکرات انصراف ننمودند و سخنان بر حق این پیامبر را نمی شنیدند تا اینکه الله ﷻ فرشته های را موظف ساخت تا قوم حضرت لوط علیه السلام را سرنگون سازند، فرشتگان قبلاً حضرت لوط علیه السلام را در جریان گذاشتند و قومش را در شب هنگام با لرزه شدید زمین سرنگون ساختند (23: 221-228).

### حضرت ابراهیم علیه السلام:

حضرت ابراهیم علیه السلام پسر آزر و پیامبر اولوا العزم الهی است، او در بابل تولد شده است و با ساره ازدواج نموده است و بعد به شام سفر کرد و به پیامبری مبعوث گردید و دارای دین الهی است، او برای نمرود بن کوش و قومش به تبلیغ اوامر و نواهی الهی پرداخت و حجت های بسیار قوی را در برابر قوم بت پرست اقامه داشته است، داستان شکستادن بت ها توسط این پیامبر خیلی مشهور است، قرآن کریم در مورد او به تفصیل صحبت نموده است و از چگونگی افول ستاره گان، مهتاب و آفتاب ذکر کرده است و هم از محاجات نمرود با وی در مورد الله ﷻ یادآوری نموده است، او در این محاجات نمرود را به شدت مبهوت ساخته و به شکست روبرو کرده است، حضرت ابراهیم علیه السلام از کیفیت احیای موتی از الله ﷻ طالب معلومات شد که در داستان (4) پرنده برایش نشان داده شده است، او به مشوره ساره که نازا بود با هاجر نام ازدواج کرد و در نتیجه این ازدواج حضرت اسماعیل علیه السلام پدر انبیای کرام عرب بدنیا آمده است، چنانچه بعدها از بطن حضرت ساره حضرت اسحاق پدر پیامبران بنی اسرائیل متولد شده است، حضرت ابراهیم به امر الله ﷻ حضرت هاجر و حضرت اسماعیل را در دشتهای سوزان مکه مکرمه رها کرد و اسماعیل علیه السلام درین قبیله جر هم بزرگ شد، زبان فصیح عربی را از آنها یاد گرفت و بایک دختر آن قبیله ازدواج کرد، حضرت ابراهیم علیه السلام آزمون بزرگ قربانی حضرت اسماعیل علیه السلام را موفقانه سپری میکند و به اتفاق هم کعبه شریفه را اعمار میکنند. دین این نبی کریم هم مانند سایر ادیان سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام الهی است که جهت اصلاح عقاید و امور عملی قوم بت پرست وی توسط او تبلیغ شده است.

### حضرت اسحاق علیه السلام:

حضرت اسحاق علیه السلام پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است، او پیامبر الهی و دارای دین سماوی میباشد، او به مشوره پدر خود با رفقه دختر پسر کاکای خود ازدواج میکند و از وی دو فرزند بنام های العیص (عیسو) و یعقوب (اسرائیل) بدنیا می آیند. حضرت اسحاق به سن 180 سالگی وفات نماید و در شهر الخلیل پهلوی پدرش دفن میگردد. دین وی بسان دین پدرش دارای اصول و فروع منظم است.



## تمرین

1. وظائف حضرت آدم علیه السلام را بعنوان اولین انسان روی زمین ضمن جروب بحث بیان کنید.
2. اینکه حضرت ادريس علیه السلام به زبانهای مختلف و فنون گوناگون تسلط داشت، توضیح دهید.
3. موضوعات عمده و مهم زندگی حضرت نوح علیه السلام را با کمی تفصیل شرح دهید.
4. حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام را با ادیان و اقوامشان معرفی مختصر کنید.
5. نکات عمده و بحث انگیز زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام را طی کار گروهی ذکر نمایید.
6. زندگی حضرت لوط، حضرت اسحاق و حضرت اسماعیل علیهم السلام را با اختصار شرح دهید.

## درس دوم

### ادیان سماوی بعد از حضرت یعقوب علیه السلام

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. معرفی کردن شخصیت و دین حضرت یعقوب و حضرت یوسف علیهما السلام.
2. ارائه معلومات در مورد حضرت شعیب، ایوب و ذوالکفل علیهم السلام.
3. استفاده مزید از منابع معتبر در این زمینه ها.

در این درس برخی از آن انبیای الهی را مختصراً با ادیان مربوطه شان معرفی میکنیم که بعد از حضرت یعقوب علیه السلام در قوم بنی اسرائیل مبعوث شده اند:

#### حضرت یعقوب علیه السلام:

حضرت یعقوب علیه السلام پسر حضرت اسحاق علیه السلام پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است، حضرت یعقوب علیه السلام پدر قبائل (اسباط) دوازده گانه بنی اسرائیل میباشد، او به لقب اسرائیل معروف بود و تمام شعب این قوم به او منسوب میباشند. حضرت یعقوب علیه السلام در فلسطین محل بود و باش کنعانیان متولد گردیده است و تحت تربیت پدرش بزرگ شد و به اساس مشوره مادرش رفقه که میدانست العیص برادرش با یعقوب علیه السلام میانه ای خوب ندارد روانه سرزمین بابل گردید جایی که مامای وی در آن جا اقامت داشت. حضرت یعقوب علیه السلام در طول راه، شب هنگام خواب دید که او دارای منزلت بزرگی میشود و اولاد زیاد میداشته باشد و این سرزمین به او تعلق میگیرد، وقتی بیدار شد احساس خوشی نمود و بعنوان نذر تصمیم گرفت در آینده اینجا معبدی آباد کند و سنگی را با روغن چرب کرد تا نشانی باشد برای اعمار (بیت ایل) و بعد این خانه را آباد نمود که همین بیت المقدس فعلی میباشد. او به منزل مامای خود رسید و بعد از مدتی دو دختر مامای خود را بنامهای «لیئه و راحیل» به ازدواج خود در آورد که البته در شریعت حضرت یعقوب علیه السلام گرفتن دو خواهر در یک وقت جایز بود. مامای وی به هر دختر خود یک یک کنیز را نیز بعنوان تحفه داد، از لیئه شش فرزند و از راحیل دو فرزند و از هر

کنیز هم دو دو فرزند متولد گردیدند، در آینده دوازده پسر حضرت یعقوب دوازده قبیله بنی اسرائیل را تشکیل دادند. حضرت یوسف علیه السلام ام و بنیامین از راحیل متولد شد و حضرت یوسف علیه السلام در خواب دید که یازده ستاره، آفتاب و مهتاب وی را سجده میکنند. برادران حضرت یوسف علیه السلام بر او خیلی حسود بودند، حضرت یوسف علیه السلام در اثر خیانت برادران به مصر منتقل شد و در آنجا صاحب قدرت و منزلت بزرگی گردید و بالاخره والدین و برادران به او محتاج شدند و همه آنها به مصر نقل مکان کردند و رویای حضرت یوسف علیه السلام جامه عمل پوشید. حضرت یعقوب علیه السلام به سن 147 سالگی فوت نموده و به اساس وصیت او از طرف حضرت یوسف علیه السلام به شهر الخلیل انتقال یافت و پهلوی پدر خود اسحاق علیه السلام دفن گردید. حضرت یعقوب پیامبر الهی و دارای دین و شریعت سماوی میباشد. دین و شریعت وی هم مانند سایر ادیان و شرایع سماوی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام مختلف الهی است.

### حضرت یوسف علیه السلام:

حضرت یوسف علیه السلام در نتیجه خیانت برادران به چاه انداخته شد و از طریق کاروانی که از آن مسیر میگذشت به مصر برده شد و در بازار مصر وی را در مقابل پول اندکی بالای عزیز مصر که «قطفیر» نام داشت بفروش رسانیدند. حضرت یوسف علیه السلام در خانه عزیز مصر به سن جوانی رسید، چون چهره زیبا و دلکش داشت مورد سوء قصد خانم عزیز مصر (زلیخا) قرار گرفت فرمان او به توفیق الهی با متانت تمام این سوء قصد را ناکام ساخت، عزیز مصر برای اعاده آبروی خود حضرت را روانه زندان نمود، او سالهای زیادی در زندان باقی ماند تا اینکه اتهام مرتبط به وی مورد تحقیق قرار گرفت و به همه مردان بی گناهی اش ثابت گردید و بمنظور تلافی وی را مسئول امور مالی و زراعتی مصر مقرر نمودند، او مقام و منزلت بزرگی را کسب کرد و برادران جفاکارش محتاج وی گردیدند. داستان حضرت یوسف علیه السلام به تفصیل در سوره مبارکه «یوسف» ذکر شده است و به آن مراجعه صورت گیرد، حضرت یوسف علیه السلام پیامبر الهی و دارای دین و شریعت سماوی میباشد. او به سن 110 سالگی در حالیکه حکمران مصر بود وفات کرد و در آنجا دفن گردید و 64 سال بعد از وفات وی حضرت موسی علیه السلام در مصر متولد شد (22: 288-305). دین او نیز دارای اصول و فروع منظم است که وی به تبلیغ آن مکلف شده بود.

### حضرت شعیب علیه السلام:

نسب حضرت شعیب علیه السلام به حضرت ابراهیم علیه السلام میرسد، مادرش دختر حضرت لوط علیه السلام میباشد، الله جل جلاله وی را بطرف مردم مدین مبعوث به پیغمبری ساخت که بنام «اصحاب ایکه» نیز یاد میشوند، ایکه بمعنی زمین همواره میباشد که در آن زراعت و باغداری خوب صورت میگرفت، مدین در جنوب فلسطین موقعیت داشت و از مصر تا مدین هشت شبانه روز منزل وجود دارد، مدین نام جداعلی مردم آن سرزمین میباشد.

مردم مدین ابتدا به دین حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، زمانیکه آنها این دین را ترک کردند انحراف را پیش گرفتند الله جل جلاله حضرت شعیب علیه السلام را به جانب آنان مبعوث ساخت، مردم مدین در پیمانه و ترازو خیانت می کردند و مرتکب منکرات زیادی میشدند، حضرت شعیب علیه السلام آنها را به عقیده راسخ توحیدی دعوت می کرد، اوامر و نواهی الهی را برایشان توضیح مینمود، مردم مدین به حضرت و پیروانش اخطار دادند در صورتی که از دین خود بر ننگردند آنانرا از قریه و شهر بیرون خواهند نمود، آنها گفتند که اگر حضرت شعیب علیه السلام میتواند پس یک قسمتی از آسمان را برسر آنها ساقط سازد، الله جل جلاله در اثر این تقاضای آنها عذاب «یوم الظله» را بر آنها نازل ساخت، هفت روز حرارت شدیدی آنها را فرا گرفت تاحدی که آبهایشان بجوش آمد وبعد یک قطعه ابر غلیظی ایجاد گردید و همه زیر سایه آن ایستادند و الله جل جلاله بالای آنها آتش را مسلط نمود و همه ایشانرا هلاک ساخت، حضرت شعیب علیه السلام پس از این مدتی حیات بسر برده و بعداً فوت نمود.

### حضرت ایوب علیه السلام:

نسب حضرت ایوب به حضرت اسحاق می رسید و مادرش دختر حضرت لوط علیه السلام میباشد، او دارای فرزندان زیاد، ثروت، زمینهای زراعتی و باغهای فراوان بود، الله جل جلاله وی را در داشتن نعمت زیاد مورد ابتلاء و آزمایش قرار داد و او با داشتن این همه دارایی تمام اوامر الهی را بجای مینمود و در عبادت خدای واحد مشغول بود، بعد الله جل جلاله خواست حضرت ایوب علیه السلام را به بی اولادی، فقر، ناداری و مرض نیز تحت آزمایش قرار دهد، مریضی سختی بر او عاید شد همه فرزندان و ثروت خود را از دست داد، جفت وی (رحمه) در هر دو دوره با وی همکار و همدست بود اما در اخیر مریضی حضرت ایوب علیه السلام از سوی شیطان وسوسه ای به او ایجاد گردید و حضرت ایوب کمی از او ناراض شد، به امر الله جل جلاله صحت، فرزندان و دارایی دوباره به حضرت ایوب علیه السلام داده شد، برخی تفاسیر در مورد حضرت ایوب علیه السلام یک سلسله اسرائیلیات

را نیز نقل نموده است که در این زمینه گرفتن جانب احتیاط امر ضروری میباشد، بطور نمونه گفته شده است که مریضی وی آنقدر وخیم شد که هر هم نشین از او نفرت می کرد و دوری اختیار مینمود، جسدش متعفن گردید و کرمها از بدنش بیرون می آمدند، وابستگان وی او را به بیرون از شهر کشیده و در محل زباله انداختند. این چنین سخنان دور از وجود و شخصیت این نبی کریم بود و او هیچگاه مصاب به این چنین مرض نفرت آور نگردیده است، درست است که او به مرض طبیعی گرفتار شده بود و از الله ﷻ خواست تا وی را از ضرر و مرضی که عاید حالش گردیده است نجات دهد و دعایش مستجاب شد و دوباره صاحب صحت، و صاحب اهل و فرزندان گردید و این ابتلاء ذکر و پندی شد برای عبادت کنندگان. حضرت ایوب علیه السلام هم دارای دین و شریعت الهی است، دین و شریعت وی دارای اصول اعتقادی توحیدی، اوامر، نواهی و احکام مختلف الهی است که این نبی صبور به تبلیغ آن موظف گردیده بود.

### حضرت ذوالکفل علیه السلام:

حضرت ذوالکفل پسر حضرت ایوب علیه السلام است و بنام «بشر» یاد میشود، چون او عهده دار اجرای برخی عبادات و طاعات الهی بود و بخوبی آنها را انجام می داد پس الله ﷻ وی را به ذوالکفل مسمی ساخت، محل بود و باش وی شام است و برخی او را نبی ندانسته اند و از جمله صالحین بنی اسرائیل میشمارند اما ابن کثیر نبوت وی را تایید کرده است. و این ذوالکفل غیر از آن ذالکفلی است که در حدیث امام ترمذی و امام احمد علیهما الر حمة ذکر شده است (23: 305-327).

## تمرین

- 1 -نسب حضرت یعقوب علیه السلام را ذکر نمایید و بگویید که او چرا عازم بابل شد؟
- 2 -خانواده حضرت یعقوب علیه السلام را مختصراً معرفی نمایید.
- 3 -با استفاده از سوره مبارکه یوسف زندگی این نبی کریم را با اختصار بیان کنید.
- 4 -حضرت شعیب علیه السلام در کجا و به چگونه یک قوم مبعوث گردیده بود؟ واضح سازید.
- 5 -حضرت ایوب علیه السلام چگونه مورد آزمایش الهی قرار گرفت؟ مختصراً شرح دهید. و هم راجع به ادیان سماوی انبیای کرام مذکور درین درس معلومات مختصر ارائه کنید.
- 6 -اختلافی که درمورد پیامبری حضرت ذوالکفل وجود دارد با اختصار توضیح دهید.
- 7 -با استفاده از منابع معتبر و مواد درسی لازم مطالب این درس را بیشتر غنامند سازید.

## درس سوم

### حضرت موسی علیه السلام و دین وی

#### اهداف:

1. شرح حال و زندگی قبل از بعثت حضرت موسی علیه السلام.
2. شرح حال و زندگی بعد از بعثت حضرت موسی علیه السلام.
3. بیان چگونگی دین و شریعت حضرت موسی علیه السلام و معرفی کتاب فعلی تورات (عهد عتیق).

#### آشنایی با زندگی حضرت موسی علیه السلام:

حضرت موسی علیه السلام پسر عمران پسر یصهر و نسب وی به حضرت یعقوب علیه السلام میرسد. حضرت موسی علیه السلام در زمان فرعون معروف که یک قدرتمند جابر و ظالم وقت خود بود چشم به جهان گشود. فرعون که نه تنها پادشاه مصر بود بلکه ادعای ربوبیت نیز داشت، سلاله فراعنه بیشتر از «400» سال در مصر حکومت کردند. و بنی اسرائیل بعد از حضرت یوسف علیه السلام در مصر توطن اختیار نموده بودند و بعد از وفات حضرت یوسف علیه السلام آنها بازهم دین حنیف آبی خود را پیروی میکردند ولی بعدها راه انحراف را پیمودند تا اینکه فرعون بر آنها مسلط شد. فرعون خوابی دید که وی را بسیار پریشان ساخت، او در خواب دیده بود که آتش هیبتناکی از سوی بیت المقدس به جانب مصر در حالت گسترش است و بعد به مصر میرسد و تمام قبطی ها را با هست و بودشان از بین میبرد و صرف بنی اسرائیل از این آتش در امان باقی میمانند. فرعون به عجله ساحران و معبران را دعوت کرد تا این خواب را تعبیر کنند، آنها در تعبیرات خواب گفتند: زود است که در بین بنی اسرائیل طفلی متولد خواهد شد که باعث هلاکت قبطیان شود، و بدستان او سلطنت فرعون هم سرنگون خواهد شد. فرعون فوراً امر نمود تا بعد از این تمام اطفال بنی اسرائیل را بقتل برسانند، زمانیکه وضع حمل مادر حضرت موسی علیه السلام قریب شد اوبسیار پریشان شد اما در اثر وحی (الهام) الهی به او اطمینان داده شد تا تشویش نکند، این طفل نجات مییابد و یکی از پیامبران الهی مییابد. طفل تولد شد و در صندوق چوبی جابجا شد و در رود نیل رها گردید، خواهر حضرت موسی علیه السلام تمام جریانات را تعقیب مینمود،

سندوق بدست زن فرعون (آسیه) رسید و برای شیر دادن وی ناچار مادر خودش توظیف گردید، حضرت موسی علیه السلام با ناز و نعمت در منزل فرعون به جوانی رسید و بنام موسی پسر فرعون در بین مردم شهرت یافت، روزی حضرت موسی علیه السلام در گرمی روز که فعالیت شهر متوقف بود به شهر رفت و در آنجا دو نفری را دید که باهم منازعه دارند، یکی از آنها قبطی و دیگر شان بنی اسرائیلی بود، چون حق را با بنی اسرائیلی یافت بعد از گفتگو قبطی را تادیباً به سیلی زد و او با این سیلی از پا در آمد و فوت کرد، در این صحنه کس دیگری حضور نداشت، حضرت موسی علیه السلام مراقب اوضاع بود و قبطیان به دربار فرعون رفته و از او پیوسته میخواستند تا قاتل این شخص را به قتل برساند اما قاتل معلوم نبود، روی تصادف روز دیگر حضرت موسی از محله دیگری میگذشت و می بیند که بین همان بنی اسرائیلی و قبطی دیگر منازعه جریان دارد، بنی اسرائیلی از حضرت موسی علیه السلام طالب کمک شد و او با خشم میخواست بر قبطی حمله ور شود، بنی اسرائیلی گمان کرد که وی را مورد حمله قرار میدهد، بنی اسرائیلی به حضرت موسی علیه السلام گفت: ای موسی آیا میخواهی بکشی مرا چنانچه کشتی شخصی را دیروز! اینکه قبطی این سخن را شنید فوراً همه قبطیان را در جریان قرار داد که حضرت موسی علیه السلام قاتل آن قبطی است، همه به دربار فرعون رفتند و فرعون امر قصاص حضرت موسی علیه السلام را صادر کرد، یک شخص مؤمن بنام «حزقیل» که از اهل فرعون بود نزد حضرت موسی علیه السلام آمد و او را در جریان قرار داد، حضرت موسی علیه السلام از شهر بیرون شد و بجانب مدین در حرکت افتاد، بعد از هشت روز منزل به مدین رسید و در زیر درختی استراحت کرد، در این وقت دو دختر جوانی را دید که در اثر ازدحام مالداران به گوسفندان خود نمیتوانند از چاه آب دهند، حضرت موسی علیه السلام با آنها کمک نمود و آنها قصه کمک این جوان را به پدرشان که حضرت شعیب علیه السلام میباشد بازگو کردند و هم به پدرشان پیشنهاد نمودند که این جوان را مورد تکریم قرار دهد و اگر ممکن باشد او را برای چرانیدن گوسفندان به مزدوری بگیرد، حضرت شعیب علیه السلام یکی از دختران خود را به نزد موسی علیه السلام فرستاد تا وی را به خانه بیاورد، حضرت موسی علیه السلام به خانه شعیب علیه السلام آمد و بعد از گفتگو قبول کرد که ده سال گوسفندان حضرت شعیب را بچراند و در مقابل با دختری ازدواج کند. حضرت موسی علیه السلام بعد از ده سال رهسپار مصر شد، در طول راه شب فرا رسید و هوا سرد و تاریک شد و او در جستجو آتش بود، ناگهان نوری را دید که در نزدیکی کوه طور قرار دارد، او به خامش که وضع حملش قریب شده بود گفت تو اینجا انتظار بکش تا من برای تو آتش بیاورم، وقتی



حضرت موسی علیه السلام به آنجا رسید حالات را قسم دیگری یافت و به او گفته شد تا نعلین خود را بکشد زیرا او به وادی مقدس طوی قرار دارد، در این مکان (وادی طور) وظیفه رسالت و رسانیدن دعوت به سوی توحید و ترک ظلم و ستم فرعونیان بر بنی اسرائیل برایش سپرده شد، حضرت موسی علیه السلام به کمک برادرش هارون علیه السلام که او نیز به نبوت مبعوث گردیده بود به دربار فرعون رفتند او را به سوی توحید و حداقل به ترک ظلم بر بنی اسرائیل دعوت نمودند، فرعون با بسیار غرور و بی پروایی دعوت آنان را رد کرد، موسی علیه السلام برای فرعونیان عصایش را که به مار و بعد به اژدها به امر خداوند ﷻ مبدل می شد به نمایش گذاشت و ید بیضا معجزه دیگری را نیز برای آنان غرض صدق نبوتش نشان داد ولی فرعون او را متهم به جادوگری نمود تسلیم وحی الهی نگردید و به جمع آوری جادوگران ماهر و حاذق غرض مقابله با موسی علیه السلام و شکست او پرداخت و جادوگران را با وعده های فریبنده و بزرگی وادار ساخت تا با حضرت موسی علیه السلام مقابله کنند، مقابله آغاز شد و در نتیجه همه ساحران شکست خوردند و به دین حضرت موسی علیه السلام مشرف شدند، فرعون آنانرا به قتل رسانید. فرعون به گمراهی و دشمنی خود با دین الله ﷻ ادامه داد و از انواع تعذیب ها بر بنی اسرائیل دریغ ننمود. الله ﷻ قبل از اینکه فرعون و فرعونیان را به هلاکت برساند نه معجزه و آیات بینات را بر آنها مسلط ساخت، این نه معجزه قرار ذیل اند:

عصای حضرت موسی علیه السلام که به مار تبدیل میشد.

ید بیضای حضرت موسی علیه السلام، زمانیکه او دست خود را به گریبان خود داخل میکرد و بعد آنرا بیرون میکشید دستش مانند آفتاب روشنی میداد.

خشک سالی و قحطی که سالهای متمادی ادامه پیدا کرد.

کمی میوه ها در اثر بلاها و آفات.

کثرت باران که در اثر آن جویها و نهرها بر آنها جاری شد زراعت و مالداري آنانرا متضرر میساخت.

ملخهای زیاد همه میوه و زراعت آنها را تلف کرد و حتی مانع تابش شعاع آفتاب بر روی زمین میشدند.

حشره بنام شپشک که در بین دانه ها و حبوبات بوجود می آمد، برخی گفته اند که این همان شپش معروف انسان بود، اما نزد عده ای عبارت از پشه مخصوص است که آنها را همواره اذیت میکرد.

کثرت بقه(قورباغه) که در هر ظرف و یا هر محل پاک می افتیدند و به طعام آنان خود را میرساییدند.

ظاهر شدن خون در آب یعنی هر وقتی که آنها آب را در کف دست و یا ظرف میگرفتند آب پاک به خون تبدیل میشد (22: 188-214).

فرعون و قومش در مخالفت با حضرت موسی کلیم الله ادامه داد و این آیات بینات بر آنها کارگر و مؤثر واقع نشد تا اینکه به اساس مشیئت پروردگار وقت هلاکت فرعون و قومش قریب شد و الله ﷻ به حضرت موسی ﷺ امر فرمودند تا از طرف شب یکجا با بنی اسرائیل مصر را ترک گوید و بسوی سرزمین موعود در حرکت شود. حضرت موسی ﷺ با قومش از طرف شب از مصر خارج شد. در حالیکه تعداد بنی اسرائیل بدون خورد سالان در حدود 600 هزار نفر جنگی بود.

فردا قبطیان که شهر را خالی از بنی اسرائیل یافتند به امر فرعون به تعقیب بنی اسرائیل در حرکت افتادند، تعداد لشکر فرعون بیشتر از یک ملیون و ششصد هزار تن جنگی بود. زمانیکه لشکر فرعون به بحیره احمر (خلیج سوئیس) رسید حضرت موسی ﷺ با قومش از بحیره عبور نموده بودند و بحیره به امر الله ﷻ آماده غرق شدن فرعون و فرعونیان شده بود، فرعون با لشکریانش در آنجا غرق شده و حضرت موسی ﷺ در آنسو به حرکت خود ادامه داد، در طول راه بنی اسرائیل که تشنه و گرسنه شده بودند از حضرت موسی ﷺ خواستند تا آب و غذا را تهیه کند، او عصای خود را به سنگ زد و به امر الله ﷻ از آن دوازده چشمه جاری شد که برای هر قوم چشمه ای جداگانه مورد استفاده قرار گرفت و هم طعامی بنام «من وسلوی» از آسمان فرو می آمد. در فلسطین اقوام ظالمی که از بقایای حیثانیان و کنعانیان بودند زندگی میکردند و حضرت موسی ﷺ به قومش امر نمود تا با او یکجا داخل فلسطین شوند، اما بنی اسرائیل از امر او اطاعت ننمودند و برایش گفتند: پس تو و پرودگار تو بروید و جنگ کنید و هر آئینه ما اینجا از نشسته گانیم. الله ﷻ آنانرا چهل سال در دشت تیه حیران و سرگردان

ساخت، تا بعد از چهار سال نسل جدیدی از آنها بدنیا آید نسلی که در دشت بدون غلامی و قیودات دیگران بزرگ شده باشد و بعد آنها فلسطین را فتح کنند، این نسل جدید با حضرت یوشع بن نون یکجا بیت المقدس را فتح نمودند. حضرت موسی علیه السلام بعد از وفات حضرت هارون علیه السلام به سن ( 120 ) سالگی در صحرای تیه وفات کرد و در آنجا دفن گردید ( 23: 331-378).

### دین حضرت موسی علیه السلام:

اگر بخواهیم راجع به دین و شریعت یک پیامبر الهی که دارای کتاب سماوی باشد معلومات حاصل کنیم یگانه مرجع مطمئن شناخت آن، همان کتاب سماوی شان میباشد. کتاب تورات کتاب الهی است که بر حضرت موسی علیه السلام نازل شده است و مامسلمانان مکلف به ایمان آوردن به آن میباشیم اما باید متوجه باشیم که کتاب تورات بعد از رحلت حضرت موسی علیه السلام بدست کاهنان یهود افتاد و تحریفات و تغییرات زیادی از طرف آنها در آن وارد شده است و کتابی که فعلاً بنام تورات (عهد عتیق) به اختیار ما قرار دارد کتاب اصلی تورات نمیشد بلکه کتابی است محرف و مسخ شده توسط کاهنان یهودی. و از طرف دیگر با نزول قرآنکریم تمام کتب سماوی گذشته منسوخ گردیده است و از اعتبار ساقط میباشند. بنابر آن برای شناخت دین و شریعت حضرت موسی علیه السلام مدارک دینی خود ما یک مرجع مطمئن میباشند، و دیگر اینکه یک دین الهی و سماوی باید دارای چه اصول و فروعی باشد، بطور خلاصه دین و شریعت حضرت موسی علیه السلام حاوی دارای بخشهای ذیل بود:

- اعتقاد بوجود الله جل جلاله واحد، حی، قادر، عالم، مرید، متکلم، سمیع، بصیر، لامکان، لازمان و مبرا از هر نوع صفات مخلوقات و حوادث.
- اعتقاد بوجود و حقانیت پیامبران الهی و تاکید بر عصمت آنها.
- اعتقاد بوجود فرشتگان، شیاطین و جن.
- اعتقاد به وجود صحایف و کتب سماوی.
- اعتقاد به مخلوق بودن و حدوث عالم.
- اعتقاد به قضا و قدر الهی و اندازه خیر و شر از جانب الله جل جلاله.
- اعتقاد به روز قیامت.

- اعتقاد به زنده شدن بعد از مرگ.
- اعتقاد به وجود عدل الهی و محاکمه انسانها توأم با عدل و فضل الهی.
- اعتقاد به وجود قلم و لوح.
- اعتقاد به وجود عرش و کرسی. اعتقاد داشتن به تمام آنچه که در دین مقدس اسلام از اصول دین بشمار میرود و یک مسلمان باید به آن مومن و معتقد باشد.
- موجودیت یک سلسله عبادات.
- موجودیت اصول احوال شخصیه.
- موجودیت نظام خاص ذبائح و سایر نظامات شرعی.

### برخی اعتقادات یهودیت کنونی:

اگر تاریخ یهودان مراجعه صورت گیرد به وضاحت فهمیده میشود که این قوم سرکش همیشه بسوی شرک، تجسیم و نفع جویی تمایل داشته و دارد و روی این انحراف عقیدتی آنها است که الله ﷻ پیامبران زیادی را به آنان مبعوث ساخته است. آنها بعد از بیرون شدن از مصر گوساله سامری را پرستش کردند و هم مار بزرگی را مورد عبادت قرار داده اند. یهوه نام معبود آنان است اما یهوه از نظر آنها همیشه خطا کار است، به دزدی امر میکند، متعصب و بی رحم است، یهوه از نظر آنها تنها معبود بنی اسرائیل است و با دیگران دشمنی دارد.

یهودین حضرت اسحاق علیه السلام را ذبیح الله میگویند درحالیکه ذبیح الله اصلاً لقب حضرت اسماعیل علیه السلام میباشد.

یهودان با فکر مادی که دارند علاقه و اعتقاد به روز قیامت، ثواب و عقاب اخروی ندارند و در دین یهودیت کنونی هم اشاره های سطحی به این موضوعات صورت گرفته است. از نظر آنها ثواب و عقاب در این دنیا داده می شود. ثواب یعنی پیروزی در این دنیا، و عقاب یعنی ناکامی، بردگی و ذلت در این دنیا.

از نظر آنها یهودان مقدس اند و غیر یهودان ناپاک اند و مانند حیوانات، از جمله سگها و خوک هایی اند که هر نوع خیانت در برابر ایشان سبب اجر و تقرب نزد خداوند می گردد.

از نظر یهودان حضرت عیسی علیه السلام بشکل نامشروع از مادرش به دنیا آمده است.

از نظر آنها دین یهودی خاص برای یهودان است و کس دیگری به آن پیوسته نمی تواند. روز سبت (شنبه) نزد یهودان روز پاک است و کار کردن در آن روز جائز نمی باشد. زیارت بیت المقدس در سالی دو مرتبه بالای هر مرد بالغ یهودی حتمی و ضروری می باشد. نو شدن هر ماه توسط یهودان با نواختن نی و برافروختن آتش تجلیل می گردد. یهودان روز های خروج شان از مصر را جشن می گیرند و این جشن از شب چهارده اپریل شروع میشود و تا شب بیست و یک اپریل ادامه می یابد و در این روزها صرف نان فطیر می خورند. یهودان کنونی هیچ رابطه نسبی با عبری های قدیم اسرائیلی که از نسل حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، ندارند بلکه از اقوام دیگری اند که به یهودیت روی آورده اند و عبری های اصیل بنی اسرائیلی از یهودان طبقه پائین اسرائیل کنونی محسوب می شوند ( 9: 551-558).

### معرفی تورات فعلی (عهد عتیق):

عهد عتیق بدو بخش تورات، واسفار انبیا تقسیم شده است، اسفار انبیا مربوط به انبیای قدیم و متاخر بنی اسرائیل میباشد. کتاب تورات فعلی چنانچه قبلاً یاد آور شدیم کتاب اصلی تورات نیست بلکه جزوه های زیادی بر آن علاوه شده است و بخش هایی هم از آن کم گردیده است. این تورات دارای اسفار پنجگانه ذیل میباشد که توسط قرآن کریم منسوخ گردیده است: سفر یا کتاب تکوین: در این سفر داستان خلقت جهان و حضرت آدم علیه السلام آورده شده است، هبوط او به زمین و قصه هابیل و قابیل، داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسحاق علیه السلام، حضرت یعقوب علیه السلام و به تفصیل داستان حضرت یوسف علیه السلام ذکر شده است، داستان رفتن فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام به مصر و مکان آنان در آنجا تا وفات حضرت یوسف علیه السلام بیان گردیده است. سفر یا کتاب خروج: در این سفر داستان زندگی بنی اسرائیل در مصر از زمان حضرت یوسف علیه السلام تا وقت خروج شان از مصر به تفصیل شرح شده است و هم از حالت مذهبی و سیاسی فراغته، غلامی بنی اسرائیل و ظهور حضرت موسی علیه السلام ذکری بعمل آمده است. سفر یا کتاب درویشان: در این سفر از قوانین، احکام و وصیتهای بنی اسرائیل یاد آوری شده است و هم از کفارات گناهان، تفصیل چیزهای حرام، رسمهای غم و خوشی (مثل ازدواج) تفصیل نیکبها، پاکی ها و طهارات و از سائر رهنماییهای دینی صحبت شده است.

سفر یا کتاب اعداد: در این سفر به تفصیل تعداد اسباط و قبائل بنی اسرائیل و تعداد اشخاص هر قبیله ذکر شده است، از عادات و تقالید بنی اسرائیل که در دشت سینا (تیه) از خود اظهار داشته و هم از رواجهای دینی آنها سخن بمیان آمده است.

سفر یا کتاب تثئیه: در این سفر مرور دوباره بر رهنمایی های بنی اسرائیل صورت گرفته است و در مورد نوشیدنیها و خوردنیها بار ثانی ذکر بعمل آمده است و هم از ده حکم و فرمان به یک اسلوب خاصی یاد آوری شده است.

تورات فعلی با اسفار پنجگانه آن از مأخذ ذیل متأثر میباشد:

داستانها و روایات نسلهای متعدد یهودی ها.

فیصله نامه ها و قطع نامه های مجالس مختلف یهودان.

داستانها و روایات عربهای جزیره العرب.

افکار و عقاید مصریان قدیم.

افکار و عقاید بابلیان قدیم.

ضوابط و قوانین حمورابی.

یهودان تنها به تورات (عهد قدیم) بعنوان کتاب سماوی معتقد اند، انجیل (عهد جدید) و قرآنکریم را بحیث کتب سماوی نمی دانند. در حالیکه مسیحیان تورات و انجیل هردو را بحیث کتب سماوی میشناسند اما قرآنکریم را بحیث کتاب سماوی نمی شناسند ( 20: 323-325).

## تمرین

1. چگونه اسکان بنی اسرائیل در مصر را بیان دارید.
2. چرا فرعون دست به کشتن اطفال ذکور بنی اسرائیل زد؟ مختصراً بیان کنید.
3. داستان نجات یافتن حضرت موسی (علیه السلام) و زندگی اش در دربار فرعون را بیان نمایید.
4. حضرت موسی (علیه السلام) چگونه به خانواده حضرت شعیب (علیه السلام) راه یافت؟ شرح دهید.
5. جریان بعثت این نبی کریم را طبق اشارات قرآنی توضیح دهید.
6. حضرت موسی (علیه السلام) دارای معجزات و آیات بینات بود آنها را صرف نام ببرید.
7. چگونه غرق شدن فرعون و قومش را به کمک استاد مضمون به تفصیل بیان دارید.
8. حوادث بعد از غرق شدن فرعون را به اختصار شرح دهید.
9. فتح بیت المقدس چرا به نسل بعدی بنی اسرائیل گذاشته شد؟ دلیل آنرا ذکر کنید.
10. راجع به اصول و فروع شریعت حضرت موسی (علیه السلام) چه میدانید؟ توضیح نمایید.
11. اعتقادات یهودیت کنونی را برشمارید و آنرا با اعتقادات دین و شریعت حضرت موسی (علیه السلام) مقایسه کنید.
12. تورات منسوخ شده فعلی دارای چند سیفر است؟ محتویات هر کدام را صرف نام بگیرید.
13. تورات فعلی از کدام مأخذ متأثر است؟ موضوع را به تفصیل شرح دهید.
14. وضع کنونی سیاسی، نظامی و دینی اسرائیل را چگونه ارزیابی میکنید؟ از طریق بحث آزاد موضوع را روشن سازید.

## درس چهارم

### حضرت عیسی علیه السلام و دین شان

#### اهداف:

1. معرفی مختصر حضرت مریم بنت عمران رضی الله عنها.
2. معرفی مختصر حضرت عیسی ابن مریم علیهما السلام.
3. معرفی مختصر دین اصلی مسیحیت.
4. معرفی مختصر پیشینه تاریخی و اعتقادات دینی مسیحیت کنونی.

#### زندگی حضرت عیسی علیه السلام:

معرفی زندگی حضرت عیسی علیه السلام ارتباط نزدیک با معرفی زندگی حضرت مریم علیها السلام دارد، ما ناگزیریم زندگی حضرت عیسی علیه السلام را در ضمن معرفی زندگی حضرت مریم علیها السلام به معرفی بگیریم:

حضرت مریم علیها السلام دختر عمران، یکی از روحانیون دینی بنی اسرائیل میباشد، مادر مریم نذر کرده بود که اگر در خانه وی بچه متولد شود او را به خدمت معبد میگمارد، آیا زمانیکه طفل تولد شد دختر بود و نامش را مریم گذاشتند، هنوز مریم طفل خورد سالی بود که پدرش عمران وفات کرد، مادرش طبق وعده مریم را به معبد برد و تسلیم کاهنان آن نمود، خادمان معبد میدانستند مریم دختر یکی از روحانیون متنفذ است که دیگر در بین شان نیست پس هر کس کوشش می نمود تا سر پرستی او را به عهده گیرد، حضرت زکریا علیه السلام که هنوز به پیامبری مبعوث نشده بود نیز خواهان سرپرستی وی شد، زیرا او شوهر خاله مریم و یا هم بقولی شوهر خواهر مریم میباشد، در نتیجه به قرعه کشی موافقه صورت گرفت و قرعه حضرت زکریا علیه السلام را مستحق سرپرستی وی دانست، زکریا علیه السلام در یک قسمتی از معبد جای مناسبی را برای مریم درست نمود و از او پیوسته مراقبت میکرد، زکریا علیه السلام واقعات جالبی را نزد مریم مشاهده مینمود، بطور مثال نزد وی میوه هایی را میدید که در بازار پیدا نمیشد یعنی میوه های موسمی و فصلی نبود.



حضرت مریم علیها السلام همیشه مصروف عبادت الله ﷻ بود و در یک محیط پاک و بی خطر زندگی خود را به پیش میبرد، فرشته ها نزد او می آمدند و او را مطلع میساختند که او یک انسان برگزیده است و از او طفلی تولد خواهد شد که دارای مقام بلند و رفیع میباشد و در طفولیت با مردم سخن خواهد گفت. و قتی حضرت مریم به سن 13 سالگی رسید در یکی از روزها از معبد بیرون رفت و حضرت جبرائیل علیه السلام به نزدیکی ظاهر شد و به گریبان وی نفخ روح نمود، حضرت مریم علیها السلام حامله شد و نظر به اختلاف اقوال مدت حملش 9 ساعت، یا هجده ماه، و یا مدت معمولی و طبیعی مثل مدت حمل سایر زنان بود، زمانی که آثار درد وضع حمل بر وجودش آشکار گردید او در بیت اللحم به نزدیک یک درخت خرماي خشکیده پناه برد و حضرت عیسی علیه السلام از یک دختر باکره متولد شد، درخت خرماي خشکیده ثمر به بار آورد و با تکان دادن تنه درخت خرماي تازه از آن ریخت و از آن تناول کرد و از آبی که در آنجا جاری شد، نوشید، او طفل خود را برداشت و بسوی قوم خود در حرکت شد، ملاقات وی با زنان و مردان قومش صحنه جالبی است در زندگی این زن عفیفه و نیکوکار و مقدس.

به حضرت مریم علیها السلام الهام شد که روزه سکوت بدهن داشته باشد و معترضین را به طفل خود رهنمایی کند تا به او سخن گویند، طفل به سخن آمد و گفت: من بنده الله ﷻ ام، مرا الله ﷻ کتاب و برکت داده است هر جایی که باشم، و حکم فرموده است مرا به نماز و زکات تا مادامی که زنده باشم.

حضرت عیسی علیه السلام در آغوش مادرش در یک محل بلند دور از بیت اللحم پرورش و تربیت یافت. در این زمان هیروودوس حاکم فلسطین بود که از امپراتوری روم غربی اداره میشود، برخی کاهنان به هیروودوس خبر دادند که طفلی به دنیا آمده است که در آینده بر همه یهودان حکومت خواهد نمود و بنابر صراحت انجیل متی و برنا با هیروودوس دستور داد تا تمام اطفالی که در بیت اللحم بدنیا می آیند به قتل برسانند، حضرت مریم علیها السلام طفل را با خود به مصر منتقل ساخت و تا زمان فوت هیروودوس آنها در مصر باقی ماندند و بعد از آن دوباره به وطن اصلی خود بازگشت نمودند، حضرت عیسی علیه السلام در این وقت هفت ساله بود و در ناحیه الخلیل در محلی بنام «ناصره» مسکن گزین شدند، زمانی که به سن دوازده سالگی رسید در طول راه بیت المقدس از نزد مادرش ناپدید شد، مادرش بسوی ناصره برگشت ولی او را در

آنجا نیافت بعد دوباره به بیت المقدس آمد و سه روز گذشته بود که وی را در بین مجموعه ای از علما دید که با ایشان راجع به شریعت بحث میکند (22: 215-228).

حضرت عیسیٰ علیه السلام بر خلاف سایر پیامبران به سن 30 سالگی به پیامبری مبعوث شد، او به تبلیغ دین خود در بین یهودیانی که انحرافات زیادی سراسر زندگی ایشانرا فرا گرفته بود، پرداخت، یهودان برای مدت مدیدی از دعوت و ارسال پیامبران محروم مانده بودند و دین حضرت موسی علیه السلام را نیز فراموش کرده بودند و عادات و رواجهای خرافی را دنبال مینمودند، حضرت عیسیٰ علیه السلام از طرف الله جل جلاله مامور شد تا تحریفهایی که یهودان در دین حضرت موسی علیه السلام بوجود آورده است اصلاح کند و دین و شریعت جدید خود را به آنان ابلاغ نماید ولی این نبی کریم از سوی یهودان با خشونت تمام مورد تردید و اذیت قرار گرفت تا این حد که همه علما و کاهنان یهودی با هم جمع شدند تا از تبلیغ وی جلوگیری کنند و زمینه های قتل او را مساعد سازند. آنها به حاکم رومی که در فلسطین حکومت میکرد و نامش «بیلاطس التبتی» بود شکایت کردند، و ظاهراً چنین عنوان نمودند که گویا حضرت عیسیٰ علیه السلام میخواهد حکومت را سرنگون نماید و بر یهودان حکومت کند. حاکم رومی تصمیم گرفت تا وی را دستگیر نمایند و به دار بیاورند. حضرت عیسیٰ علیه السلام از این تصمیم حاکم مطلع گردید و خود را پنهان کرد، حضرت عیسیٰ علیه السلام با حواریون خود که 12 نفر بودند جلسه دایر نمودند بعد از جلسه یکی از حواریون بنام «یهودا الاسخر یوطی» که شخص خائن و منافق بود محل پنهانی حضرت عیسیٰ علیه السلام را به عمال حاکم رومی نشان داد، پولیس حکومت به آن محل آمد و در آنجا به امر الله پاک چهره یهودا به چهره حضرت عیسیٰ علیه السلام مبدل گشت و آنها یهودا را بنام حضرت عیسیٰ علیه السلام با خود بردند، هر قدر یهودا فریادی کرد که من عیسی نیستم بلکه یهودا هستم کسی سخن او را نمیشنید، یهودا را صلیب کردند و الله جل جلاله حضرت عیسیٰ علیه السلام را نزد خود رفع نمود، قرآن کریم در این مورد چنین صراحت دارد: «وَيَكْفُرْهُمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ هَيْتَنَا

عَظِيمًا ﴿٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ هُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا

حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾ (1: النساء، 156-158) ترجمه: و به سبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم

بهتان بزرگ و به سبب گفتن ایشان هر آئینه ما کشتیم مسیح ابن مریم را که فی الواقع پیامبر الله بود و نه کشته اند او را و بر دار نکرده اند او را و لکن مشبه شد برایشان، و هر آئینه کسانی که اختلاف کردند در باب عیسی در شک اند از حال و نیست ایشان را یقینی لکن پیروی ظن میکنند و به یقین نکشته اند او را، بلکه برداشت او را الله ﷻ بسوی خود و هست الله ﷻ غالب استوار کار.)

### دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام:

چنانچه در درس گذشته تذکر بعمل آمد که یگانه مرجع مطمئن هر دین کتاب مربوطه آن میباشد که ما میتوانیم راجع به آن دین از طریق کتاب آن این معلومات حاصل کنیم اما اینکه کتاب الهی مربوط به دین و شریعت حضرت عیسی ﷺ که محفوظ از تحریف و تغییر باشد نزد ما وجود ندارد پس اناجیل فعلی مسیحیت مدار اعتبار نیستند و ما از طریق آن ها نمیتوانیم چگونگی دین و شریعت حضرت عیسی ﷺ را بدانیم پس یگانه مرجع مطمئن در این زمینه همین مأخذ اسلامی خود ما میباشد.

دین حضرت عیسی ﷺ هم مانند دین مقدس اسلام به وجود الله واحد، حی، قادر، عالم، مرید، متکلم، سمیع، بصیر و مبری از تمام صفات مخلوقات و حوادث معتقد میباشد. و همچنان به وجود ملائکه، کتب و صحایف سماوی، پیامبران الهی، روز آخرت، اندازه خیر و شر (که از سوی الله ﷻ میباشد)، قضا و قدر اعتقاد دارد، در این دین هم به سایر اصول ادیان سماوی عقیده وجود دارد، مانند اعتقاد به وجود شیاطین، جنها، قلم، روح، عرش، کرسی، و غیره اصول دین.

دین و شریعت حضرت عیسی ﷺ دارای بخشهای مختلف عبادات، معاملات، احوال شخصیه، نظام میراث، نظام ذبائح، حلال و حرام، نظام عقوبات و سایر نظامهای شرعی میباشد اما باید تذکر داد که دین حضرت عیسی ﷺ در اصول و ارکان با دین مقدس اسلام هیچ تفاوت ندارد بلکه کاملاً نظام اعتقادی واحدی با اسلام را دارد صرف در فروع دین و احکام مختلف عملی با دین مقدس اسلام در برخی موارد متفاوت میباشد و این تفاوت در هر دین سماوی بچشم میخورد و علت آنها همانا تفاوت در خواستها و اقتضائات زمانی و مکانی است که در هر دین سماوی با دین دیگر سماوی فرق میکند (16: 252).

پیشینه تاریخی و وضع کنونی دین مسیحیت:

وضع فعلی دین مسیحیت حاصل تعلیماتی است که از اناجیل محرفه فعلی صورت میگیرد. کلمه انجیل کلمه عبری است که بمعنای «بشارت» میباشد: در بین اناجیل محرفه فعلی اختلاف زیادی وجود دارد و این خود دلیل بر آنست که آنها هیچکدام انجیل اصلی نمیباشد البته انجیل اصلی که بر حضرت عیسی (علیه السلام) نازل شده است. در جهان مسیحیت فعلاً چهار انجیل که بنامهای مؤلفین آنها موسوم اند وجود دارند: انجیل پوحناء، انجیل لوقا، انجیل متی، انجیل مرقس. یک انجیل دیگری نیز وجود دارد بنام «انجیل برنابا» که هنوز کلیسای مسیحی آنرا به رسمیت نمی شناسد.

در اوایل ظهور مسیحیت کلیسا (مجمع دینی) در چهار چوب یک جلسه غیر روحانی بوجود آمد، این جلسه متشکل از یک تعداد بنی اسرائیل بودند که در انتظار عودت دوباره حضرت عیسی (علیه السلام) به سر میردند (34: 36).

از لحاظ تاریخی آنچه که محققان مسیحیت عنوان میکنند دین مسیحیت به اساس دین یهودیت و فلسفه یونانی انکشاف نموده است و در قرن چهارم (312 م) کستانتین اول به دین مسیحیت ایمان می آورد چون او امپراتور روم بود ایمان آوردن وی باعث میشود که این دین در اروپا گسترش زیادی پیدا کند (19: 435).

برای بار نخست در قرن 11 میلادی این دین بدو شعبه کاتولیک غربی و ارتودوکس شرقی جدا میشود که شعبه اولی در امپراتوری غربی (ایتالیا) و شعبه دوم در امپراتوری شرقی (ترکیه) نفوذ میکند. علت انشعاب در این بود که مسیحیان ارتدکس روح القدس (جبرائیل) را منشعب از «اب» (الله) میدانستند و هم حامله شدن بی شایبه مریم، وجود برزخ، پاک بودن رهبران کلیسا از اشتباه و خطا را کاملاً رد مینمودند، در حالیکه مسیحیان کاتولیک ایتالیا روح القدس را منشعب از آب و یا ابن (حضرت عیسی (علیه السلام)) دانسته و بر سه موضوع دیگر مذکور نیز برعکس مسیحیان ارتدکس معتقد بودند.

کلیسا و پاپ مسیحی در قرون وسطی (از قرن 5 الی قرن 15 میلادی) قدرت بیشتری را کسب نمود و به تمام ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنوقت اروپا سایه افکنده بود، این وضع غیر قابل تحمل از یکطرف، پیشرفت علوم و فنون جدید را متوقف ساخت و از طرف دیگر باده ها عامل دیگر سبب شد تا علیه کلیسا و پاپ اعتراضات قوی وارد شود و زمینه

پیدایش فرقه های مختلف پروتستان مساعد گردد ( 15: 270-271).

برخی مسیحیان کاتولیک این اعتراضات را تحمل کرده نتوانستند و تصمیم گرفتند اروپا را به عزم امریکا ترک کنند و برخی از آنها از سوی معترضین به قتل رسیدند. معترضین میخواستند تا از قدرت غیر محدود رهبران کلیسا کاسته شود، کشف حقایق علمی از طریق تجربه آزادانه و تحقیق خالی از هر نوع تعصب مذهبی صورت گیرد، متون دینی مسیحیت مورد تحقیق آزادانه قرار گیرد و از تاویلهای شخصی و غرض آمیز رهبران کلیسا رهایی یابند.

در قرنهای اخیر دین مسیحی به فرقه های زیادی انشعاب یافت، مانند فرقه متدستها، فرقه مورمانها، فرقه انسان دوستان، فرقه طرفداران دانش مسیحی و غیره.

### اعتقادات فعلی دین مسیحیت:

- اعتقاد به اقا نیم سه گانه (اب، ابن و روح القدس) از نظر مسیحیان الله ﷻ به اب (پدر) تعبیر میشود، حضرت عیسی ﷺ به ابن (پسر) و روح القدس (جبرائیل) منشعب از اب ویا ابن میباشد.
- اعتقاد به اینکه در روز قیامت محاسبه الهی به حضرت عیسی ﷺ سپرده میشود چه در سرشت وی یک اندازه بشریت وجود دارد که او را قادر میسازد این محاسبه را انجام دهد.
- اعتقاد به اینکه حضرت عیسی ﷺ بخاطر ارتکاب گناه توسط حضرت آدم ﷺ و سایر آدمیان به رضای خود به دار آویخته شد و الله ﷻ پسر یگانه خود را قربانی گناهان انسانهای دیگر ساخت، او دفن شد و بعد از سه روز برخاسته و بسوی آسمان رفت.
- اعتقاد به ادای نماز در شکل تسبیح و شعر که عدد آن معلوم نیست و به نماز صبح و شام تاکید بیشتر میشود.
- اعتقاد گرفتن روزه از غذا های چرب و گوشتدار که البته صرف از سبزیجات استفاده صورت میگیرد.
- اعتقاد به تقدس صلیب که علامه مسیحی بودن شخص میباشد.
- اعتقاد به غسل تعمید بعنوان وسیله طهارت از گناهان.
- اعتقاد به حلال بودن گوشت خنزیر.
- اعتقاد به حرام بودن ختنه اطفال ذکور.
- اعتقاد به حلال بودن سود خوری و نوشیدن شراب.

- اعتراف به گناهان تاجزای آن از شخص ساقط گردد.
- اعتقاد به دادن طلاق در صورتی که زوجه مرتکب زنا شده باشد که ازدواج دوباره برایشان جایز نمیباشد.
- اعتقاد به رهبانیت و دوری از ازدواج خصوصاً برای رهبران دینی. تعدد زوجات وجود ندارد صرف با یک زن باید ازدواج صورت گیرد.
- اعتقاد به منع ارتداد (9: 489-492).
- اعتقاد به فروش کارتهای مغفرت از سوی کلیسا.
- اعتقاد به زیادت نسل مسیحی.
- استحاله و اعتقاد به حلال شدن و تبدیل شدن شراب و غذای که در روز 14 اپریل (روز نجات بنی اسرائیل از مصریان) خورده می شود البته به خون و گوشت حضرت عیسی علیه السلام به این معنی که تعلیمات او را بخود گرفته است.

## تمرین

1. راجع به نسب و دوره طفولیت حضرت مریم علیها السلام معلومات دهید.
2. جریان حمل و وضع حمل حضرت مریم علیها السلام را طبق صراحت قرآنکریم بیان دارید.
3. وقایع زندگی قبل از بعثت حضرت عیسی علیه السلام را بطور اختصار ذکر کنید.
4. آیه کریمه را که در مورد رفع حضرت عیسی علیه السلام تلاوت نمودید تفسیر و تحلیل نمایید.
5. دین و شریعت حضرت عیسی علیه السلام را از دیدگاه منابع اسلامی توضیح دهید.
6. اناجیل فعلی مسیحیت را نام بگیرید و در مورد محتویات آنها کار گروهی انجام دهید.
7. پیشینه تاریخی دین مسیحیت را تا عصر حاضر به اختصار شرح دهید.
8. اعتراضات مهم پروتستان را در صنف جرو بحث کنید.
9. اعتقادات مهم مسیحیت فعلی را مختصراً یاد آوری نمایید.
10. در مورد تثلیث دین مسیحیت صرف دو مقاله تحریر دارید.





# فصل سوم

دین مقدس اسلام

## درس اول

چگونگی اعتقادات عربهای دوره جاهلیت و ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم  
این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

### اهداف:

1. توضیح اعتقادات دینی محلی و مستورد عربهای جاهلیت.
2. شرح حال و زندگی قبل از نبوت و بعد از نبوت حضرت محمد ﷺ.
3. توضیح خصوصیات رسالت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ.

### چگونگی اعتقادات عربهای دوره جاهلیت:

هدف از عربهای زمان جاهلیت آن عربهایی اند که قبل از تابش نور دین مقدس اسلام در جزیره العرب زندگی داشتند. اعتقادات دینی عربهای قبل از ظهور اسلام طوری که در دین یهودیت مورد بحث قرار میگیرد شکل متحولی از معتقدات سامیها و صحرا نشینان اولیه میباشد.

جزیره العرب که یک منطقه وسیع گفته میشود دارای اعتقادات گوناگون در هر گوشه و کنار آن میباشد، بطور نمونه در عربستان جنوبی صابیان که ستاره گان را پرستش میکردند و مهتاب در مرکز این پرستش قرار داشته زندگی مینمودند که یقیناً اینگونه پرستش ریشه بابلی و زرتشتی داشته است. در مناطق تجارتی عربستان که عبور و مرور یهود و نصاری در آنجا ها بیشتر بود عقاید دینی آنان در بین عربها نفوذ بیشتر داشت، چون از لحاظ تاریخی دارای انبیای الهی و ادیان سماوی بودند پس این امر علاقه عربهای بومی را بخود جلب کرده بود.

اکثر عربهای آنوقت اعم از شهر نشینان و بادیه نشینان ارباب الانواع محل خود را پرستش میکردند، این ارباب الانواع که زاده تصورات خود شان بوده از جنس مذکر و مونث میباشند و هر قبیله از این نوع ارباب الانواع را مخصوص خود میدانستند و آنرا عبادت مینمودند ( 15: 478-479).

مکه در آن وقت دارای سه رب النوع معروف بود که هر سه آنها مونث تصور شده اند: اللات رب النوع آفتاب، منات رب النوع زمان و سرنوشت، و العزی رب النوع ستاره ایکه شکل کمرنگ عقیده به وینوس (ناهید) را منعکس میسازد، عربهای جاهلیت از این ارباب الانواع بتها را ساخته بودند که بنام دختران یا بنات خدا از آنها یاد میکردند. آنها از خداوند یک تصور مبهمی نیز داشتند و بطور خاص قبیله قریش که جناب رسول الله ﷺ متعلق به آن میباشد. در جنب این ارباب الانواع بزرگ برخی موجودات غیر قابل دید نیز مورد احترام و اعتقاد ایشان بوده اند، مانند ملائکه، پریان و جنها، اما بین این موجودات تفاوتهایی وجود داشت، بطور مثال ملائکه موجودات معصوم و دارای طبیعت پاک بودند که در اجرای امور نیکو انسانها را یاری میسرانند. پریان در بیرون از عالم انسانی به شکل اطفال خرد سال در عالم مخصوص خود به سر بردند و مثل فرشتگان دارای اخلاق نیکو بودند و در امور خیر همکاری مینمودند. اما جنها اینطور نیستند، آنها در صحرا، جنگلات و مخروطه ها به سر برد و مانند شیاطین همواره به انسانها ضرر میسرانند، جنها در بین عربهای جاهلیت ترس و وحشت زیادی را ایجاد نموده بود و انسانها کوشش میکردند تا از شر آنان خود را نگهدارند، با اینکه برخی از آنها خود را قادر میدانستند که در زندگی جنها نفوذ کنند و آنانرا تابع خود سازند تا از طریق آنها به جاهای دور سفر کنند، تا خزاین پوشیده را به آنها نشان دهند و زمینه زندگی خوب و خوشبخت را برای آنان مساعد سازند. نزد عربهای جاهلیت به موجودی بنام «غول» نیز عقیده وجود داشت که همیشه در کمین نشسته بود و میخواست به انسان ها ضرر برساند و حتی او را کشته و از گوشت و خون وی استفاده کند (18: 67).

در بین عربهای جاهلیت اعتقاد به نوعی «آنی میسم» نیز دیده میشود، آنها برخی موجودات را بعنوان ارواح خبیثه مورد استکراه خود قرار میدادند، ولی برخی صخره های بلند، توده های سنگ بشکل ستونهای برجسته، چشمه های آبهای پاکیزه، مغاره های ژرف و برخی درختان را نیز مورد تکریم و تقدیس قرار میدادند. همچنان یک نوع احترام به آهوهایی صحرا، گرگها، شتران و عقابها نیز در عقاید شان دیده میشود علاوه از آن در شهر مکه مکره سنگ سیاه (حجر الاسود) نیز مورد احترام خاصی قرار داشته است.

### ظهور حضرت محمد صلی الله علیه وسلم:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» وَكَانَ

اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾ (الاحزاب، 40) حضرت محمد رسول الله ﷺ پسر عبدالله

پسر عبدالمطلب پسر هاشم میباشد، وی به اثر نکاح صحیح که با نکاح اسلامی مشابهت داشت دنیا آمده است، چنانچه در روایت حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها آمده است که پیامبر کریم ﷺ فرمود: «من از نکاح تولد یافته ام نه از زنا».

پیامبر گرامی ﷺ در مرحله شیر خوارگی توسط حلیمه سعدیه به صحرا برده شد و تا دو سالگی توسط او شیر داده میشد.

در یکی از روزها که پیامبر ﷺ با برادران رضاعی خود به چراندن گوسفندان مصروف بود توسط دو نفر سفید پوش که فرشتگان الهی بودند شق الصدر میشود و نصیبه شیطان که به شکل یک بسته خون سیاه رنگ است از آن بدور انداخته میشود، این واقعه در سن سه سالگی او رخ داده است (41: 110).

او تا سن 5 سالگی نزد حلیمه در دشت باقی می ماند، مادرش آمنه در 6 سالگی شان وجدش عبدالمطلب در 8 سالگی شان وفات میکنند و حضانت وی را کاکایش ابوطالب به عهده میگیرد، او در سن 12 سالگی با کاکایش بمنظور تجارت به شام میرود و در طول راه با راهب نصرانی (بحیرا) ملاقی میشود و برخی علایم نبوت وی توسط آن راهب برملا میگردد. بعد از آن به چوپانی مشغول شده و این شغل شان با تفکرات عمیق همراه میباشد.

او در رأس کاروان خدیجه زن مالدار عرب به شام میرود و در وقت بازگشت به سن 25 سالگی با او ازدواج میکند.

اوهمه ساله در ماه رمضان به غار (حرا) که در شمال مکه مکرمه موقعیت دارد رفته و در آنجا به تفکر، تأمل و عبادت مصروف میشود. در سن 40 سالگی به رسالت الهی مبعوث میشود و

اولین آیات کریمه: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾

أَقْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٢﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٣﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٤﴾

(1: العلق 1-5) بر جناب شان نازل گردید، و بمنظور نشر دین مقدس اسلام و اعلاى كلمه الحق در مقابل مشركان و عربهاى جاهليت قيام نمودند، 13 سال عمر پيامبر اسلام ﷺ در مكه مكرمه سپرى شد تا اينكه الله ﷻ حضرت را مامور ساخت مكه مكرمه را ترك گفته و به مدينه منوره كه در آن وقت بنام «يثرب» ياد مى شد هجرت نمايد (13: 31-33). هجرت پيامبر ﷺ از خاطر ترس از مشركين نه بود بلكه به اساس امر پروردگار صورت گرفت، رسول كريم ﷺ مدينه منوره را مركز نشر و اشاعه دين مقدس اسلام قرار دادند و پايه هاى قوى يك دولت اسلامى را در آن اساس گذاشتند، دعوت شان در مدينه منوره 10 سال را در برگرفت و به سال يازدهم هجرى (632م) به سن 63 سالگى بعد از اينكه رسالت خود را به پايه اكمال رسانيد از اين جهان رحلت نمودند (11: 149).

### خصوصيات رسالت حضرت محمد مصطفى صلى الله عليه وسلم:

اگر به رسالت حضرت محمد مصطفى ﷺ دقت عميق، صورت گيرد به روشنى معلوم ميشود كه اين رسالت داراى برخى خصوصيات و ويژه گيهاى است كه رسالت پيامبران قبلى فاقد آن ميباشد، و با نظرداشت اين خصوصيات است كه رسالت پيامبر بزرگوار اسلام نسبت به ساير رسالات در مستوى بلندترى قرار دارد، و مادر اينجا مهمترين اين خصوصيات را ذيلاً به گونه خلاصه ياد آورى ميكنيم:

### عموميت اين رسالت :

وقتي آيات كريمه را در مورد رسالت پيامبران قبلى ملاحظه ميكنيم در مى يابيم كه هريك از اين رسالات مخصوص يك امت و يك ملت بخصوصى است كه به پيامبر مربوط به آن فرستاده شده است و حتى بعضاً ديده ميشود كه در يك عصر و زمان دو پيامبر به تبليغ احكام الهى مصروف كار اند، مانند رسالت حضرت ﷺ و حضرت لوط ﷺ كه هر دو براى اقوام جداگانه و شهرهاى جداگانه دريك وقت مبعوث گرديده بودند، و بر اين حقيقت آيات كريمه ذيل نيز به صراحت دلالت ميكنند:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ

فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاتَّقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا<sup>ط</sup> وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾ (1: الروم، 47). و: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ» (1: الاعراف، 59) و:

«وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ» (1: المائدة، 20). اما زمانی که رسالت حضرت سرور کائنات ﷺ را

مشاهده میکنیم می بینیم که این رسالت از خصوصیت عمومیت بر خوردار است و به تمام مردم سیاه و سفید، عرب و غیر عرب، حتی به جنها و به هر گوشه کره زمین، به عصر پیامبر و اعصار بعد از وی به همه زمانه ها تا قیام قیامت تعلق دارد، چنانچه این آیات کریمه به این مطلب صریحا دلالت دارند: «قُلْ يَتَّيْبُهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي.....» (1:

الاعراف، 158) و: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

(1: سباء، 28) احادیث نبوی ﷺ بر این حقیقت وارد است که پیامبر اسلام پیامبر همه امم و ملتها است، چه در عصر ظهور وی و چه در عصر های بعدی. و دیگر اینکه آنچه از دین اسلام بوضاحت معلوم میشود بر عمومیت این رسالت به همه امم دلالت دارد و کسیکه منکر این خصوصیت رسالت حضرت محمد ﷺ میشود کافر است. رسالت محمدی ﷺ نه تنها به انسان تعلق دارد بلکه این رسالت متوجه جنها نیز میباشد و بنابر این یکتعدادی از جنها در وقت حیات پیامبر اسلام به رسالت وی ایمان آورده بودند، چنانچه قرآنکریم در این مورد میفرماید:

«قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿٢٩﴾ يَهْدِي

إِلَى الْرُّشْدِ فَكَاْمْنَا بِهِ<sup>ط</sup> وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٣٠﴾» (1: الجن، 1-2).

### شامل بودن این رسالت :

از خصوصیات دیگر رسالت محمدی ﷺ شامل بودن آنست، این رسالت صرف یک ساحه زندگی انسان را در بر نداشته بلکه شامل جمیع ساحات و ابعاد زندگی انسانی میباشد، این رسالت شامل امور دنیوی و اخروی انسان میباشد و اگر احکام این رسالت عملی شود و انسان

به آن امثال نماید به یقین گفته میتوانیم که سعادت دنیوی و اخروی نصیبش میگردد، وهم اگر جوامع انسانی بحیث کل امور و احکام این رسالت را در ابعاد مختلف زندگی خود عملی سازند بدون شک چنین جوامع از رفاه و آسایش دنیوی و سعادت اخروی بر خوردار خواهند بود.

از آیات کریمه و احادیث نبوی ﷺ بوضاحت فهمیده میشود که این رسالت شامل احکام اعتقادی، احکام اخلاقی و احکام عملی میباشد.

### رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم پایان همه رسالتها است :

حضرت محمد ﷺ خاتم انبیاء و مرسلین است و رسالت وی پایان همه رسالتهای سماوی میباشد، هیچ رسولی بعد از او وجود ندارد و هیچ شریعت سماوی بعد از اسلام ظهور نمیکند، باور داشتن به این امر یکی از اصول دین اسلام به شمار میرود، منکر آن کافر و از دایره اسلام بیرون است. قرآنکریم، احادیث معتمد و اجماع مسلمانان سلف و خلف بر آن دلالت دارد، و هم وجود توانمندی بالفعل و بالقوه مطابقت دین و شریعت اسلامی با مقتضیات هر عصر، زمان و هر گونه شرائط محیطی دلیل خوبی بردائمی بودن و جاودان بودن آنست.

### یکی از خصوصیات دیگر رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم ناسخ بودن آنست:

هر رسالت سماوی در برگیرنده دو دسته از امور است: یکی امور اعتقادی و دیگری امور تشریعی و عملی، امور اعتقادی حقایقی اند ثابت و تغییر ناپذیر، این امور مورد نسخ، تبدیل و تغییر قرار نمیگیرد، معتقدات دینی که حضرت ابراهیم علیه السلام مردم را به آن دعوت میکرد عین آن معتقداتی است که حضرت موسی علیه السلام، حضرت محمد ﷺ و جمیع انبیاء علیهم السلام نیز مردم و اقوام خود را به آن فرا میخواندند. اما امور تشریعی و عملی بر عکس امور اعتقادی به تصرفات انسان مکلف تعلق میگیرد مانند عبادت، ازدواج، عقود، تنظیم روابط انسانی و غیره، این امور مورد تغییر و تبدیل قرار گرفته و چون نظر به تحول و تغییر شرایط زمانی و محیطی، مصالح بندگان نیز تغییر و تحول میپذیرد، پس تغییر مصالح تغییر احکام تشریعی و عملی را نیز در قبال دارد، در شرایع سماوی قبلی احکام یک شریعت با احکام شریعت دیگر تغییر نموده و با یک دلیل شرعی جدید حکم شرعی قبلی از بین رفته و این جز نسخ چیز دیگری نیست (16: 345). هنگامی که رسالت پیشوای انبیاء ﷺ ظهور کرد تمام شرایع سماوی قبلی را از اعتبار ساقط نمود، چه این رسالت و شریعت کاملترین همه شرایع سماوی بوده، مشکلات و

ضرورت‌های جوامع بشری را در هر گونه شرایط زمانی و محیطی مرفوع ساخته می‌تواند پس شایستگی آنرا دارد تا ناسخ تمام شرایع سماوی قبلی گردد و بعنوان رسالت و شریعت اکمل سماوی تا رسیدن قیامت همیشه باقی و جاویدانه بماند.



## تمرین

1. اعتقادات دینی عربهای دوره جاهلیت از برخی مناطق همجوار نیز متأثر میباشد شما این اعتقادات مستورد را مختصراً توضیح کنید.
2. موجودات غیر مرئی مورد اعتقاد عربهای جاهلیت را صرف نام بگیرید.
3. زندگی قبل از نبوت و بعد از نبوت حضرت محمد ﷺ را به اختصار معرفی نمایید.
4. وقایع مهم زندگی آنحضرت ﷺ را مختصراً بر شمارید.
5. چگونه ثابت ساخته میتوانید که رسالت پیامبر ما دارای خصوصیت عمومیت میباشد؟
6. شمولیت رسالت آنحضرت ﷺ را در چند جمله مختصر ذکر کنید.
7. مسأله خاتمیت رسالت و ناسخیت دین مقدس اسلام را با دلایل، توضیح دارید.
8. آیات کریمه که در این درس قصداً ترجمه نشده با استفاده از تفاسیر معتبر ترجمه و تفسیر نمایید.
9. در مورد این درس با استفاده از کتابخانه های محلی مقالات مختصر تحریر دارید.

## درس دوم

### قرآن کریم

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. کسب مهارت در مورد معرفی مختصر قرآن کریم.
2. کسب مهارت در مورد اثبات اعجاز لفظی قرآن کریم.
3. کسب مهارت در مورد اثبات اعجاز معنوی و علمی قرآن کریم.

#### معرفی مختصر قرآن کریم:

دربارهٔ ریشهٔ کلمهٔ «قرآن» از نظر زبان شناسان اختلاف زیادی وجود دارد اما در هر صورت قرآن به معنی مجموعهٔ قرائت شده است که از مجموعه های آیات متعدد آن سوره ها تشکیل شده و تعداد این سوره ها به 114 سوره میرسد که برخی آنها مکی (در مکه نازل شده) و برخی دیگر آنها مدنی (در مدینه نازل شده) میباشد، این کتاب به زبان عربی میباشد و حاوی مطالب مختلف اعتقادی، اخلاقی، احکام جزایی و مدنی، عبادات، قصه ها و مثالها میباشد.

قرآن کریم از لوح محفوظ به آسمان اول دنیا بطور مجموعی نازل شده است و سپس نظر به ضرورت در مواقع مختلف به وقفه های متعدد نجما نجما بر پیامبر گرامی حضرت محمد ﷺ در ظرف 23 سال نزول یافته است، نزول قرآن کریم برای پیامبر ﷺ که خواندن و نوشتن نمیتوانست در یک عصری صورت میگیرد که فصاحت و بلاغت، شعر و ادبیات رشد بیشتر داشته است، این خود دلیل روشنی است بر الهی بودن این کتاب که در فصاحت و بلاغت در حد کمال خود قرار داشته و هیچ بلیغ و فصیح عصر نتوانست چند آیتی به مثل آنرا بیاورد چطور ممکن است ساخته و پرداختهٔ یک شخص امی باشد، چنانچه قرآن کریم در این رابطه

میفرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

وَأَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۳﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا

وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

﴿ ۱:البقرة، 23-24 ﴾.

قرآن کریم در وقت زندگی حضرت محمد ﷺ جمع آوری گردیده است، زمانی که آیات قرآنی به یک مناسبت خاصی نازل میشد و توسط پیامبر گرامی ﷺ تلاوت میگردید، کاتبان وحی که بنا بر روایتی تعداد شان به 18 تن میرسید بزودی آنرا می نوشتند، حضرت علی بن ابی طالب، عبداللہ ابن مسعود، زید بن ثابت و معاذ بن جبل از جمله کاتبان مشہور وحی میباشند که آیات این کتاب سماوی را بر مواد مختلف می نوشتند، چون پوستهای حیوانات، استخوان کف شتر، برگ خرما، سنگهای هموار و غیره.

عربهای دورۀ جاهلیت در اول این کتاب الهی را قبول نکردند و آنرا سحر و یا شعر تصور می کردند اما پیامبر اسلام آنانرا به آوردن همچو سخنان دعوت کرد ولی هیچ یکی از آنان قادر به آوردن مثل آن نشدند، برخی از آنها در این زمینه کوشش فراوان نیز نمودند که کوچکترین توفیقی نصیب هیچ کدام شان نشد و معروفترین آنها عبارت بودند از مسیلمۀ کذاب، ابوالحسن بن یحی معروف به راوندی، ابوطیب و طلحہ بن خویلد. آخرین ترتیب و تنظیم قرآن کریم در عصر حضرت عثمان بن عفان رضی اللہ تعالیٰ عنہ صورت گرفت، در این ترتیب سوره های دراز در اول و سوره های کوتاه در اخیر قرآن کریم جابجا شده است و سورۀ الفاتحه از این قاعده مستثنی میباشد. (24: 215).

### اعجاز قرآن کریم:

پیامبران قبلی نیز دارای معجزات خاصی بودند و پیامبر اسلام ﷺ هم در پهلوی قرآن کریم دارای معجزات دیگری نیز بوده است اما این همه معجزات با قرآن کریم تفاوت داشت، این تفاوت را میتوان در سه مسأله ذیل نشان داد.

قرآن کریم تابع عصر و محیط خاصی نیست، سایر معجزات تابع عصر و محیط خاصی مربوط به همان پیامبر می بود، اما زمانی که عصر وقوع معجزه سپری میشد، معجزات نیز اهمیت خود را از دست میداد.

قرآن کریم معجزه عقلی و روحانی است، معجزات پیامبران قبلی حواس ظاهری را تحت نفوذ و تسخیر خود قرار میداد اما آیات متبرکه قرآن که از حروف متعارف و الفبای عربی تشکیل شده است چنان مفاهیم و حکمتها را در خود دارند که نه تنها در حواس ظاهری نافذ واقع میشوند بلکه عقل و روح، اندیشه و تفکر انسانی را نیز مورد تسخیر و نفوذ خود قرار میدهند. قرآن کریم خود را معجزه معرفی نموده و مردم را به «تحدی» دعوت کرده است، قرآنکریم مانند معجزات پیامبران قبلی نیست که پیامبر باید نزدیک معجزه خود حضور داشته باشد و مردم را به تحدی آن دعوت کند، قرآنکریم معجزه ای است که خود سخن میگوید و خود مردم را به مقابله به مثل خود فرا میخواند. دعوت به تحدی محدود به زمان پیامبر ﷺ نیست بلکه خطاب عام است و شامل حال همه آنانی است که قرآن کریم را کلام الله نه بلکه کلام خود پیامبر میدانند.

قرآنکریم هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنی و مفهوم یک معجزه دائمی است، ما چند نمونه این اعجاز را ذیلاً ذکر میکنیم:

### فصاحت و بلاغت :

فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآنکریم از اتهامات دشمنانش بخوبی معلوم میشود، دشمنان اسلام پیامبر ﷺ را مجنون میگفتند بخاطریکه از عادات و عبادات ناحق آنها پیروی کورکورانه نمیکرد. او را شاعر میگفتند در حالیکه شاعر نبود بخاطریکه آیات موزون و جملات زیبایی قرآن چنان تاثیر و هیجان را برپا میکرد که قویترین اشعار آنزمان این چنین تاثیر نداشت پس برای آنها تعبیر دیگری نبود جز اینکه پیامبر ﷺ را شاعر بگویند. پیامبر ﷺ را ساحر میگفتند بخاطریکه آیات کریمه قرآنی در دلهای فرزندان شان چنان چنگ میزد که از خانه، پدر و مادر جدا میشدند، این اتهامات خود نشان میدهد که نفوذ قرآنکریم آنقدر صریح و عمیق هست بود که آنرا یک امر عادی تصور کرده نمیتوانستند، دیگر آنها برای این نفوذ سریع قرآنکریم کدام اصطلاح دیگری را نیافتند که بگویند بلکه آنرا سحر تلقی نمودند.

### عمق معنی و عذوبت الفاظ:

ادیبان جهان یا به الفاظ ساخته های ادبی خود توجه دارند که زیبایی معناها را فدای آن میسازند و یا هم به مفاهیم و معانی ادبی خود توجه میکنند و زیبایی الفاظ را قربانی آنها میکنند، و آنانی

که هر دو جنبه را در نظر میگیرند و آنهم در اندازه محدود و ناقص آن تعداد شان خیلی اندک است، اما قرآن کریم محتویات و مفاهیم بزرگ علمی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را در الفاظ زیبا و جمله بندی های نهایت ظریف در بلند ترین حد اعجاز خود جابجا ساخته است.

### قاطعیت و صراحت:

در مراودات روزمره تجربه شده است آنانیکه با قاطعیت و صراحت سخن میگویند نسبت به آنانیکه در لفافه های جبن و ترس واقعیت های غیر قابل انکار را می پیچانند بیشتر مورد پذیرش و استقبال سایرین قرار میگیرند. قرآن کریم ابن صفت را در حد اعلی دارا است و با دشمنان دین از مجامله کار نمیگیرد و به بطلان نظر شان حکم قاطع مینماید.

### اخبار از غیب:

قرآنکریم از حوادثی، قصه و پیش بینی میکند که بعد از گذشت زمان صحت وقوع آن به اثبات میرسد یکی از این پیشبینی ها پیروزی روم در مقابل فارس است که در سوره الروم آمده است.

### بیان حقایق علمی:

قرآنکریم علاوه از اینکه یک کلام فصیح و بلیغ است، دارای مفاهیم عمیق، عذوبت الفاظ، قاطعیت و صراحت و حاوی اخبار از غیب نیز میباشد یک کتاب مملو از حقایق علمی نیز میباشد که بشر در این اواخر قادر شده است یک قسمت نا چیزی از این حقایق را کشف و معلوم سازد، ما در اینجا چند نمونه از این حقایق علمی را که قرآنکریم 14 قرن قبل پیش بینی نموده و از آن یاد آوری کرده است به اختصار ذکر مینماییم:

### الف- زوجیت در نباتات:

شاید این تصور که نباتات هم دارای نر و ماده استند از دیر زمانی به این طرف در بین مردم وجود داشت اما هیچ کسی بطور واقعی نمی فهمید که عملیه القاح در گیاهان به چنان شیوه ای صورت می پذیرد که در حیوانات انجام میشود. «لینه» اولین دانشمند نبات شناس اروپایی که در قرن 18 موفق به دریافت این حقیقت علمی گردید که گرده های مخصوص «نر» بر قسمت مادگی نبات افشاندن شده و عملیه القاح صورت میگیرد و بعد تخمه نبات بسته شده میوه یا بذر گلهها بوجود می آید. قرآنکریم مسأله زوجیت و القاح نباتات را زمانی بیان کرده

است که بشر در آن زمان اصلاً تصور آنرا کرده نمی توانست: « وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّىٰ » (1: طه، 53). و یا این آیه کریمه: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...» (1: الحجر، 22).

### ب- جاذبه زمین و سقوط اجسام:

قبل از اینکه «نیوتن» قانون سقوط اجسام بر مبنای قوه جاذبه زمین را کشف کند، مردم کم کم به وجود نیروی غیر مرئی در داخل زمین که همه چیز را به طرف خود جلب میکند، واقف بودند، اما نیوتن معلومات وسیعی را در این رابطه ارائه کرد و بعداً گفته شد که این قانون بر همه کرات، کواکب و سیارات مسلط میباشد و حتی شامل دو ذره کوچک و بی مقدار نیز میباشد. اما قرآنکریم هزار سال قبل از عصر نیوتن صریحاً به این حقیقت علمی اینطور اشاره میکند: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ.....» (1: الرعد، 2). و یا این آیه کریمه: «..... وَكُلُّ فِي فَلَكَ يُسَبِّحُونَ» (1: یس، 40).

### ج- حقایق طبی:

حقایق طبی زیادی در قرآن کریم بیان شده است که ذکر همه آن ها در این کتاب میسر نیست صرف به چند نمونه آن ذیلاً اشاره میکنیم: بسیاری از غیر مسلمانان قبول کرده نمیتوانستند که در تعیین کردن جنس مذکر و مؤنث جنین، پدر سهم اساسی داشته باشد اما بعدها ثابت گردید که کروموزمهای جنسی در زنها (X-X) و در مردها (X-Y) میباشد، X دارای کروموزمهای حامل جنس مونث و Y دارای کروموزوم حامل جنس مذکر میباشد که با یکجا شدن X مرد با X زن جنس مونث و با یکجا شدن Y مرد با X زن جنس مذکر تشکیل میگردد. قرآنکریم این حقیقت علمی را که الله ﷻ دو جفت (مذکر و مونث) را از نطفه ای که مردان میریزند بوجود آورده است در این آیه کریمه اینطور بیان میگردد کرده است: **وَأَنَّهُ**

خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٤٥﴾ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى ﴿٤٦﴾ (1: النجم، 45 -

46). و دیگر اینکه طبق معلومات طبیبان این پوست انسان است که درد را احساس میکند و وقتی پوست انسان تخریب شود احساس درد کاهش پیدا میکند، این حقیقت علمی را

قرآنکریم اینطور بیان میدارد: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمًا

نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنِهِمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾» (1: النساء، 56) و یا هم مراحل که برای تشکیل جنین در رحم مادر وجود

دارد در قرآنکریم چنین بیان شده است: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً

فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ

اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾» (1: المومنون، 14).

## تمرین

1. معنای لغوی قرآنکریم را با چگونگی نزول و ترتیب آن بیان دارید.
2. طرز نگهداری قرآنکریم را در اوایل نزول آن بیان دارید و اسمای کاتبان معروف وحی را ذکر کنید.
3. قرآنکریم بحیث معجزه عقلی با معجزات حسی پیامبران متفاوت است، این تفاوتها را توضیح دهید.
4. چگونه استدلال نموده میتوانید که قرآنکریم دارای فصاحت و بلاغت است؟
5. زیبایی الفاظ و عمق معانی قرآنکریم را ضمن یک مثال واضح سازید.
6. چند نمونه از قاطعیت، صراحت و اخبار از غیب قرآنکریم را ذکر کنید.
7. چند نمونه از حقایق علمی را که قرآنکریم به آن صراحت دارد ذکر کنید و تشریح نمایید.
8. قرآنکریم به حقایق طبی نیز اشاراتی دارد شما چند مثال آنرا توضیح دهید.
9. در این درس مصحف قرآنکریم را حاضر ساخته و عملاً به محصلان معرفی نمایید.



## درس سوم

### ارکان ایمان

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. توضیح اهمیت ارکان هفتگانه ایمان و موضوع الهیات طبق عقاید اسلامی.
2. توضیح مسایل مرتبط به ملائکه، کتابهای سماوی و پیامبران الهی.
3. توضیح مسایل مرتبط به روز آخرت، قضا و قدر الهی.

ارکان ایمان و اصول دین مقدس اسلام هفت رکن و اصل میباشد که در آیات کریمه قرآن و احادیث نبوی ذکر گردیده اند، و اگر کسی به این هفت رکن و یا یکی از آنها ایمان و باور نداشته باشد مسلمان گفته نمیشود بلکه او گمراه و کافر میباشد، چنانچه قرآن کریم میفرماید:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

بَعِيدًا ﴿١٦﴾ (النساء، 136) و پیامبر اسلام ﷺ وقتی که حضرت جبرائیل او را از ایمان سوال نمود چنین فرمود: «أَنْ تُوْمِنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ تُوْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَ شَرُّهُ» (روایت امام بخاری از ابوهریره).

ما در این درس به توضیح مختصر هر یکی از ارکان هفتگانه ذیل میپردازیم:

### ایمان داشتن به وجود الله جل جلاله:

ایمان داشتن به وجود الله ﷻ اساس جمیع ارکان ایمان را تشکیل میدهد، در دین مقدس اسلام به الله واحد و دارای ذات، صفات و اسماء خاص عقیده وجود دارد. الله ﷻ دارای ذات، وجود و صفت نفسی میباشد اگر کسی الله ﷻ را صرف معانی و صفات تصور کند و ذات را از وی نفی کند مؤمن گفته نمیشود.

الله ﷻ دارای صفات متعدد است که در تقسیم آن بین علمای عقاید اختلاف وجود دارد، برخی علما صفات الله ﷻ را به ذاتی و فعلی تقسیم نموده اند و برخی دیگری آنها را به صفات ثبوتی و

سلبی تقسیم کرده و برخی هم صفات کمال، جمال و جلال را به او تعالی نسبت داده اند.

صفات ثبوتیه الله ﷻ عبارت اند از صفت وجود (صفت نفسی) صفات معانی (صفات ذاتی) صفات معنوی، صفات افعال (صفات فعلی) و صفات متشابه و بلاکیف.

**صفت وجود (صفت نفسی)** چنانچه از نامش پیداست به موجودیت او تعالی دلالت دارد و علمای عقاید دلایل و براهین متعددی را بر وجود الله ﷻ اقامه نموده اند.

**صفات معانی (صفات ذاتی)** عبارت از آن صفات الله ﷻ اند که او تعالی به ضد آنها موصوف نمیشود مانند: حیات، قدرت، علم، اراده، کلام، بصر و سمع.

**صفات معنوی** عبارت از توابع صفات ذاتی میباشد و در آنها ذات مع الوصف در نظر گرفته شده است، مانند: حی بودن، قادر بودن، عالم بودن، مرید بودن، متکلم بودن، بصیر بودن، سمیع بودن.

**صفات افعال (صفات فعلی)** عبارت از آن صفاتی اند که الله ﷻ به ضد آنها نیز موصوف شده میتواند، مانند: تخلیق، ترزیق، اعزاز، اذلال، احیاء، اماتت و غیره از این نوع صفات.

**صفات متشابه و بلاکیف** عبارت از آن صفاتی اند که در نسبت دادن آنها به الله ﷻ مشابهت به ذهن برخی اشخاص خطور میکند، مانند: نسبت دادن ید، وجه، نفس و عین به الله ﷻ.

الله ﷻ دارای 99 نام نیکو (اسماء الحسنی) میباشد که این نامها توقیفی میباشد اما علاوه از آنها ما میتوانیم الله ﷻ را به سایر اسماء نیز مسمی بسازیم مشروط بر اینکه در آن اسماء عظمت، بزرگی و جلال الله ﷻ نشان داده شود.

الله ﷻ دارای پنج صفت دیگر نیز میباشد: 1- توحید که توسط آن جمیع انواع شرک اکبر و اصغر، ثنویت و تثلیث نفی و سلب می شود. 2- قدم که توسط آن حدوث از ذات الله ﷻ نفی و سلب میشود. 3- بقاء که توسط آن فناء و نیستی از ذات الله ﷻ نفی و سلب میشود. 4- قیام به نفس که توسط آن، صفات قایم به غیر، از او تعالی سلب میشود. 5- مخالفت با حوادث که توسط آن صفت موافقت با حوادث از الله ﷻ نفی و سلب میشود (39: 38-39).

**ایمان داشتن به وجود ملائکه:**

بر هر مؤمن واجب است به وجود ملائکه ایمان و باور داشته باشد، ملائکه اجسام غیبی لطیفی اند که به اشکال مختلف خود را متشکل کرده میتوانند، ما در مورد آنها صرف آنقدر گفته میتوانیم که در نصوص دینی ما راجع به ثبوت آنها دلایل وجود دارد. و خصوصیات ذیل به ملائکه نسبت داده شده است:

- ا. آنها از نور بوجود آمده اند.
  - ب. آنها ارواح مجرده نبوده بلکه چنان اجسام لطیفی اند که ما آنها را دیده نمیتوانیم.
  - ج. آنها دارای بالها اند که برخی ایشان دارای دو دو بال و برخی دیگر دارای سه سه بال و یا چهار چهار بال میباشند. و حضرت پیامبر اسلام ﷺ حضرت جبرائیل را دید که دارای شش صد بال بوده است.
  - د. آنها نه میخورند نه مینوشند و نه می خوابند و نه هم توالد و تناسل میکنند.
  - ه. آنها به اشکال نیکو و مختلف متشکل شده میتوانند.
  - و. آنها دارای قدرت فوق العاده اند، مانند طی کردن مسافه های دور در وقت کم، حمل اشیاء ثقیل، مانند کوها و شهرها.
  - ز. آنها قبل از خلقت حضرت آدم ﷺ خلق شده اند.
  - ح. آنها نا فرمانی الله ﷻ را نمیکند و چیزی که الله ﷻ برایشان امر کند آنرا انجام میدهند.
  - ط. آنها از الله ﷻ بسیار زیاد میترسند.
  - ی. آنها به الله ﷻ مقرب و نزد او تعالی مکرم میباشند.
- راجع به تعداد شان معلومات دقیق وجود ندارد، الله ﷻ تعداد آنها را میداند.
- ملائکه دارای وظائف مختلف اند، مانند آوردن وحی، آماده کردن اسباب رزق، نفخ صور، قبض ارواح، نگهداشتن انسان از شر هر صاحب شر، نفخ ارواح در اجنه و نوشتن تمام کیفیات آنها، نوشتن اعمال مکلفین، مواظبت از امور اهل آتش، بشارت دادن به مؤمنان در وقت مرگ و غیره.

## ایمان داشتن به وجود کتابهای سماوی:

ایمان داشتن به وجود کتابهای سماوی هم یکی از ارکان و فرائض ایمان میباشد. از نصوص دینی ما اینطور معلوم میشود که تعداد کتابهای سماوی به قدر تعداد رسولان سماوی است که ما مکلف ایم به همه آنها اجمالاً ایمان داشته باشیم اما چهار کتاب سماوی در قرآن کریم به صراحت ذکر شده است که ایمان تفصیلی بالای آنها واجب میباشد، این چهار کتاب عبارت اند از زبور که بر حضرت داود علیه السلام نازل شده است، تورات که بر حضرت موسی علیه السلام، انجیل که بر حضرت عیسی علیه السلام و قرآن کریم که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است.

### در مورد صحائف بین علما سه قول معروف وجود دارد:

الف- صد صحیفه وجود دارند که 60 صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام، 30 صحیفه بر حضرت ابراهیم علیه السلام و 10 صحیفه بر حضرت موسی علیه السلام قبل از نزول تورات نازل شده است.  
ب- صد صحیفه وجود دارند که 50 صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام، 30 صحیفه بر حضرت ادريس علیه السلام، 10 صحیفه بر حضرت ابراهیم علیه السلام و 10 صحیفه بر حضرت موسی علیه السلام نزول یافته است (16: 247-251).

ج- صدو ده صحیفه وجود دارند که 50 صحیفه بر حضرت شیث علیه السلام و 30 صحیفه آن بر حضرت ادريس علیه السلام و 20 ضمیمه آن بر حضرت ابراهیم علیه السلام و در 10 صحیفه باقیمانده اختلاف وجود دارد برخی میگویند بر حضرت آدم علیه السلام نازل شده است و برخی دیگری میگویند که بر حضرت موسی علیه السلام نازل گردیده اند.  
اما نظر صائب آنست که از حصر عدد صحایف جلوگیری شود.

## ایمان داشتن به بعثت انبیاء و رسل الهی علیهم السلام :

بر هر مؤمن مکلف فرض است که بطور اجمال به بعثت تمام انبیاء و رسل علیهم السلام ایمان داشته باشد. برخی علمای عقاید اسلامی نبی و رسول را اسماء مترادف و دارای معنی واحد دانسته و اینطور تعریف نموده اند: نبی و یا رسول عبارت از آن فرستاده الله ﷻ میباشد که بر او وحی و الهام صورت گرفته باشد برابر است که دارای کتاب و شریعت جدید باشد و یا خیر.

ولی برخی علما بین نبی و رسول فرق قایل شده اند و چنین تعریف کرده اند: نبی عبارت از آن فرستاده الله ﷻ است که بر او شریعت وحی شده باشد برابر است که به تبلیغ ان مامور شده

باشد و یا نه و رسول عبارت از آن فرستادهٔ الله ﷺ است که بر او شریعت نازل شده باشد و هم مأمور به تبلیغ آن گردیده باشد.

بنابر این تعریفات نبی عام و رسول خاص میباشد. نظر به حدیث پیامبر اسلام ﷺ که حضرت ابوذر غفاری آنرا روایت کرده است تعداد انبیاء در حدود یکصد و بیست و چهار هزار تن بوده در حالیکه تعداد رسل سه صد و سیزده نفر میباشد.

### ایمان داشتن به روز آخرت:

بر هر مکلف واجب است ایمان داشته باشد بر اینکه بعد از مرگ دوباره زنده شدن حق است و روز قیامت قائم میشود که در آن روز تمام حسنات و سیئات مردم محاسبه میشود و محاکمه الهی انجام میشود، متقیان به فضل الله ﷺ به جنت برده میشوند و کافران به اساس عدل الهی رهسپار دوزخ میگردند.

### ایمان داشتن به قضاء و قدر:

بر هر مکلف واجب است ایمان داشته باشد بر اینکه همه امور اعم از خیر و شر از جانب الله ﷺ مقدر شده است و طبق تقدیر الهی بوقوع می پیوندند. خالق اعمال بندگان الله ﷺ بوده و کاسب آن خود بندگان میباشند. انسان فاعل مختار اعمال خود میباشد.

### زنده شدن بعد از مرگ:

بر هر مکلف واجب است ایمان داشته باشد که مرگ انسان پایان زندگی او نبوده بلکه در حقیقت پلی است که انسان را از زندگی فانی این دنیا به زندگی جاویدانی و مخلد آخرت منتقل میسازد. انسان بعد از مرگ و اینکه مرحلهٔ برزخی که حائلی است بین دنیا و آخرت سپری شود دوباره زنده میشود و بعد از محاسبهٔ اعمال راهی یکی از این دو سرای (جنت یا دوزخ) میشوند و در آنجا ها برای دایم باقی میمانند.

## تمرین

1. اهمیت اعتقاد داشتن به ارکان هفتگانه ایمان را توضیح مختصر دهید.
2. صفات ثبوتیه الله ﷻ را به دسته های مربوطه آن تقسیم نمایید و بعد هر کدام آنرا اجمالاً بیان کنید.
3. راجع به اسمای حسنی الله ﷻ چه میدانید؟ شرح دهید.
4. خصوصیات، تعداد و وظائف ملائکه را به اختصار بیان دارید.
5. راجع به تعداد کتب و صحایف سماوی در صنف جبرو بحث نمایید.
6. بعداز تعریف نبی و رسول تعداد آنها را طبق حدیث پیامبر ﷺ بیان کنید.
7. اعتقاد به روز آخرت را با کمی تفصیل توضیح دهید.
8. راجع به قضاء و قدر که یکی از موضوعات بحث انگیز علم عقاید اسلامی است طی کار گروهی معلومات کاپی را ارائه کنید.
9. برای پیشبرد درس از منابع معتبر و مواد درسی مناسب استفاده نمایید.

## درس چهارم

### ایمان داشتن به مغیبات

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. معرفی مختصر مغیبات.
2. معرفی مختصر جن، شیاطین، قلم، روح، عرش و کرسی.
3. معرفی مختصر روح، نفس، عقل، پل صراط، جنت و دوزخ.

منظور از مغیبات عبارت از آن چیزهای است که در عالم غیب وجود دارند و ما قادر نیستیم آنرا ببینیم و یا راجع به آن بدون سمع و شنیدن نصوص دینی معلومات دهیم. از جمله این امور غیبی یکی هم فرشتگان است که موجودات مقرب الهی استند و از چشمان ما غایب میباشند و ما در درس گذشته راجع به آنها معلومات مختصر ارائه نمودیم و برخی دیگر این چنین امور را ذیلاً به اختصار بیان میداریم:

#### جن:

جن در لغت به معنی استتار و پوشیده گی است و در اصطلاح شریعت اسلامی عبارت از آن موجوداتی اند که به چشم دیده شده نمیتواند و ما از طریق حس و تجربه به آنها دست یافته نمیتوانیم، از آتش آفریده شده و موجودات مکلف میباشند.

ما از لحاظ دینی مکلف استیم تا به وجود جن ایمان داشته باشیم و منکر وجود آنها از دایره اسلام بیرون میباشد. جن ها دارای صفات ذیل میباشند:

- الف- آنها قبل از پیدایش حضرت آدم علیه السلام خلق گردیده اند.
- ب- آنها توالد و تناسل دارند و دارای ذریه میباشند.
- ج- ما جنها را دیده نمیتوانیم در حالیکه آنها میتوانند ما را ببینند.
- د- آنها موجودات مکلف به شریعت اسلامی اند و دارای اراده، اختیار، علم و معرفت میباشند.
- ه- آنها هم در مورد پذیرش عقیده به ادیان سماوی مختار اند، برخی از آنها کافر و

برخی دیگر مؤمن میباشند.

و- آنها در روز آخرت مانند انسانها مورد محاسبه الهی قرار میگیرند.

ز- آنها دارای قدرت فوق العاده استند، در بحرهای شناوری کرده و عمارتهای بزرگ را ساخته میتوانند.

ح- آنها در گذشته از فرشتگان در آسمانها استراق السمع میکردند ولی آهسته آهسته ساحه رفت و آمد آنها محدود شده است در زمان حضرت عیسی علیه السلام از سه آسمان منع کرده شدند و با بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله آنها از تمام آسمانها ممنوع ساخته شدند ( 27: 1010).

ط- آنها قادر اند به اشکال مختلف خود را در بیاورند و در بعضی اوقات قابل دید میباشند و بر انسانهای عالم و نیکوکار تسلط پیدا کرده نمیتوانند. قرآنکریم در زمینه چنین

میفرماید: «وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا أَن دَعَوْتَكُمْ فَأَسْتَجِبْتُمْ لِيَ» (1: ابراهیم، 22).

### شیطان:

معنای لغوی شیطان تمرد، بُعد و یا هلاک است، چه شیطان از رحمت پرودگار بعید میباشد و یا هم در نهایت کارش به هلاکت میرسد. هدف از شیطان در اینجا ابلیس است که خود از جمله جنها میباشند. چون شیطان از جمله جنها است پس بسیاری از صفات و خصوصیات جنها را دارا میباشد اما در برخی صفات با جنها متفاوت است مثلاً در بین شیاطین مؤمن به دین سماوی وجود ندارد، وظیفه آنها گمراه ساختن انسانها است، در آخرت مورد محاکمه الهی قرار میگیرد اما فیصله الهی قبلاً معلوم میباشد. شیطان دارای قدرت و نفوذ بیشتری در وجود انسانهای ضعیف الایمان میباشد.

### قلم:



قلم یک مخلوق و موجود ﷺ است که توسط آن تمام مقادیر، روی لوح نوشته شده است. در مورد اولین مخلوق الهی که آیا قلم است و یا عرش؟ بین علمای عقاید اختلاف وجود دارد، تعدادی از علما قلم را اولین مخلوق دانسته اند و حدیث معروف پیامبر اسلام ﷺ را که در سنن ابی داود ذکر است در این رابطه می آورند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ». اما علمای دیگر عرش را اولین مخلوق میدانند و به این حدیث پیامبر گرامی ﷺ تمسک مینمایند: «كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ لَفْظَةً وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (صحیح مسلم: 2، 300). این دسته علما حدیث مربوط به قلم را بر این حمل میکنند که قلم اولین مخلوق این عالم است نه آن عالم.

چنانچه در برخی احادیث ذکر میشود الله ﷻ قلمهای متفاوتی را خلق کرده است که: مهمترین همه اقلام قلمی است که راجع به آن قبلاً بحث شد. قلم دیگری هم وجود دارد مخصوص بنی آدم که توسط آن رزق ها، اجلها، سعادت و شقاوت اولاد آدم تحریر میشود. قلم دیگر، مخصوص اجنه است که توسط آن حالات مختلف یک جنین توسط ملائکه نوشته میشود. قلم دیگر مخصوص ملائکه کرام الکاتبین است که آنها توسط این قلم تمام اعمال یک شخص را بعد از بلوغ مینویسند.

### لوح:

لوح هم مانند قلم یک مخلوق و یک موجود دیگر پروردگار است که الله ﷻ همه کیفیات مخلوقات را توسط قلم روی آن تحریر میکند. طبق حدیث پیامبر اسلام ﷺ لوح محفوظ، از مروارید سفید ساخته شده است که دو وقایه آن از یاقوت سرخ میباشد، قلمش از نور بوده و عرض آن بین آسمان و زمین میباشد.

### عرش:

عرش در لغت به معنای سریر و تخت پادشاه است و در اصطلاح یک موجود و مخلوق الله ﷻ میباشد که فرشتگان آنرا حمل نمایند و حیثیت سقف بر مخلوقات را دارد.

### کرسی:

کرسی هم یک مخلوق و موجود دیگر الله ﷻ میباشد که در پیشگاه عرش قرار دارد و بر تمام آسمانها و زمین وسعت و گسترش یافته است، در برخی قولها کرسی جای قدمها ذکر شده

است اما در برخی قولهای دیگر کرسی زینه ای است که در پیشروی عرش قرار دارد.

### روح:

راجع به روح جروبحثهای زیادی صورت گرفته است، برخی آنرا جسم و برخی آنرا عرض و تعدادی هم در مورد آن اظهار بیخبری نموده اند. عده ای از علما روح را عبارت از اعتدال طبایع چهارگانه دانسته اند، از نظر برخی روح عبارت از خون صاف بدون عفونت ذکر شده است و هم عده ای آنرا جوهر بسیطی دانسته اند که در تمام عالم حیوانی شایع میباشد. خلاصه اینکه روح مخلوق و مامور پروردگار میباشد و به ماهیت آن جز الله ﷻ کس دیگری نمیداند.

### نفس:

در مورد نفس هم این اقوال وجود دارند: که نفس جزئی از اجزای بدن است، نفس عرضی از اعراض بدن است، جوهر مجرد است، روح است، و بالاخره نفس جسم نورانی، خفیف، زنده متحرک است که در جوهر اعضا چنان انتقال و جریان می یابد مانند جریان آب در گل و یا سریان روغن در زیتون و این جریان تا زمانی ادامه پیدا میکند که اعضا فاسد نشده باشد.

### عقل:

عقل عبارت از غریزه ای است که در صورت سلامت آلات، سبب کسب علم میشود، یا عبارت از قوه نفس است که بواسطه آن نفس برای کسب علوم و ادراکات آماده میشود.

### پل صراط:

صراط در لغت به معنای طریق و راه است و در اصطلاح شریعت به آن ره و طریقی گفته میشود که از طرف شارع در دنیا برای انسانها وضع شده است تا همه به آن راه بروند و یا هم صراط مربوط به آخرت بوده و به آن پلی اطلاق میشود که روی آتش دوزخ گذاشته میشود تا همه مردم به عبور از آن آماده میشوند، مومنان این پل را به آسانی و سرعت می پیمایند اما کافران از آن در آتش جهنم سقوط مینمایند. حدیثی که از نبی کریم ﷺ روایت شده است پل

صراط باریکتر از موی و تیزتر از شمشیر میباشد، پیامبر ﷺ اولین کسی است که با امت خود از آن پل عبور میکند (16: 438-441).

### جنت:

جنت از ماده «جَنَّ» و به معنای ستر و پوشیدگی است که زمین آن هم توسط گلها و درختان پوشیده شده است و در اصطلاح شریعت عبارت از آن سرایی است که در آخرت برای بندگان مومن و صالح آماده شده است. از نظر جمهور اهل سنت جنت و دوزخ هر دو مخلوق و فعلاً موجود میباشند. جای جنت بالاتر از آسمان هفتم و سقف آن عرش الله ﷻ است، طبق حدیث پیامبر ﷺ او اولین کسی است که داخل جنت میشود، قرآنکریم راجع به صفات و میوه های جنت به تفصیل سخن گفته است.

### دوزخ:

دوزخ عبارت از آن محلی است که برای کافران و گنهگاران آماده شده است و دارای هفت طبقه و درک میباشد: جهنم، سعیر، لظى، سقر، جحیم، هاویه و حطمه. طبق حدیث رسول کریم ﷺ اگر صخره بزرگی در دوزخ رها گردد در مدت هفتاد سال بازهم به قعر آن نمیرسد. طعام اهل دوزخ یا زقوم (درخت دوزخ) یا ضریع (نبات خاردار) و یاهم غسلین (آب و ریمی از بدن دوزخیان) میباشد. راجع به چگونگی و انواع عذابهای دوزخ در قرآنکریم و احادیث نبوی ﷺ تذکر بعمل آمده است.

## تمرین

1. وجه تسمیه مغیبات را به این اسم بیان دارید.
2. معنای لغوی و اصطلاحی جن را با خصوصیات آن توضیح دهید.
3. معانی شیطان را ذکر نمایند و تفاوت‌های آنرا با جن شرح کنید.
4. در رابطه با اولین مخلوق الله ﷻ چه میدانید؟ آن را با انواع اقالام و وضاحت دهید.
5. لوح، این مخلوق و موجود الهی را معرفی کنید.
6. عرش و کرس را در روشنی احادیث پیامبر اسلام ﷺ مورد جروبحت قرار دهید.
7. روح، نفس و عقل را تعریف کنید و اختلاف علما را در زمینه بیان دارید.
8. پل صراط، جنت و دوزخ را طبق آیات کریمه و احادیث نبوی معرفی نمایید.

## درس پنجم

### عبادات و معاملات

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

### اهداف:

1. معرفی مختصر مسایل مرتبط به عبادات چهارگانه شریعت اسلامی.
2. معرفی نظام خانوادگی، نظام میراث و معاملات مشهور شریعت اسلامی.
3. معرفی نظام جنایی شریعت اسلامی با ذکر مختصر ادله شرعی.

### عبادات:

در دین مقدس اسلام بعد از اعتقادات توجه به بخش عبادات صورت میگیرد، زیرا ایمان بیشتر جنبه اعتقادی و باوری دارد در حالیکه اسلام بیشتر جنبه عملی را در بر میگیرد و پنج امری که جنبه عملی آن قویتر است پنج بنای اساسی اسلام را میسازند، آنها عبارت اند از: اعتقاد و به زبان گفتن کلمه طیبه (لا اله الا الله محمد رسول الله) پویا کردن نماز، گرفتن روزه در ماه رمضان، دادن زکات از نصاب معین، دارای رفتن به ادای حج بیت الله شریف برای کسانی که استطاعت آنها داشته باشند. در کتب فقهی چهار بنای اخیر اسلام را به تفصیل شرح و توضیح میکنند که برخی نکات اساسی هر کدام آنها ذیلاً ذکر میشود:

### برخی نکات اساسی نماز:

انواع نماز ها (نمازهای پنج وقت، نماز جمعه، نمازهای عیدها، نماز جنازه، نمازهای سنت، نمازهای نفلی).

طرز ادای نمازهای مختلف.

شروط ادای نماز.

فرضها، واجبات و سنن نماز.

فواید نماز جماعت.

بیان فلسفه و حکمت ادای نماز.

اثر نماز در تهذیب نفسها.

### برخی نکات اساسی گرفتن روزه:

- شرح انواع روزه ها.
- چگونگی گرفتن روزه.
- حکمت و فلسفه فرضیت روزه.
- روزه در ادیان سماوی گذشته.

### برخی نکات اساسی زکات:

- شرح انواع نصابها.
- شرح مقادیر زکات در نصابهای مختلف.
- مصارف زکات (مستحقین اخذ زکات).
- حکمت و فلسفه فرضیت زکات.
- جایگاه زکات در نظام مالی اسلام.

### برخی نکات اساسی ادای حج:

- ادای حج بر کدام اشخاص فرض میباشد؟
- چگونگی ادای فريضه حج.
- حج قبل از اسلام
- حکمت و فلسفه فرضیت حج.
- حج بعنوان اجتماع سالانه، مسلمانان جهان.

### نظام خانواده:

- خطبه (خواستگاری).
- عقد ازدواج.
- ارکان عقد ازدواج.
- شروط عقد ازدواج.
- حقوق و امتیازات زوجین در برابر یکدیگر.
- واجب و مسؤولیتهای زوجین در برابر یکدیگر.
- چگونگی حل مشکلات احتمالی بین زوجین توسط حکمها.

فسخ عقد ازدواج.

تفریق.

خلع.

وقوع طلاق با انواع مختلف آن.

سپری کردن عدت در حالات مختلف.

### تعدد زوجات:

سیر تاریخی تعدد زوجات.

تعدد زوجات در شریعت اسلامی.

حکمت و فلسفه مشروعیت تعدد زوجات.

مقام زن در شریعت اسلامی.

مقام زن از دیدگاه قرآن کریم.

مقام زن از دیدگاه احادیث نبوی ﷺ.

حقوق و امتیازات زن در شریعت اسلامی.

وجایب و مسئولیتهای زن در شریعت اسلامی.

### نظام میراث در شریعت اسلامی:

شرح و معرفی ذوی الفروض.

شرح و معرفی عصبات.

شرح و معرفی ذوی الارحام.

شرح احوال مستحقین میراث.

حقوقی که بر متروکه تعلق میگیرد.

چگونگی صورت مسأله و حل آن.

**معاملات:**

در فقه شریعت اسلام بعد از شرح مطالب مربوط به عبادات مسایل مربوط به معاملات شرح و توضیح مفصل میگردد که در ذیل برخی انواع معاملات را صرف نام میبریم:

بیع و شراء.

اجاره.

مزارعت.

مساقات.

مغارسه.

شرکتها.

مضاربت.

حواله.

ضمانت و كفالت.

وكالت.

اركان هريك از معاملات.

شروط هر يك از معاملات.

صلح و حل منازعه ناشی از معاملات.

حكمت و فلسفه مشروعیت معاملات.

**جنایات:**

جنایت بر دین.

جنایت بر نفس.

جنایت بر مال.

جنایت بر عرض و آبرو.

جنایت بر عقل.

شرح حالات مختلف هر يك از جنایات.

عقوبات و جزاهای مرتبه بر هر کدام از جنایات.

قصاص در نفس.



قصاص در مادن نفس.

دیات.

کفارات.

جلد (دره).

تعزیرات.

اعدام.

حبس.

جزاهای مالی.

تشمیر.

### اصول و ادله اتفاق فی فقه اسلامی:

کتاب الله.

سنت نبوی ﷺ.

اجماع امت.

قیاس.

### اصول و ادله اختلافی فقه اسلامی:

مصالح مرسله.

سد ذرایع.

استحسان.

استصحاب الحال.

عرف.

قول صحابی.

شرایع قبلی.

## تمرین

1. در دین مقدس اسلام چرا ابتدا اعتقادیات و بعد عبادات و معاملات دارای اهمیت می باشد؟  
با دلیل توضیح دهید.
2. موضوعاتی که در بخش عبادات توضیح می گردد مهمترین آنها را نام ببرید.
3. نظام خانوادگی دین مقدس اسلام را مختصراً معرفی کنید.
4. در علم میراث فهم کدام موضوعات اهمیت زیاد دارد؟ توضیح دهید.
5. حکمت مشروعیت تعدد زوجات را بطور مستدل بیان دارید.
6. جایگاه و مکان زن را در شریعت اسلامی در صنف جرو بحث کنید.
7. معاملات مشهور را با نظام جنایی شریعت اسلامی مختصراً شرح نمایید.
8. ادلهٔ اتفاقی و اختلافی فقه اسلامی را در کار گروهی معرفی کنید.

# فصل چہارم

ادیان وضعی

## درس اول

### ادیان متروکه جهان

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

1. معرفی کردن سیمای دینی اقوام ابتدایی از دیدگاه جامعه شناسان.
2. ارائه معلومات در مورد ارباب الانواع، الهیات و حالت دینی و حقوقی بین النهرین
3. ارائه معلومات در مورد ارباب انواع، الهیات و حالت دینی و حقوقی حیتیان، فروگیان و فنیقیان.
4. شرح چگونگی دسترسی به حالت اجتماعی و دینی مصر قدیم.
5. شرح و بیان عقاید دینی اقوام قدیم جرمن، سلت، یونان و روم باستان.

#### الف - طبیعت پرستی:

از نظر جامعه شناسان و مورخین طبیعت پرستی از اولین عکس العملهای دینی بدوی ترین مردم جهان قدیم دانسته شده است که بنام توتمیسم نیز شهرت دارد، کلمه توتم را بومیان امریکای شمالی بکار برده است که توسط یک نفر بومی که لنگ نام داشت و کتابش در سال 1791 در انگلستان به نشر رسید منعکس گردیده است. بومیان امریکای شمالی شاید اولین کسانی باشند که عقاید مربوط به طبیعت پرستی (توتمیسم) را مطالعه و تجربه نموده اند. از نظر برخی محققان اروپایی کشور استرالیا هم محلی است که عقاید طبیعت پرستی، بخوبی در آن نگهداری شده است.

اصول اساسی عقیدوی دین طبیعت پرستی (توتم) عبارت اند از توتم، مانا و تابو. توتم به معنی شی پاک و مقدس است، افراد یک قبیله و یا یک طائفه نام برخی از موجودات و اشیای طبیعی را توتم میگذارند و تمام افراد آن قبیله و طائفه آنها را یک شی مقدس و دارای خصوصیات فوق العاده میشمارند. توتم گاهی از حیوانات و پرندگان، مانند گاومیش، باز، عقاب و طوطی و گاهی از گیاهان، مثل درخت چای و غیره و گاهی هم از اشیای طبیعی، مثل ستاره گان، باد، باران و

دریا انتخاب میشود ( 12: 35-36). و زمانی که توتم انتخاب شد این توتم نام قبیله و طائفه میگردد و افراد آن بنام آن توتم یاد میشوند و حتی بعد از مرگ، علامه ای از توتم قبیله خویش را با خود میبرند، مثلاً اگر توتم یک قبیله گاومیش باشد موهای مرده آن قبیله را بشکل شاخهای گاومیش تیار میکنند، و اگر توتم آنها پرنده باشد موهای آنرا مثل بالهای آن پرنده شکل میدهند.

مانا کلمه ملانزی بوده و عبارت است از رب النوعی که اقوام بدوی آنرا عبادت میکنند، این رب النوع کاملاً بی نام و نشان و بدون شخصیت و تاریخ است و نیرو و نفوذی است غیر مادی و مافوق طبیعی که بواسطه قدرت مادی و یا هر نوع قدرت و برتری که انسان دارا است ظاهر میشود، جای مانا معلوم نیست و در همه جا وجود دارد و در تمام موجودات طبیعی و شعارهای مقدس مشترک است (8: 94).  
تابو کلمه پلینزی و به معنی «نهی» است که مجموعه ای از آن محرمات را دربر دارد که در دین طبیعت پرستی (توتم) وجود دارد، توسط تابو اعمال و اشیای نیک و زشت ازهم متمایز میشود، در این دین کندن و خوردن سبزیجات، کشتن و خوردن گوشت حیواناتی که دارای قدرت توتم باشند حرام دانسته شده است.

### ب- روح پرستی (فتیشیسم):

این اصطلاح در قرن 18 میلادی به علم تاریخ ادیان وارد شد. «فتیش» به آن چیزهایی اطلاق میشود که دارای نیروی جادویی باشد و گاه این کلمه برای آلات و ابزار ساحرانه نیز استعمال میشود، از نظر این دین موجودات دارای قدرت کم و بیش شبیه بروح انسانی اند (12: 32). پیروان این دین نیز به مانا، تابو و پرستش نیاکان معتقد اند، در نظر آنها روح وجود دارد و در برخی از قسمت های انسان، مانند چربی بدن جای دارد، روح میتواند بدن را موقتاً ترک کند، بعد از مرگ روح در پهلوی جسد قرار میگیرد و از جسد مراقبت میکند.

### دین بین النهرین:

زمانیکه باستانشناسان اروپایی حفیاتی را در مصر انجام دادند برای بار اول توجه آنها به بین النهرین نیز جلب گردید.

محقق فرانسوی بنام بوتا در سال 1842 به شهر موصل فرستاده شد، شهریکه در کنار دجله موقعیت دارد و تصمیم داشت تا شهر قدیمی نینوا را جستجو و دریافت کند، بعد از کندنکاریهای متعدد مجسمه های بزرگ گاو بالدار دریکی از تپه ها بدست آمد که متعلق به قصر سارگون پادشاه آشور بود. بعداز آن محققان زیادی دست بکار شدند و تپه ها را تحت جستجو قرار دادند تا شهر نینوا را از آن بیرون کشند تا اینکه محقق انگلیسی لایارد موفق شد خرابه های شهر نینوا را یکجا با کتابخانه آسوربانی پال از زیر خاک بیرون کشد، این کتابخانه دارای هزاران لوحه گلی بود که بعد از نوشتن در کوره های آتش پخته شده بودند این لوحه ها مملو از خطوط میخی بود که به شکل میخ ها، زوایا و سه گوشه ها حک شده و نزد مابه خط میخی و نزد فرانسویان به خط زاویه مانند معروف میباشد، چند سال گذشت تا این خط برای محققان قابل فهم گردید، این کار توسط رالنسن انگلیسی و اوپر فرانسوی در سال 1857 انجام شد و آنها توانستند تایکی از الواح آشور را خوانده و ترجمه کنند و با این کار یک صفحه جدیدی برای راه گشایی به سوی تمدنهای قدیم باز گردید (32 : 93).

تمام معلوماتی که امروز ما در باره بین النهرین، وضع سیاسی، نظامی، فرهنگی و دینی آن داریم از همین منبع موثق که محتویات الواح بدست آمده است، سرچشمه میگیرد.

بعد از دقت در اسناد دینی بین النهرین معلوم میشود که ساکنان این سرزمین از لحاظ دینی متأثر از دین توتم و فتیش بودند، از نظر ساکنان بین النهرین عقاب، گاونرو شیر مقدس دانسته شده است و ارواح در آفتاب، مهتاب و ستارگان قرار داشته که در آینده به هیأت ارباب الانواع نمایان شدند، هر شهر دارای رب النوع مخصوص بود واز نظر آنها مردوک رب النوع خالق میباشد، تعداد ارباب الانواع آشور و بابل بسیار زیاد است که در یک روایت ارباب الانواع و فرشتگان مورد اعتقاد آنان به هفت هزار تن میرسند.

مردم قدیم بین النهرین در مورد الهیات به دو نوع تثلیث معتقد بودند یکی تثلیث اول یا اعلی و دیگری تثلیث دوم. در تثلیث اعلی انلیل یا (بل) رب النوع هوا و زمین است، آنو رب النوع

بزرگ آسمان است و ای رب النوع اقیانوس اول است.

در تثلیث دوم شمس رب النوع عدالت و قاضی بزرگ جهانیان است، سپس رب النوع مهتاب است و ایشتر رب النوع زهره، زمانی رب النوع نیکخواه است و زمانی هم رب النوع جنگ و شهوت است و کوشش میکند اولاد آدم را فریب دهد و عاشق سازد.

از نظر مردم آشور و بابل ارباب الانواع موجودات توانا، ابدی، دارای صفات بشری، ساکن آسمانها و دور از دست برد بشر اما نیازمند به عبادت، خدمت و میزبانی مردم زمین هستند و غرض آنها از خلقت بشر هم همین مسأله است و هر رب النوع شهری را در اختیار دارد که با اهل بیت خود به شکل مجسمه ها در آن منزلت داشته و رب النوع شهر بحساب میرود که اگر هر شهر همچو رب النوعی نداشته باشد شهر با تمام هست و بودش از میان خواهد رفت.

### دین حیتیان، فروگیان و فنیقیان:

قبل از تمدن فنیقیان امپراطوری معظم حیتی در آسیای غربی و بطور خاص در کار پاس وجود داشته، هندیها و اروپائیان مردم حیتی را تحت تسلط خود در آوردند اما کشور حیتی را بنام قبلی خود باقی گذاشتند، در این امپراطوری که تقریباً دو هزار سال قبل از میلاد فعالیت نیمود عقاید مربوط به «توتم» در آنجا رواج بیشتر داشت و حیوانات مختلف از جمله مارهای پاک و گاوهای نر مورد اعتقاد مردم قرار دارند، ملکه حیتی بنام آرینا رب النوع آفتاب بود و شوهرش رب النوع طوفان میباشد. و به اساس برخی شواهد فروگیان عقاید دینی را از مردم حیتی به ارث برده اند.

فروگیان در سال 1180 ق. م محلی را بنام تروا تحت تسلط خود در آوردند و در حیتی جابجا گردیدند، فروگیان در ترکیه و بطور خاص در انقره مرکز قدرت خود را بنا نهادند و در مقابله با مصر و آشور خود را آماده ساختند. رب النوعی بنام «ما» را لقب جدید کوبل دادند و آنرا به خدایی انتخاب کردند، این رب النوع بعنوان مراقب طبیعت و زمین بکر مورد پرستش آنها قرار داشت.

فنیقیان در شمال فلسطین در کنار دریای مدیترانه زندگی داشتند و اصلاً فنیقیه گوشه ای از شام است که در مسیر ساحل فلسطین قرار دارد.

عقاید دینی فنیقیان که در عیش و کامرانی زندگی خود مصروف بودند شباهت زیادی با عقاید دینی کلداه داشته است یعنی فنیقیان اصلاً دارای دین مستقل نبودند، بلکه در انتخاب ارباب الانواع بیشتر از کلدانیان متأثر شده بودند، در مراسم دینی نسبت به کلدانیان بیشتر از قساوت قلب و خشونت کار می‌گرفتند و ارباب الانواع خود را راضی نگه‌میداشتند.

فنیقیان بدو رب النوع معتقد بودند یکی «بعل» و دیگری «بعله» از آمیزش این دو رب النوع به یاور آنها زندگی مرفه و آسایش بوجود می‌آمد.

بعل جداگانه در هر شهر وجود داشت که بنام خاصی یاد می‌گردید، بطور مثال آدونیس نام بعل شهر بیلوس بود در حالیکه شهر صور بعلی داشت به اسم ملکارت. رب النوع ماده (بعله) در مرتبه دوم قرار داشت که نمونه معروف آن رب النوع ایشتارت بود که بنام رب النوع عفت و پاکی نیز یاد میشد.

مولوخ یکی دیگر از ارباب الانواع فنیقیان بشمار میرود، این رب النوع با خشونت بیشتر عمل میکند.

و بطور خلاصه گفته می‌توانیم که نظریات دینی و الفبای فنیقیان که هر چند اساس آن در بین النهرین قرار دارد سهم آسیای غربی را بطور کل در رشد تمدن و فرهنگ جهانی منعکس می‌سازد (19: 256-265).

### دین مصریان قدیم:

راجع به وضع اجتماعی و دینی مصر قدیم تا قرن 19 معلومات دقیقی وجود ندارد و صرف محدود میشود به نوشته های علمای یونان قدیم. یکی از مورخان یونان قدیم که به مصر مسافرت کرده بود هرودوت نام دارد که در قرن پنجم قبل از میلاد زندگی میکرد، او میگوید: «مصریان مذهبی ترین مردم جهان میباشند» (19: 34).

در قرن 19 مصریان آثار ارزشمندی را از دل خاک بیرون آوردند و دانش مصرشناسی را باروری بخشیدند و در این راستا تحقیقات و زحمتکشیهای محققان اروپائی مانند برستد، ماسپرو، کارتر، پتری و دیگران نیز حایز اهمیت میباشد.

مصر قدیم یکی از مناطق بسیار کهنی است که دارای سابقه قوی دینی بیش از چهل قرن میباشد.



مصریان قدیم که مذهبی ترین مردم جهان بشمار میروند ابتدا به دین توتم و فتیش عقیده داشتند و سپس به شرک و خدا های گوناگون و در نهایت به خدای واحد و بی بدیل معتقد گردیده اند. درخت انجیر، درخت خرما، پیاز و چشمه های آبی از توتم های مصریان قدیم است. نزد مصریان قدیم برخی حیوانات حیثیت رب النوع را بخود گرفته بود و مورد پرستش قرار داشت، مانند گاونر، گربه ماده، نهنگ، بقه، اسپ، شغال، عقرب، گرگ، سگ، قوچ، مرغ، باز و غیره. در مقابل کشتن حیوان مقدس، انسان قصاص میگردید و کاهنان حیوانات و گیاهای مقدس را میشناختند، این حیوانات کاملاً مورد تقدس و عبادت قرار داشتند و هر گونه منفعت ملی همیشه مرجوح این موجودات مقدس شده است، میگویند یکی از پادشاهان آریانی قدیم بنام کامبوزیا در قرن 6 قبل از میلاد به مصر حمله ور شد چون این پادشاه از تقدیس مصریان به برخی از حیوانات اطلاع داشت بنابر آن تعدادی از گربه ها و لگ لگ ها را در پیشاپیش سپاه خود قرار دادند، مدافعین مصری زمانیکه ارباب انواع خود را در مقدمه الجیش سپاه متجاوزین دیدند از تیراندازی بسوی آنها خود داری نمودند و در نتیجه مغلوب گردیدند.

مصریان قدیم به نیروی شبیه به روح در وجود طبیعت، آفتاب، ستاره گان، درختان، رودها و بخصوص در وجود رود نیل معتقد بودند، رود نیل بعنوان معبود مصریان بوده و وقتیکه میدیدند که نیل بدون باریدن باران بالا می آید و مستی میکند میگفتند: ریختن اشک «ایزس» بخاطر مرگ شوهرش «اوزیریس» باعث بالا آمدن نیل شده است چون آنها تا هنوز منابع آبی رود نیل را نمی شناختند و از مناطق دور دست جنوب که همیشه بارانی بود و معاونین نیل را سیراب می ساخت اطلاعی نداشتند ولی زمانیکه در قرن 19 سرچشمه های نیل از جمله بحرالغزال کشف گردید دیگر چیستان بالا آمدن نیل نیز خود بخود روشن شد. طبقه روحانی مصر قدیم همیشه تلاش داشتند تا از طریق یک سیستم واحد در عرصه پرستش ارباب الانواع وحدت مصر را تامین کنند و قدرت و سیطره فراعنه را مستحکم تر سازند، آفتاب رب النوع بسیار معتبر مصریان بود که بنامهای متفاوتی مورد پرستش قرار داشت. «اوزیریس» رب النوع آفتاب در حال غروب (غارب) (6: 53). هوروس پسر اوزیرس و رب النوع آفتاب در حالت طلوع (طالع)، ایزس زن اوزیرس و رب النوع آسمان و ماه، ست یا تیفون شیطان تاریکی و ظلمت که هوروس همواره با او در جنگ بود، میباشد.

زندگی بعد از مرگ در عقاید مصریان و جود داشت اما در برخی از موارد مبهم است، در ابتدا حق زندگی کردن بعد از مرگ تنها به پادشاهان منحصر بود و آنهم در صورتی که در محکمه ارباب الانواع جواب و حساب بهتری بدهند و عدل و داد خود را در روی زمین ثابت کنند، بعد این حق به سایر اشخاص دارای و وظائف بلند نیز داده شده است که شاید بعدها این حق همگانی شده باشد به شرطی که در پیشگاه رب النوع بزرگ اوزیریس حاضر شوند و بی گناهی خود را ثابت سازند، هرکس باید اعتراف نامه زیر را در پیشگاه رب النوع اوزیریس به زبان آورد و از آن دفاع کند:

«من انسان بی گناه هستم، در خانه حقیقت جز راستی چیز دیگری نکرده ام، با هیچ کس ظلم روا نداشته ام، موجب آزار و بدبختی آیندگان نشده ام، باعث رنج، فقر و ترس کسی نگردیده ام، هرگز کسی را گرسنه نساخته ام، و هیچ صاحب غلام و خادم را نگذاشته ام تا به مادون خود ظلم، ستم و گرسنگی روا دارد، در هیچ حالتی دروغ نگفته ام، زنا نکرده ام، پزندگان رب النوع را با دام نگرفته ام، هدایای ارباب الانواع را خیانت نکرده ام، من بیگناهم، من بیگناهم».

### ادیان کوچک اروپایی:

پیش از نفوذ دین حضرت مسیح علیه السلام در اروپا برخی ادیان شیوع داشت که در زمینه میتوان از ادیان اقوام جرمن، دین اروپای غربی و سلتها، دین اروپای جنوبی مخصوصاً یونان، روم و ایتالیا نام برد. اقوام جرمن به چندین دسته تقسیم گردیده اند که در کشورهای مختلف اروپایی زندگی میکردند که نظریات دینی این دسته ها نیز باهم متفاوت است.

در دین قدیم جرمن آثاری از دین توتم بوضاحت دیده میشود، در این دین برخی درختان اهمیت خاص تقدسی دارند و هم بعض حیوانات مانند اسب و زاغ از اهمیت دینی خاصی برخوردار اند، از نظر این دین ممکن برخی از زنان و مردان به قیافه خرس یا گرگ در آیند.

بعد از ظهور دین مسیح علیه السلام و شیوع آن در اروپا این عقاید اقوام جرمن رو به تضعیف نهاد، بت ها توسط دین مسیح علیه السلام سوخته شده و درختهای مقدس نیز از بین برده شد، جرمنها بعداً مسیحی شدند، اما آثاری از دین قدیم در آنها باقی ماند و جادوگری و کهانت را محترم می شمردند.

اقوام سلت و گل از آلمان شرقی و جزایر دنمارک در سراسر اروپای غربی منتشر شدند خصوصاً در ایتالیا و ایرلند، از عقاید دینی اقوام سلت جز مطالب شفاهی چیز دیگری در دست نیست، آثار دین توتم در عقاید اقوام سلت و گل بخوبی به مشاهده میرسد، درخت بلوط توتم اقوام گل بود، برخی قبایل نام حیوانات را بخود میگذاشتند، مانند گاونر، زاغ و غیره، برای خودهم برخی علایم و آثار قایل بودند، خروس برای دفع تندر یا صاعقه بکار می رفت چنانچه خرگوش برای فال گرفتن استفاده میشد، از نظام توتم برخی تابوها یا منهیات نیز نشأت میکرد، سلتها گوشت اسب را نمیخوردند، دست زدن به غنایم دشمن و نزدیک شدن کودکان مسلح به پدران جایز نبود، جوانان نزد راهبان یا خانواده های بیگانه تربیت میشدند که حتی امروز هم موسسات شبانه روزی در فرانسه و انگلستان وجود دارد که شاید متأثر از همین نظر دینی قدیم باشد در بین مردمان، کوه ها، چشمه ها و جنگلهای مقدس و جود داشت، راهبان به تناسخ ارواح و معاد، معتقد بودند.

کلیسای کاتولیک مسیح نه تنها موفق نشد تا برخی عقاید قدیم دینی این مردم را از بین ببرد بلکه در برخی موارد تحت تاثیر آن نیز قرار گرفت، مانند اعتقاد آنها به آتش قبرستانها، جادوگری، تقدس درخت بلوط، وجود شیاطین و دیوان و غیره (19: 332-339).

در یونان قدیم دین توتم از اهمیت خاصی برخوردار بود، تقدیس درخت بلوط، برخی گیاهان، حیواناتی، مانند گاونر، سوسمار، عقاب و غیره نمونه های بارزی از دین توتم است و همچنان مردم یونان به ارواح نیز عقیده داشتند.

مردم یونان معمولاً ارباب انواع را شبیه به نوع بشر میدانستند اما با نوعی از تمایز و گاهی هم به شکل حیوانی ظهور میکردند (3: 45-47).

در روم قدیم هم آثاری از دین توتم بوضاحت دیده میشود، که موجودیت برخی نباتات مقدس، درخت انجیر، بوته باقلا، گرگ نر، گرگ ماده و غیره دلالت بر این حقیقت دارد، مردم روم قدیم به ارواح نیز اعتقاد داشتند که دارای قدرت الهی است و آهسته آهسته این ارواح حیثیت ارباب الانوع را کسب میکند، آنها به نوعی از تثلیث نیز اعتقاد داشتند: ژوپیتر، مارس و کوایری نوس.

## تمرین

1. معنای کلمهٔ توتم را بیان نمایند و بگویند این اصطلاح بار اول توسط کدام مردم بکار گرفته شده است؟
2. اصول اساسی عقیدهٔ دین طبیعت پرستی (توتم) را نام بگیرند و از جمله اصل توتم را توضیح دهید.
3. توتم که از برخی موجودات و اشیای طبیعی انتخاب و تعیین میشود چگونه مورد تقدیس اقوام بومی و ابتدائی قرار گرفته است؟ شرح کنید.
4. مانا چیست؟ و چگونه معرفی شده میتواند؟
5. نظام منهیات (تابو) کدام امور دینی را توضیح میدهد؟ با ذکر چند مثال آنرا بیان دارید.
6. علت اینکه توجه محققان اروپائی به مناطق بین النهرین معطوف شد چه بود؟ واز اولین محقق اروپایی در این زمینه نام ببرید.
7. خط میخی چگونه یک خط است؟ توضیح دهید و آنرا با خط هیروغلیف مقایسه کنید.
8. خط میخی که در فرانسه بنام خط زاویه مانند نیز یاد میشود توسط کدام یک از محققان قابل خوانش و ترجمه گردید؟ در صنف در محضر استاد ارزش این موضوع را جروبحث کنید.
9. راجع به عقاید مردم بین النهرین چه میدانید؟ آنرا ضمن کار گروهی وضاحت دهید.
10. دو نوع تثلیث در الهیات مردم بین النهرین را مختصراً بیان دارید.
11. موقعیت فنیقیه را مشخص نمایید و بگویند که چرا این منطقه به شهرهای کوچک و مستقل تقسیم شده است؟
12. اعمال دینی فنیقیان را با اعمال دینی کلدانیان از لحاظ چگونگی کار برد خشونت و قساوت قلبی، مقایسه کنید.
13. عقیدهٔ ثنویت مربوط به بعل و بعلهٔ فنیقیان را توضیح نمایید و از بعل های شهرهای صور و بیبلوس صرف نام ببرید.

14. از نخستین افکار مذهبی مصریان قدیم و تقدس روح توسط آنها معلومات مختصر ارائه نمایید.
15. از تثلیث خاصی که در الهیات مردم مصر قدیم دیده میشود یاد آوری نمائید و هم منشاء و افسانوی این تثلیث را بیان دارید.
16. عقاید مصریان قدیم نسبت به زندگی بعد از مرگ را با اختصار ذکر کنید.
17. اعتراف نامه که از نظر مصریان قدیم باید توسط هر کسی نزد رب النوع اوزیریس به زبان آورده شود چه بود؟ متن کامل آنرا بیان دارید.
18. قبل از ظهور دین حضرت مسیح علیه السلام از ادیانی که در اروپا وجود داشت صرف نام ببرید.

## درس دوم

ادیان ودایی، برهمایی و هندوی معاصر

### اهداف:

1. بیان چگونگی مهاجرت اقوام آریایی به هندوستان.
2. معرفی ارباب انواع دین ودایی، وظایف و نقش آنها در خلقت جهان.
3. شرح چگونگی پیدایش دین برهمایی و توضیح معتقدات دین هندوی معاصر.

### دین ودایی:

قدیمی ترین دین هندوها دین ودایی است معنی لغوی «ودا» از ریشه «دید» به معنای دانش و دانستن میباشد. Veda نام کتاب مقدس هندوان است دین ودایی اکثر بنام دین هندویی نیز یاد میگردد و شاید سابقه تاریخی 1500 سال قبل از میلاد را دارا باشد. آریایی ها در قرن 15 قبل از میلاد از سواحل دریای بالتیک و جنوب روسیه به مناطق افغانستان کنونی نقل مکان نمود و خود را «آریا» یعنی زیبا، دهقان و اصیل خواندند، در برخی از این مناطق اقوام بومی زندگی داشتند و دارای معتقدات مختلف دینی از جمله معتقدات توتمی، طبیعت پرستی و روح پرستی بودند و برخی از حیوانات مانند گاو، سگ، مار، اسب و هم بعضی از گیاهان را مقدس میدانستند و اقوام آریایی نیز با این معتقدات بیگانه نبودند و خداهای متعددی را پرستش میکردند (33: 331-332) و از آنها هر مراد و مقصد خود را میخواستند چنانچه فرد آریایی همواره در دعای خود میگفت: «ای خدای طبیعت (ایندرا!) اگر من هم میتوانستم مانند تومال و ثروت ببخشم پس هیچوقت کسی را که مصروف اطاعت و عبادت من میبود از داشتن یک رأس گاو محروم نمی ساختم».

آریایی ها در قرن 15 پیش از میلاد به مناطق هندوستان فعلی رهسپار شده و اقوام بومی و سیاه پوست ساکن آنجا را بسوی جنوب هند راندند و خود را آریا، بادار و اصیل آنجا شمردند و معتقدات بومیان هند را که مسلماً دارای خصوصیات ویژه بودند و سه هزار سال قبل از میلاد در بین آنها رواج داشت خرافی قلمداد می کردند و خداهای آنانرا دیوان و غولانی بیش ندانستند/37: 148).

هندوها و آریایی ها در برخی موارد وجوه مشترک دارند از جمله خداهای مشترک، مانند میترا (خدای آفتاب) را هر دو پرستش میکردند و «هورا» خدای زردشتی ها و خدای «وارونا» خدای هندوها دارای شباهت زیاد میباشد، و یا اهمیت یکسان قربانی نزد هندوها و آریایی ها وجود دارد.

دین ودایی (هندویی) قدیمی ترین دین وضعی و شکل یافته و فعال جهان بود و دارای پیروان زیاد میباشد، این دین تنها در قلمرو هندوستان محصور بود و در جاهای دیگر جهان پیرو ندارد به جز آن پیروان هندی این دین که از هندوستان به کشورهای دیگر نقل مکان نموده اند. دین فعال و روبه انکشاف جهان معاصر (دین مقدس اسلام و دین مسیحیت) به تعداد قابل ملاحظه ای از هندوها را پیرو خود ساخته اند مخصوصاً دین مقدس اسلام در هندوستان نفوذ بیشتر داشت و متجاوز از صد میلیون هندو پیرو این دین سماوی و بر حق میباشند و روی همین اصل در هر شهر و هر گوشه و کنار این کشور صدای آذان محمدی ﷺ با صدای بلند شنیده میشود و چنانچه همه میدانیم جدایی کشور پاکستان در اواسط قرن بیستم از پیکره هندوستان به اساس پیروی از دین مقدس اسلام صورت گرفته است و حالا این کشور یک جمهوری اسلامی مستقل در سطح جهان است و بیشتر از 150 میلیون نفوس در آن زندگی میکنند.

دین ودایی یگانه دینی در جهان است که بر بنیاد نظام طبقاتی - اجتماعی کاست استوار میباشد و بر آن عقیده و باور دارد. از نظر تاریخی در کشور هندوستان چهار کاست یا طبقه وجود دارد که این طبقات از یک نسل به نسل دیگری به ارث گذاشته شده است، افراد متعلق به هر کاست و طبقه خود را دارای برخی امتیازات میدانند و در این امتیازات خود را از افراد سایر طبقات ممتاز تصور میکردند تا جاییکه با افراد طبقه دیگر اجازه ازدواج کردن، همبازی شدن و دیگر روابط اجتماعی را نداشتند، این چهار طبقه قدیم کشور هندوستان عبارت اند از:

- 1- طبقه برهمنان که امور دینی و روحانی جامعه را بدوش داشتند. 2- طبقه حکام و جنگجویان. 3- طبقه زارعان و صنعتگران. 4- طبقه غلامان (38: 27-29).

علاوه از این چهار طبقه امروز در حدود 58 طبقه که هر کدام به میلیونها نفر پیرو دارد در هندوستان وجود دارند و به قولی هم در حدود دو هزار قشر فرعی و اگر فروعات خردتر آنها را در نظر گیریم در حدود 19 هزار قشر در این کشور زندگی میکنند، و هم به میلیونها فرد فاقد

طبقه وجود دارند که اصلاً افتخار تعلق به پست‌ترین طبقه اجتماعی این کشور را نیز با خود ندارند و رهبر فقید هند «گاندی» بر این افراد اصطلاح «هاريجان‌ها» را گذاشته بود و کوشش به خرج داد تا طبقه ای زیر نام «نجس‌ها» وجود نداشته باشد. و در جریانات جدید و معاصر هند نظام طبقاتی کاست ضربه شدیدی را متحمل شد و در حال فرو پاشیدن است و بطور خاص «نجس بودن» از نظر قانون اساسی هند غیر جایز دانسته میشود.

چنانچه قبلاً گفته شد طبقات چهارگانه جامعه هند از جهات مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با هم تفاوت داشتند و این از زمانی آغاز شد که اقوام «هندواروپایی» از سواحل دریای بالتیک از راه افغانستان کنونی بسوی سرزمین هندوستان سرازیر شدند، اقوام مهاجم آریایی سه طبقه اول را تشکیل دادند که طبقات بلند جامعه آنوقت هند بشمار میرفتند. اقوام اصلی ساکن هندوستان (بومی‌ها و سیاه پوستان) طبقه غلامان و دنی‌ها را تشکیل داده اند. سه طبقه اول دارای امتیازات بیشتر میباشد و خود را از نژاد اصیل و آریایی میخواندند و از جمله آنها طبقه اول (برهمنان) اهمیت مذهبی و روحانی نیز داشت و امور مذهبی دوران خود را تنظیم می کردند و تا هنوز هم در جامعه هند امروزی تاثیر مذهبی و روحانی خود را حفظ نموده اند. مراسم قربانی بدون برهمنان صورت گرفته نمیتواند، تنها برهمنان اند که با خواندن اوراد و اذکار عبادت قربانی را در بدل اجره ایکه اکثر یک یا چند رأس گاو میباشد انجام میدادند، در سرود شماره دهم کتاب دهم ریگ ویدا در مورد اجره قربانی چنین آمده است: «اگر کسی به برهمن یک رأس گاو بدهد تمام دنیا، به او داده خواهد شد». خلاصه برهمنان بطور کل عهده دار تمام امور دینی در هندوستان بشمار میرفتند (14: 274).

دین ودایی که قدیمی ترین و بزرگترین دین هندوستان بوده و اساس دین برهمنی و دین هندویی معاصر را گذاشته اند دارای چهار کتاب مقدس است که بنامهای یا جورودا، اتارواودا، ساماودا، و ریگ ودا معروف میباشد.

دین ودایی به خدای برهما که حضور مطلق دارد معتقد میباشد، در حقیقت هندوهای ارتودوکس به هر گونه اعتقاد اعم از پرستش خدا، چند خدایی یا شرک و یا وحدت وجود باور داشته اند. این دین با اعتقاد نظری به یک «روح جهانی» ذاتی و درونی، جهان شمول و سرتاسر پاک تنوع بیشتر پیدا کرده اند و ادیان مختلف هند از آن سرچشمه گرفته اند (39: 42).



اما این دین بطور خاص ارباب الانواع ایندرا، وارونا و میترا را نیز مورد عبادت و پرستش قرار داده است (21: 56-57). ایندرا رب النوع طبیعت، رعد و برق، طوفان و باران و تاجایی رب النوع مبارز و جنگجو و مدافع مردم است یعنی میشود ایندرا را رب النوع خشونت نیز نام داد ولی در مقابل وارونا رب النوع خرد و عقل است، این رب النوع اگر چه ابتدا رب النوع آسمان ستاره دار شب است اما بعد بجای رب النوع رهنمای انسان، جهان و اخلاق قرار میگیرد.

میترا رب النوع آفتاب، روشنی، نیکی، راستی و عدالت است که وارونا نیز در این امور با او همکاری میکند. ادی تی مادر میترا و وارونا است. دی اوس پیتار پدر بسیاری از ارباب الانواع هند است و فرزند مشهورش ثریا رب النوع آفتاب نام دارد. مانو رب النوع قانون، و واتا رب النوع باد است.

این همه ارباب الانواع دین ودایی شباهت زیادی به انسان دارند که کم کم ارزش خود را از دست داده است و در نتیجه رب النوع آگنی رب النوع آتش، و سوما رب النوع شراب و آب حیات در صدر و اول ارباب الانواع قرار گرفته اند که برای سایر ارباب الانواع از طریق قربانی که اهمیت زیادی در این دین دارد، احتیاجات آتش و آب را رفع می نمایند. از نظر دین ودایی نقش خلفت جهان و عالم وجودگاهی برای آگنی رب النوع آتش، گاهی به ایندرا رب النوع طبیعت و گاهی هم به سوما رب النوع شراب و آب حیات داده میشود و بعضاً این نقش را به رب النوع تمام اشیای زنده بنام پراچاپاتی داده شده است و گاه گاهی در این زمینه از خدای واحد و یگانه نیز صحبت کرده اند (40: 16-17).

### دین برهمایی:

دین برهمایی بر بنیاد دین ودایی تشکیل شده و برهمنان برای احراز موقعیت هر چه خوبتر دین در جامعه هند دست به یک سلسله اصلاحات در دین ودایی زدند، این اصلاحات طی قرون 9 تا 6 قبل از میلاد صورت گرفت و دین ودایی آهسته آهسته جای خود را به دین برهمایی تخلیه نمود. در دین ودایی اعتقاد به ارباب الانواع گوناگون از قبیل «ایندرا»: رب النوع طبیعت، «میترا» رب النوع آفتاب یا آسمان در وقت روز، و «وارونا» رب النوع آسمان در وقت شب وجود داشته است. به قربانی ارزش بس بزرگی داده میشد، از نظر هندوها اینگونه اعتقادات ودایی تا قرن نهم پیش از میلاد دوام کرد و بعد در دین برهمایی که نتیجه کار و

اصلاحات برهمنان است بجای ارباب انواع گوناگون و متعدد یکتا پرستی و توحید نسبی توجه جامعه هند را بخود جلب میکند و من بعد بروح جاویدانی عالمی که ارواح ما نیز منشعب از آن میباشد معتقد میشود، و با وجود اصرار به رستگاری از راه قربانی به رستگاری از راه معرفت نیز پافشاری دارد.

دین برهمایی بر وجود برهمن (نفس جهانی) و وجود آتمن (نفس انسانی) عقیده دارد. از نظر این دین جوهر وجود ما جسم یا فکر یا فرد نیست بلکه آن وجود خاموش بی شکل مایه وجود ماست که نامش «آتمن» میباشد، در قدم دوم برهمن است که بی شکل، بی جنس و جوهر نافذ و لمس نا پذیر جهان (واقعیت واقعیت ها) است. برهمن تولد نشده است و مرگ بر او طاری نمی شود، در حقیقت روح تمام موجودات عالم است در حالیکه آتمن روح همه ارواح و یگانه قدرتی است که همه نیروها را احاطه کرده است. در قدم سوم آتمن و برهمن با هم یکی است. از اول تنها برهمن وجود دارد که خالق ارباب الانواع است، برهمن در بالا و پائین، جلو و عقب موجود است، خالق آسمان، زمین، هوا، روح و جسم ما است، برهمن اساس وجود هر حقیقت است و شباهت زیادی با «مانا»ی اقوام ابتدایی دارد. محققان هند زمانی که اساس جهان بیرونی را برهمن دانسته متوجه درون و باطن خود شده است که در آن آتمن را مشاهده کردند، از نظر آنها جسم انسان از طریق نفخه و نسیم مرکزی که آتمن نام دارد حیات خود را در می یابد.

محققان این دین چون در برهمن، مطلق خارجی و در آتمن، مطلق داخلی و باطنی را مشاهده کرده بنابر آن به اتحاد و شخصیت کامل برهمن و آتمن پی برده است و آنرا حقیقت مطلق «آتمن - برهمن» دانستند.

از نظر دین برهمایی جهان بدو شکل پدیدار میگردد: 1- هستی مطلق 2- هستی مشابه به هستی مطلق. هستی مطلق را وحدت وجود و هستی دومی را کثرت نام میگذارند. بدبختی موجودات در کثرت وجود است، پس بهتر است که با کثرت مبارزه کرد و کثرت شوم را از وحدت سعادت بخش وجود جدا نمود. در جهان کثرت، تولدات پی در پی صورت میگیرد، اعمال نیک و بد انسان تظاهر مجدد بهتر و یا بدتر او را در قبال دارد، انسان وقتی از این تولدات رهایی می یابد و رستگار میشود که او جز آتمن کس دیگری را نخواهد، در این صورت به جسم دیگر حلول نمیکند و بسوی برهما مراجعت مینماید، چه او در زندگی قبلی راه

تنعم را رها کرده و به هوای نفس جواب مثبت نداده است و صرف در صدد دریافت برهمن - آتمن گردیده است پس تناسخهای دیگر در حق او پایان یافته و به سعادت ابدی می پیوندد. بنابر این نظریه دین برهمایی است که مکتب فلسفی مرتاضان هند «یوگا» تحت نفوذ آوردن نفس سرکش را پیشنهاد میکند، معنی یوگا «یوغ» است که به معنی سیر و سلوک زاهدانه میباشد که در اثر آن سالک مشتاق یوغ امساک نفس را بر گردن خود میگذارد تا آنرا از همه خواهشات مادی پاک نگهدارد و به قدرت و نیروی فوق طبیعی راه یابد و از تناسخهای پی در پی رهایی جوید. این سیر و سلوک مکتب یوگا منزل های گوناگون دارد که سالک مشتاق باید آنرا طی کند:

### دین هندویی معاصر:

در مقابل قدرت برهمنان دو دین جدید، بنامهای جینا و بودا عرض وجود کردند که برهمنان را مجبور ساختند تا دین برهمایی را انسجام بیشتر دهند و زمینه آنرا مساعد سازند که دین هندویی پابه عرصه و جود گذارد دینی که در قرن معاصر هم مورد تعمیل هندیان قرار دارد. دین هندویی معاصر مجموعه ای از معتقدات دین توتمی، طبیعت پرستی، روح پرستی و معتقدات دین ودایی، دین برهمایی و تزئیدات دیگری است که توسط برهمنان از قرن 6 قبل از میلاد تا قرن اول میلادی به آن ملحق شده است.

از نظر هندوها در دین هندویی معاصر جنبه اخلاقی نسبت به سایر جنبه ها جای خوبی گرفته است که این موضوع در اصل تناسخ و ثواب و عقاب بخوبی به مشاهده میرسد. این دین از شدت بدبینی دین برهمایی در مورد وجود شر و رنجهای تناسخ کاهش قابل ملاحظه ای بعمل آورده است.

دین هندو که از قرن اول میلادی تا امروز در هندوستان 85٪ پیروان دارد از تناقضات طبقاتی و تفاوتهای آستی نا پذیر اجتماعی که بدست برهمنان بر جامعه هند طاری گردیده بود کاست و آنرا شکل مطبوعتری بخشید تا قابل قبول برای همه شده بتواند.

از نظر هندوها در این دین گرچه به ارباب الانواع متعددی، عقیده وجود دارد اما در ورای آن توحید و یکتاپرستی نیز متظاهر است به این معنی که آنها معتقد به یک منشأ و علة العلل اند اما چون این منشأ و علة العلل قابل فهم برای عامه نیست بنابر آن در وجود سه مظهره دیگر

تبارز کرده است (8: 123). و این اعتقاد آنها شباهت زیادی به تثلیث مسیحیان (اب، ابن و روح القدس) و یا سه اصل سقراط فیلسوف بزرگ یونان (خیر، نیکو و زیبا) دارد (17: 25). این سه مظهرهٔ دین هندو عبارت اند از:

برهما خالق جهان

ویشنو نگهبان جهان

شیوا فناکنندهٔ جهان (33: 245).

از نظر این دین جهان، ازلی و ابدی است، بود، هست و خواهد بود و روح موجودی است جاودانی که بعد از تناسخهای پی در پی به روح عالمی می پیوندد.

چنانچه قبلاً نیز بعرض رسید دین هندویی معاصر از ادیان اقوام ابتدایی مانند توتمیسم، طبیعت پرستی و روح پرستی بهره دارد و از همین جهت است که در این دین به برخی از حیوانات، گیاهان، دریاها و اماکن اهمیت خاص دینی داده میشود.

در دین هندو حیوانات پاک زیادی وجود دارند که در مرتبهٔ اول گاو ماده و بعد به ترتیب میمون و مار است، درختان و دریاها پاک، مانند گنگا نیز مورد اعتقاد این دین میباشد. تناسخ و مهاجرت ارواح یکی از اصول دین است، مراقبت و توجه در تشییع جسد مردگان به تظاهر مجدد مردگان کمک میکند، خاکستر مردگان را در دریای پاک گنگا می اندازند.

در این دین مراسم خاص دینی وجود دارد، مانند احترام گذاشتن به ارباب الانواع، انجام فرائض به افتخار آنها، مراقبت مجسمه های ارباب الانواع و حیوانات مقدس، تغسیل در رود خانه هایی گویا مقدس، رفتن به زیارت معبد های بنارس. این شهر مرکز زندگی دینی در هندوستان است، به این شهر زایرین زیادی می آیند و گاوها و میمونهایی گویا مقدس را مشاهده میکنند.

دو هزار معبد، پانزده صد مجسمهٔ ارباب الانواع، حمامهایی گویا مقدس، انبارهای مخصوص سوزاندن اجساد برای زیارت و مشاهدهٔ آنان وجود دارند و از جالبترین نمایشگاه های دنیا محسوب میشود و این شهر برای هر زایر چیزهای زیادی برای نمایش دارد که هر کدام یک فکر و نظریهٔ دینی هندی را منعکس مسازد (19: 106-107).

## تمرین

1. اقوام آریایی از کجا، چه وقت و چگونه به سر زمین پهناور هندوستان سرازیر شدند؟ مختصراً توضیح دهید.
2. مشترکات اعتقادی اقوام آریایی و بومیان هندی را با اختصار ذکر کنید.
3. چگونگی جدا شدن کشور پاکستان از هند را معلومات داده و تعداد تقریبی مسلمانان در هند امروزی را ذکر کنید.
4. دین ودایی نظام طبقاتی کاست را بر هندوستان قدیم مسلط ساخته است شما طبقات معروف اجتماعی این نظام را صرف نام بگیرد و طرز زندگی طبقات فرعی را بیان دارید.
5. ارباب انواع مورد پرستش دین ودایی را ذکر نمایید و برهما را معرفی کنید.
6. نقش خلقت جهان را در دین ودایی به کدام ارباب انواع نسبت میدهند ذکر نمائید و علت این نسبت را نیز بیان دارید.
7. دین برهمایی چه وقت و چگونه بمیان آمد؟ نظریات دینی آنرا بیان دارید.
8. علل پیدایش دین هندویی معاصر را جستجو و توضیح نمایید و مجموعه معتقدات آنان را ذکر کنید.

## درس سوم

## ادیان بودایی و جایی

## اهداف:

1. معرفی مختصر مبانی معروف دینی بودایی.
2. انحطاط دین بودایی چگونه بطور مستدل اثبات میشود؟
3. تحلیل اصول دینی و اصل اهیمنسای دین جایی.
4. مقارنه بین دین جایی و دین بودایی.

قبل از اینکه راجع به دین بودایی اطلاع بدست آوریم، لازم است تا ابتدا راجع به خود بودا که مؤسس این دین است معلومات ضروری را ارائه کنیم:

## بودا:

نام اصلی بودا گوتوما است که در اواسط قرن ششم قبل از میلاد یا دقیقتر در 563 ق. م در شمال هندوستان در یک خانواده مربوط به طبقه بالا چشم به جهان گشود و چند روز از تولدش گذشته بود که مادرش وفات نمود، او به سن جوانی رسید و با عیش و عشرت زندگی مرفه را سپری میکرد، او ازدواج نمود و صاحب یک پسر گردید، بودا با وجودیکه زندگی مجلل داشت از زندگی خود چندان لذت نمیبرد، علت این حالت بودا را در چهار واقعه تشخیص نموده اند که در بیرون از خانه به آن مواجه شده است. او یکبار در بیرون از خانه پیر مردی ناتوان را دید که در عواطف بودا سخت مؤثر واقع شد و به بی مفهومی جوانی پی برد، بار دیگر در بیرون از خانه و قصر مجلل خود بیمار و مریضی را دید که با مریضی دست و پنجه نرم میکند، او با مشاهده وی باور خود نسبت به سلامتی و صحتمندی را نیز از دست داد، در بار دیگر جنازه ای را دید که بسوی سرنوشتش حمل میکنند، در مجموع زندگی را یک چیزی بی مفهوم و بی اهمیت یافت. اما در دفعه دیگر از قصر خود بیرون شد و راهبی را دید که با بسیار آرامش و سکون زندگی خویش را سپری میکند، زندگی آرام این راهب تاثیر زیادی به روح و روان او گذاشت و تصمیم گرفت تا راه زهد و تقوی را پیشه کند و زندگی مجلل خود را با خانم و یگانه فرزند دوست داشتنی اش رها کند، او به سن 29 سالگی خانه و کاشانه خود را

ترک کرده راهبی در دشت و صحرا شد و هفت سال تمام را به شیوهٔ ریاضت و پرهیزگاری سپری نمود، پنج زاهد و دوست دیگر نیز با او همراه بودند ولی بودا بعد از گذشت هفت سال درک کرد که ریاضت کامیابی را دربر ندارد و یک کار بیهوده است، زاهدان دیگر از تغییر رویهٔ بودا اندوهگین شدند و او را رها کردند، بودا حمام کرد و بطور معمول غذا صرف نمود و به وضع و تاسیس دین خود پرداخت.

### دین بودایی:

در این دین برعکس دین هندو به گرفتن مزد، قربانی های مذهبی و غیره تشریفات اهمیت وجود ندارد بلکه در مقابل تاکید میگردد تا بر نفس کنترل صورت گیرد و با هوشیاری بر نفس غلبه حاصل شود و از این طریق آرامش را بدست آورد، در این دین به نظام طبقاتی پشت پا زده شد و هر کس فرد مبارکی است و میتواند برهنه شود، ای احمق در درون تو سیاهی و درنده خویی است اما بیرون و ظاهر تو تمیز به نظر میرسد ( 42: 105).

از نظر این دین عواقب عمل و کار هر فرد متوجه خودش است و خود او است که سرنوشت خود را معین میکند نه وضع موروثی طبقاتی، وضع اجتماعی، سرنوشت، رب النوع و یا شیطان. و این موضوع را بنام «قانون کارما» یاد میکند. به اساس این قانون شخصی به اساس کار بدی که انجام داده است به پیش پادشاه دوزخ آورده میشود و از طرف پادشاه دوزخ محکوم به مجازات میگردد. در این دین به ضد خود خواهی مبارزه صورت میگیرد و به تناسخ ارواح اعتقاد وجود دارد که به اساس قانون «کارما» یعنی عمل و عکس العمل روح انسانی به اجساد دیگری منتقل میشود تا اینکه روح دیگر، ضرورت به تناسخ را نمی بیند و به «نیروانا» یعنی حالت سعادتمند میرسد و دیگر در حق او تناسخ به پایان میرسد، نیروانا به معنی نابودی کامل نیست، بلکه به معنی آزادی بی قید و شرط از تناسخ است.

در دین بودایی در هر دو هفته یکبار اجتماع پیروان تشکیل میشود تا 227 قاعدهٔ دینی را بین خود تکرار کنند و به توافق، خوش مشربی، و ترک نزاع دست یابند در دین بودائی عوض عبادت و دعاها به تمرین های مراقبه، جذب، تفکر و تعمق اهمیت داده میشود و همچنان در این دین به تجربه و تحقیق آزاد افراد ارج فراوانی گذاشته میشود.

بودا جهت رهایی و نجات از بدبختی به چهار حقیقت ذیل معتقد است:

«پی بردن به این امر که این جهان جز درد، عذاب و رنج چیز دیگری نیست، در نظر بودا تناسخ ارواح یکی از شرهایی است که انسان با آن دست به گریبان است. ولادت، مرض، پیری و مرگ عذابهایی است که با اصل تناسخ جهت آزار انسان دست بدست هم داده اند.»

«اساس و شالوده تمام عذابها، آرزوها و خواهشات است. در این دین خواهش و آرزوی بقای وجود با هستی وجود، ارتباط داده میشود، هستی پر از درد و رنج و توأم با ترس از مرگ است. این خواهش و آرزو اساس همه بدبختی های انسان را تشکیل میدهد.»

«عذاب و درد را باید توسط معرفت و شناختن آرزوی بقا و قطع هر گونه علایق با اینگونه آرزو از بین برد.»

«باید درد و رنج را با عقیده خوب، قول خوب، عمل خوب، تفکر خوب از خود دور ساخت ( 8: 151-158).

### انحطاط دین بودایی:

دین بودایی در طی 13 قرن (از قرن 6 ق. م تا قرن 7 میلادی) به انحطاط و فساد گرایید و نتوانست با شرایط مسلط جامعه آنوقت هند خود را مطابقت دهد از جمله انحطاطات دین بودایی یکی این بود، که ازدواج را یک امر بسیار پست تلقی می نمود و با زنان مانند حیوانات بر خورد صورت میگرفت، زنان موجودات فاسد و شر انداز معرفی شده است و از همین جهت است که جواز ندارد مرد در یک خانه با خواهر، مادر و دختر خود تنها بماند.

در این وقت معابد به مراکز تجمع فساد گران و گناهکاران مبدل گردید و از طرف دیگر بر همان که از دین بودایی خود را متضرر میدانستند بر علیه آن سرسختانه مبارزه نمودند و در آن موقع نفوذ دین مقدس اسلام در سر زمین هندوستان نیز خالی از تاثیر نیست. این همه عوامل باعث شد که دین بودا در قرن هفتم میلادی جای خود را در هند خالی کند و در کشور های مجاور، مانند چین، برما، جاپان، سیلان، تبت و دیگر کشورهای منطقه به پیشروی خود ادامه دهد (33: 372-373).

در این اواخر این دین در کشورهای تایلند، تبت، کامبودیا، لائوس و برما دین رسمی گفته میشود و در جاپان و چین نصف نفوس را پیرو خود ساخته است ( 8: 165-166).

### مهاویرا:



مهاویرا (فاتح بزرگ)، رهبر و مؤسس دین جاینی است،

از نظر مهاویرا هیچ چیزی برای پرستش وجود ندارد و طبق این نظر باید یک زندگی آرام و بدون آزار را سپری نمود، پیروانش او را مقدس میدانستند و عبادت می کردند و متون دینی او را معرفی می نمودند.

### دین جاینی:

مهاویرا پرستش هرگونه خداوختی صحبت از آنرا محکوم کرد و این دین با انکار هرگونه هستی متعالی در عالم شروع بکار نمود، از نظر این دین نباید گفته شود: خدایا باران را بباران! زمین را بارور ساز! بلکه باید گفته شود: ابر جمع شده است و به زمین می آید و زمین را بارور می سازد، اما این نظر بعدها با عکس العمل روبرو شد، مهاویرا خودش تا درجه خدایی پرستش گردید و پیروان این دین هرگز اجازه نمیداد تا این دین را ضد خدا معرفی نمایند و یا کسی آنانرا بی خدا بخوانند. از نظر این دین هر کس باید بوسیله عمل خود به کامیابی برسد. پیروان این دین در هندوستان معابد زیادی بنا کردند و در آنها به عبادت 24 تن راه یافته که آخرین آنها مهاویرا است می پرداختند و با وجودیکه میدانستند آنها عبادت شانرا درک کرده نمیتوانند و نه چیزی به آنها کمک رسانیده میتوانند اما در این طور عبادت یک ارزش درونی و ذهنی وجود دارد که باید انجام شود.

در دین جاینی بزرگترین فضیلت، عبارت از ریاضت درویشانه و عدم آزار به جانوران دیگر است، باید از دوست داشتن و هم از تنفر و دشمنی کردن خود را نگهداشت، بخاطریکه این هر دو از اشکال وابستگی است، یک فرد کامل دین جاینی فرد زاهد، ریاضت کش، متواضع و غیر مهاجم بوده و کینه جو نیست (42: 67-79).

علت همه بدبختیهای انسان اتصال بین جسم مادی پست او با روح پاک و جاودانی است پس باید برای آزاد ساختن روح خود جسم را تحت فشار قرار داد تا به نیروانا برسیم. تفاوت روشن دین جاینی با دین هندویی در اینست که دین جاینی نظام طبقاتی هندوستان را محکوم مینماید.

خصوصیات دیگر این دین اعتقاد به اصل «کارما» است که طبق این اصل اخلاقی مکافات و مجازات از طریق تناسخ ارواح صورت میگیرد، بموجب این اصل روح دوباره تولد شده و در

اجساد همین دنیای سراسر بدبختی حلول میکند و این حلول به چگونگی اعمال نیک و یا زشت او در زندگی قبلی مربوط است.

پیروان این دین در طول راه با احتیاط قدم میگذارند تا مبادا حشره‌ی زیر پای آنان شود، و آتش را کمتر در میدهند تا مبادا حشرات خوردتری را بسوزانند. عمل به اصول این دین آنقدر مشکل به نظر میرسد که شاید از عهده آن تنها راهبان و گدایان این دین بدر آیند ( 8: 176-181). و از همین جهت است که این دین توسعه بیشتری نیافته است و در نهایت امر با بر همان کنار آمده و عقاید آنانرا در برخی موارد پذیرفته است و حتی روی مجبوری به مشروعیت طبقات اجتماعی نیز مجدداً حکم کرده و برهمان را به رهبری دین خود قبول نموده اند.

### مقایسه ادیان بودایی و جایی:

چنانچه قبلاً گفته شد هر دو دین به طبقات اجتماعی چهار گانه هند اهمیت قایل نیستند، هر دو دین تعلیمات، آداب و شعایر دینی برهمایی را بی اعتبار خوانده و خدایان آنها را بی ارزش تلقی نموده اند، مؤسسان هر دو دین نه خود را پیامبر، نه خدا و نه تجسمی از خدا میدانند بلکه هر دو خود را رهبر و رهنما برای مردم بحساب می آورند، و هر دو دین به اصل تناسخ ارواح معتقد اند، و هر دو دین به «نیروانا» که بحثی از آن بعمل آمد نیز اعتقاد مشابهی دارند ( 33: 621-624).

اما تفاوت دین جایی با دین بودایی در اینست که دین جایی از پیروان خود یکنوع پیروی افراطی می طلبد و آنها را به پارسایی، زهد، تحمل مشقات و ریاضتهای طاقت فرسا و افراطی وادار میسازد و برای روزه گرفتن ارزش خاصی قایل است و اولین مذهبی است که به برهنگی پیروان خود امر میکند (البته جز کسانی که لاغر اند) و در نتیجه تضاد خاصی بین برهنگان و لباس پوشان در این دین بمیان می آید.

## تمرین

1. چه عوامل باعث گردید که بودا زندگی مجلل خود را رها کرده و روانه صحرا شود؟ این موضوع را با ادعای وی و پیروانش مبنی بر القاء و الهام توضیح دهید.
2. راجع به اصل تناسخ، نیروانا، و کارما طی سه گروپ در صنف تحت نظر استاد معلومات دهید.
3. هدف از چهار حقیقت دین بودایی چیست؟ بطور مختصر در صنف جروب‌بحث نمایید.
4. راجع به انحطاط این دین در هندوستان و نشر آن در منطقه معلومات دهید.
5. در دین جایی به خدای خاصی اعتقاد وجود ندارد، این مسأله را در صنف وسیعاً جروب‌بحث کنید.
6. علت بدبختیهای انسان از نظر این دین در چه نهفته است؟ با دقت توضیح دهید.
7. اصول کارما، نیروانا و اهیمسا را با اختصار شرح کنید.
8. وجوه اشتراک و اختلاف ادیان جایی و بودایی را بیان دارید.

## درس چهارم

ادیان ایران قدیم، چین و جاپان

### اهداف:

- 1- بیان چگونگی مشترکات دینی ایران قدیم و هند و بررسی دین زرتشت.
- 2- ارائه معلومات درمورد دین لائوتسه و کنفوسیوس چین باستان.
- 3- به تصویر کشیدن وضع کلی دین شیتو.

### وضع دینی ایران قدیم:

مهاجرین هند و اروپایی که بنام دهقان و نجیب زادگان یاد میشوند از جنوب روسیه و از اطراف بالتیک مهاجرت نمودند به سرزمین افغانستان و ایران قدیم سرازیر شدند و دسته های دیگر آن رهسپار هندوستان گردیدند، در قبایل بومی ایران قبلاً عنعنات دینی، مانند توتم پرستی و روح پرستی وجود داشت و برخی از حیوانات و نباتات مورد تقدیس و تکریم آنها بودند، مانند اسب، مار، سگ، گاو و گاو ماده. آنها به دو نوع ارواح اعتقاد داشتند که یکی آن ارواح سودمند بود و دیگر آن ارواح خبیثه، که ضرر را میرسانید، سحر و کهانت رواج بیشتر داشت، به زعم آنها ارواح مردگان از زنده ها حمایت و مراقبت مینماید، این ارواح بعد در دین مزدا حیثیت فرشتگان را بخود کسب کردند. در قرن 14 قبل از میلاد بسیاری از ارباب الانواع ایرانیان و هندیان بطور مشترک مورد پرستش قرار داشتند، مانند وارونا، میترا و ایندرا. وارونای هندوها همان «هورا» است که بعد ها رب النوع بزرگ ایرانیان شده است. در نزد هر دو (ایرانیان و هندیان) میترا رب النوع آفتاب، مورد احترام است و آتش نیز از نظر هر دو ملت شیئی پاک است، آهسته آهسته در بین آنها از لحاظ دینی تفاوت هایی بوجود آمد، در هندوستان دیوها ارباب الانواع نیکو کار تلقی شده است در حالیکه در ایران آنها را شیاطین میگفتند و بر عکس اسوراها که شیاطین دین هندو میباشد بعد از دین بودایی نزد ایرانیان حیثیت فرشتگان را بخود کسب کردند، در ایران ایندراى هندی بعنوان شیطان تحت نام آندرا شناخته شد، وارونای هندی هم حیثیت دیو شهوت را بخود گرفت، زمانیکه ایران از لحاظ دینی از هند جدا شد دین مزدا را که منسوب به رب النوع معروف بلخیها (اهورامزدا) میباشد در سرزمین خود

انتشار داد، این دین قبل از بمیان آمدن زرتشت بنام دین «مزدیسنا» شهرت داشت اما بعد از ظهور زرتشت در متون دینی وی مدغم ساخته شد.

### زرتشت (583 تا 660 قبل از میلاد):

در مورد عصر زندگی زرتشت اختلاف وجود دارد برخی زندگی او را شش هزار سال قبل از میلاد دانسته اند و برخی دیگر به ترتیب چهارده صد سال قبل از میلاد، یکهزار سال قبل از میلاد و یا هم هفت قرن قبل از میلاد عصر زندگی وی را حدس زده اند.

### ارزش متعالی دین زرتشت:

دین زرتشت پرستش خدای واحد (اهورامزدا) را از پیروان خود می طلبد، از نظر این دین اهو را مزدا بنامهای نور، زندگی، خوبی و حقیقت یاد میشود، این خدا بزرگترین، بهترین، زیباترین، باثبات ترین، حکیم ترین، کاملترین، سخی ترین روح، خالق، تابان و پرشکوه میباشد. زرتشت عقیده به این خدا را تاکید بیشتر مینمود. صفاتی که در اوستا به این خدا داده شده است عبارت اند از عالم، خالق، بصیر، قادر، بزرگ، دوستانه، پدر عدالت یا حقیقت، پدر فکر نیک، کریم و بخشده ترین روح. و 54 نام برای وی ذکر شده است.

### اهریمن:

در دین زرتشت اهریمن یا رب النوع شر، بدی و ناپاکی مورد نکوهش و تقبیح قرار دارد. یکی از ویژه گیهای مهم دین زرتشت در بین تمام ادیان عالم همین نظر به عقیده به یک ثنویت جهانی است یعنی یک خدای خیر و نیکی و دیگری خدای شر و بدی که علیه یکدیگر مبارزه میکنند، از نظر این دین این دو خدا و نیرو از ابتدای خلقت جهان وجود داشته و تا آخر کار این جهان به ضد یکدیگر مشغول میباشند.

برای زرتشتیان اکثر آتش پرست هم گفته شده است اما آنها این نسبت را همواره رد میکنند. آنها آتش را پاک می‌شمارند و آفتاب را بحیث علامت رب النوع نور میدانند و هم تاکید میکنند تا از آتشی که هرگز نمیرد و خاموش نشود محافظت صورت گیرد و چیزی ناپاک به آن انداخته نشود و خانمهای حائضه از سه قدمی آن نزدیکتر نشوند. موها و ناخن های کوتاه شده باید به شکلی بهترین از بین برده شود. مرده انسانها و حیوانات نباید در آتش پاک انداخته شود و هم نباید خاک پاک با آن آلوده شود بلکه در برجها و جاهای بلند گذاشته شود تا از بین

برود. دفن مردگان گناه نابخشودنی است.

عبادت در دین زرتشت بطور عمده تکرار یکتعداد دعا‌های مقرر است که تکرار آن روزانه و یا فصل وار صورت میگیرد.

از نظر زرتشتیان در دین زرتشت اخلاقیات مقام والا و مهمی دارد: کمک و دستگیری فقیران و نیازمندان مورد تاکید است. یکی از اصول اخلاقی این دین رفتار خوب در مقابل افراد خوب، و رفتار بد در مقابل افراد بد و شریر میباشد، یعنی اعمال خسونت در مقابل افراد شریر بوضاحت تجویز شده است.

زندگی و همسر داری مطابق عقل ضرورت دینی است نه اینکه زهد و ریاضت کشی صورت گیرد.

کسی که به کشت و زراعت مصروف است در حقیقت به کاشتن راستی و درستی مشغول است و او دین مزدا را به حرکت در می آورد. کسی که چیزی نمیخورد نیروی کافی برای انجام کار های سنگین و نیک را نیز ندارد، به پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک تاکید بیشتر صورت گرفته است.

### دین لائوتسه در چین:

لائوتسه نام مؤسس و رهبر دین لائوتسه (دین تائو) است، لائوتسه در حدود 50 سال قبل از کنفوسیوس در قسمت مرکزی چین در ولایت هونان بدنیا آمده است. درباره لائوتسه اطلاعات آنقدر ناچیز است که برخی فکر کرده اند که وجود واقعی نداشته است. در مورد سال دقیق تولد وی اختلافات زیادی وجود دارد، تعدادی تولد وی را بین اواخر قرن هفتم تا اوایل قرن ششم قبل از میلاد دانسته اند و در برخی تحقیقات تاریخ تولد او را در حدود قرن چهارم قبل از میلاد ذکر کرده اند (42: 189).

ارزش متعالی در دین لائوتسه مبهم است و او به یک هستی متعالی معین و مشخص به چیزی دیگری تعلیم نداد اما میلیونها پیرو چینی در چهره لائوتسه تجسم واقعی یک هستی متعالی را می بینند.

در حدود 2500 سال دین لائوتسه با دین کنفوسیوس در تقابل قرار داشتند، دین کنفوسیوس

دین اصلی مردم چین بود و دین سوم یعنی دین بودا نیز قبل از میلاد مسیح وارد چین شده است، امپراتورهای چینی کمتر طرفداری دین لائوتسه را نموده اند. بر عکس دین کنفوسیوس در دین لائوتسه توجه به زندگی بعد از مرگ صورت گرفته است اما برخی محققین این توجه را نتیجه آمادگی و آرایش این دین در مقابل دین وارد شده بودا میدانند که چون در دین بودا بیشتر از زندگی بعد از مرگ، جنت و دوزخ صحبت شده است لذا مورد استقبال مردم چین که ادیان شان تقریباً فاقد این اصل بودند، قرار گرفته است.

تائو (انتظام عالمی) رکن دین لائوتسه را تشکیل میدهد، این اصل از دو فکتور مثبت و منفی متشکل است، بنابر این اصل برای حفظ انتظام خانواده، کشور و جهان باید اعمال خود را هماهنگ با تائو (انتظام عالمی) بسازیم و هیچ عملی را انجام ندهیم که کار و نظم عادی جهان طبیعی را برهم زند یعنی کار نیک و شریفانه آنست که به مقتضای طبیعت و انتظام عالمی انجام یابد و اخلاقی را در کار آن وارد نسازد و البته این هماهنگی کار انسان با انتظام عالمی در دین لائوتسه از طریق نوعی جذب و انجذاب و مکاشفه فردی بعمل می آید (8: 194-195).

از نظر این دین شخص باید در مقابل حوادث روزگار، خوشی ها و غمهای آن مانند کودک خرد سال و گوساله نوزاد بی اعتنا و بی تفاوت باشد. از نظر این دین فرد متقی کسی است که هم نوع خود را نکشد، دزدی و فریب کاری نکند، از پدر و مادر پیروی و اطاعت کند. در این دین پیروان به پیروی از اصل (نیکی کردن با همه و حتی با آنانی که در حق ما بدی روا داشته اند) دعوت میشوند.

برخی نظریات دینی لائوتسه از اعتقادات چینیایی قدیم متأثر است، در چین قدیم به ارواح نیاکان اهمیت زیادی داده میشد، از نظر آنها جهان مملو از نفوس، ارباب الانواع، دیوها و ارواح غیر مرئی دیگر است که میتواند مشکلی را ایجاد کنند و یا به حل آن پردازند. در ابتدا زنان در اقتصاد خانواده نقش اساسی داشت که بعد از مرگ عبادت نیز مربوط ارواح مادران و زنان بود ولی زمانیکه نقش مردان در تقویۀ امور مالی خانواده بیشتر شد عبادت نیز بیشتر به تقدیس ارواح پدران و مردان تعلق گرفت (19: 170).

در عبادت مردم قدیم چین یک نوعی از دوگانگی و ثنویت دیده میشود بطور مثال عبادت برای ارواح مادران و پدران، عبادت به شانگتی (خدای مذکر) و هاتن (خدای مونث) عبادت به تائو

که فکتور مثبت و منفی بنام یانگ ویین دارد، عبادت به زمین (مونث) و آسمان (مذکر). دین لائوتسه در عصر حاضر با شدت رو به زوال و انحطاط است، تقریباً در حدود یکهزار سال میشود که در این دین هیچ روحانی و فیلسوفی بظهور نرسیده است.

### دین کنفوسیوس (479-551 قبل از میلاد) در چین:

شاتونگ شهری که مردم چین آنرا پاک مینامند محل تولد و دفن کنفوسیوس است. کنفوسیوس کوشش میکرد یک فرد ایدآل و دلخواه و مفید باشد. کنفوسیوس که بنام سقراط چین معروف است مردم را تشویق مینمود تا در وظائف اجتماعی شان کار آمد و صادق باشند. از نظر مردم چین او یک بنیاد گذار دینی و یک مؤلف موفق است که کتب وی بعدها بحیث متون دینی بحساب رفته است.

### ارزش متعالی دین کنفوسیوس:

گرچه توجه بیشتر کنفوسیوس به اخلاقیات است اما با آنهم ارزش متعالی در دین وی بوضاحت مشاهده میشود، از نظر وی خوب بودن در طبیعت بشری یک موهبت الهی است، تمام کتب وی اشاراتی به ارزش متعالی دارد، ارباب الانواع متعددی در دین او مورد پرستش بود مانند پرستش آسمان، نیروی های مشهور طبیعت از قبیل زمین، مهتاب، کوه ها و دریاها ی مهم چین. او ایمان را از حالت شخصی بیرون کرده و اخلاقیات را جنبه دنیوی داده است (14: 280).

کنفوسیوس به آداب معاشرت اجتماعی اهمیت زیادی قایل است، او مقابله به مثل را در امور اجتماعی پیشنهاد میکند، فضایل و سجایای مختلفی مورد تشویق و اندرز کنفوسیوس قرار گرفته است که از جمله صداقت، ایمان، حسن سلوک، سعی و زحمت، عدالت، خیر خواهی، میانه روی، جستجوی حقیقت، آرامش و احترام متقابل میباشد. دین او یک برنامه ریزی اخلاقی برای زندگی دنیوی است، دین او با آخرت چندان سرو کاری ندارد و راجع به مرگ و زندگی بعد از آن صحبت ننموده است.

دین کنفوسیوس نیز به تائو عقیده دارد اما نه به شکل وحدت وجود عرفانی آن، و با شروع قرن بیست دیگر عبادت طبیعت و آسمان باقی نه مانده است و از ارواح گذشتگان به شکل قدیمی آن تجلیل بعمل نمی آید.



### دین شینتو در جاپان:

دین شینتو سومین دین وضعی قدیمی جهان است که سابقه آن به 660 سال قبل از میلاد می‌رسد، یگانه خصوصیات این دین شکل دادن به نظریه سیاسی و ثبات ملی پیروان آن می‌باشد، از نظر آن اولین مخلوق الهی جزایر جاپان است، میکادو اولین امپراتور از نسل الهه آفتاب بود که به زمین نزول یافته است. این دین در حدود چهارده صد سال در کنار دو دین دیگر بودایی و کنفوسیوس زندگی داشت، چون با ابتکار شخصی بوجود نیامده است بنابر آن هیچگونه دعوت و تبلیغی در قبول و عدم آن وجود ندارد و دسته خاصی در قبال آن فعالیت ندارد.

### ارزش متعالی دین شینتو:

در این دین کلمه «کامی» ر ابرای ارزش متعالی (خدا) استعمال میکند، و معنی تحت اللفظی آن «بالا تر» می‌باشد.

از نظر مردم جاپان دو رب النوع معروف «ایزاناگی» (مذکری که دعوت میکند) و «ایزانا می» (مونثی که دعوت میکند) باهم اتحاد کرده است و همه ارباب الانواع دیگر از آنها زاده شده اند، تصویری که از ارباب الانواع در این دین وجود دارد کاملاً شبیه به شخصیات انسانی است، مثلاً آنها تولد یافته، ازدواج کرده، دارای اولاد بوده، استفراغ کرده، حمام نموده، مریض شده، به غضب شده، حسادت کرده، خنده کرده، گریه نموده، ناسزا گفته، خرابی کرده، قتل نموده و در نهایت مرده اند و در جاهای خاصی مدفون شده اند، امپراتور جاپان توان آنرا دارد تا آنها را به ترتیب مرتبه دوباره زنده سازد. از دو رب النوع فوق الذکر سه فرزند: رب النوع آفتاب، رب النوع مهتاب و رب النوع طوفان متولد گردیده است و از رب النوع آفتاب اولین میکادوی جاپان (جیموتو) تولد یافته است و روی این نظریه است که پرستش پادشاه و امپراتور تا هنوز هم در جامعه جاپانی مرتبه بلندی دارد. واز نظر این دین، وطن پرستی و دین دوستی با هم در یک سطح بوده بخاطریکه در سرزمین آنها زمانی الهه آفتاب زندگی کرده است (30: 127-129).

اینکه در نظریات دینی مردم جاپان امپراتور زاده الهه آفتاب است لذا اطاعت و عبادت امپراتور مانند عبادت و اطاعت خدا از جمله فرائض دینی و ملی بحساب می‌رود، از نظر آنها مردم این کشور فرزندان دو رب النوع متذکره اند و از این جهت است که مردم جاپان خود را اشرف تمام

مردم جهان میدانند و طبق فرمان پادشاه جنگ و تحت تسلط آوردن جهان از جمله و جایی ملی و دینی حساب میشود، تا سال 1945 میلادی (پایان جنگ دوم جهانی) این اعتقاد در میان مردم این سرزمین قطعیت خاصی داشت و زمانیکه جاپان در این جنگ به شکست رو برو شد اصل عبادت امپراتور و تحت تسلط آوردن جهان توسط اشرف مردم جهان (مردم جاپان) به تدریج از رونق قبلی خود باز ماند اما بطور کل از صفحه ذهن آنان شسته نشد و هنوز هم به آسمانی بودن امپراتور و اشرف بودن مردم خود معتقد اند.

در جاپان تعدد ارباب الانواع به حدی زیاد است که امکان پرستش منظم همه آنها وجود ندارد و صرف یکتعداد محدودی از این ارباب الانواع مورد عبادت قرار میگیرند، رب النوع آفتاب از لحاظ اهمیت درصدر همه قرار دارد.

عبادت به شکل فردی در معبد انجام میشود نه دسته جمعی، عبادت شامل خضوع، تواضع در مقابل معبد است که بطور سرخم کردن انجام میشود، زانو زدن چندان رائج نیست، برخی اوقات بخاطر تعظیم دست ها بهم زده میشوند، نذر دادن و تقدیم هدایای مادی برای ارباب الانواع نیز جز عبادات بشمار میرود. در زمان حاضر عبادت پیروان شینتو تنها به آمدن به یک معبد و ادای احترام و دعا خلاصه میشود.

دین شینتو بعد از آنکه در قرن ششم میلادی دین بودایی و دین کنفوسیوس با اصول پا برجا و شکل یافته خود وارد سرزمین جاپان شدند تحت این نام (شینتو) عرض اندام کرد و معتقدات اساسی خود را برای مقابله با ادیان وارد شده از خارج نظم و آرایش بخشید و قبل از آن معتقدات مردم جاپان عبارت بود از مجموع عقاید طبیعت پرستی، توتنم پرستی، نیاکان پرستی، شاه پرستی، ارواح پرستی و نفوس پرستی اما این معتقدات در دین شینتو چوکات بندی شد و منزلت یک دین منسجم را بخود گرفت و بعد از آن در این دین از جمله همه ارباب انواع صرف یک رب النوع آسمانها مورد تقدیس قرار گرفت و ارباب الانواع دیگر به منزلت پری ها و نفوس هبوط مینماید، در این دین علاوه از شاه پرستی به تفوق نژاد جاپان و تقدس ارواح نیاکان، اخلاق خانواده گی نیز اهمیت داده میشود و همچنان به سر رسانیدن وظایف اجتماعی، شجاعت، راستگاری، راستگویی، پاکدامنی، داشتن اولاد، پاکی روح و تن، برای تجلیل بهتر ارواح مردگان از جمله تکالیف و وجایب دینی بشمار میرود (8: 231-233).

مردم جاپان عشق به طبیعت را از دین شینتو، عشق به هنر را از دین بودایی و عشق به

فراگیری علم و دانش را از دین کنفوسیوس آموخته اند.

## تمرین

1. وجوه مشترک اعتقادی ایرانیان و هندیان را بطور مختصر بیان دارید.
2. راجع به ارزش متعالی در دین زرتشت چه میدانید؟ شرح دهید.
3. اصول اخلاقی دین زرتشت را با اختصار توضیح دهید.
4. چگونه میتوانیم شخصیت لائوتسه را با شخصیت کنفوسیوس مقایسه کنیم؟
5. تائو که بمعنی راه و طریقه است از لحاظ دینی چگونه تفسیر میشود؟ وضاحت دهید.
6. ثنویت چیست؟ آنرا در معتقدات مردم قدیم چین بر شمارید.
7. معنی تحت اللفظی شینتو و زمان شکل گیری آنرا بیان دارید.
8. ارباب الانواع مشهور شینتو کدامها اند صفاتی اصلی و طبیعی آنانرا بیان نمایید.
9. رابطه مسایل دینی با موضوعات ملی را در شینتو چگونه یافته اید؟ توضیح مختصر دهید.
10. مردم جاپان از دین شینتو و سایر ادیان چگونه استفاده نمودند؟ در این رابطه مقالات مختصر تحریر کنید.



# فصل پنجم

چگونگی مقارنہ ادیان

## درس اول

### عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام با اديان وضعی

این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

#### اهداف:

- 1 - تشخیص عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام با دين هندویی.
- 2 - تشخیص عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام با دين بودایی.
- 3 - تشخیص عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام با دين زرتشت.

اگر چه اکثر نویسندگان کتب مقارنه اديان ، دين مقدس اسلام را با اديان وضعی مقارنه و مقائسه نموده اند اما به نظر اینجانب این مقارنه لزوم چندانی ندارد، چه دين مقدس اسلام یک دين سماوی و الهی است و اديان وضعی بدستان افراد و اشخاص انسانی وضع و تاسیس شده اند، بنابر آن لزوم مقارنه در بين آنها دیده نمیشود، ما چه چیز و کدام وجه مشترک بين دين مقدس اسلام و اديان وضعی را به مقارنه و مقائسه بگیریم؟

ما درین درس عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام را با برخی اديان وضعی بطور نمونه پیگیری مینماییم.

### عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام با دين هندویی:

چون دين مقدس اسلام یک دين سماوی میباشد و دين هندویی یک دين وضعی است پس بعد از توجه و دقت در هر دو دين بوضاحت فهمیده میشود که در بين این دو دين اصلاً هیچ وجه مشترکی وجود ندارد. نظر دين اسلام در مورد انبياء ﷺ اینست که الله ﷻ برای هر قوم به زبان خود شان پیامبری ارسال میکند و این سلسله از حضرت آدم ﷺ شروع شده و به حضرت محمد ﷺ خاتم انبياء پایان یافته است در حالیکه در دين هندویی اصلاً پیامبری وجود ندارد و حتی مؤسس آن نیز معلوم نمیباشد و به اساس روایات کتب ویدایی و سایر متون بشری استوار میباشد.

در دين اسلام عرب بر غیر عرب، سفید بر سیاه، غنی بر فقیر امتیاز ندارد، معیار کرامت و فضیلت

تقوی یک شخص میباشد در حالیکه در دین هندویی تناقضات طبقاتی به اوج خود رسیده است در دین اسلام به وجود خدای واحد عقیده وجود دارد در حالیکه در دین هندویی شرک و چندگانہ پرستی مطلق وجود دارد.

در دین اسلام نظام اعتقادی خاصی وجود دارد که بدون ابهام بیان شده است در حالیکه در دین هندویی تضاد صریحی در بین عقاید موجود میباشد، در دین مقدس اسلام نفرت کردن یک قوم از قوم دیگر به صراحت رد شده است و گفته میشود که شاید قوم مورد نفرت از قوم نفرت کننده خوبتر باشد در حالیکه در دین هندویی تنفر یک قوم نسبت به قوم دیگر وجود دارد.

در دین مقدس اسلام برای عبادت الله ﷻ به کدام واسطه و قوه دیگری ضرورت دیده نمیشود در حالیکه در دین هندویی تنها بین خدا و انسان و ساطت میکند و یک دین شرکی میباشد. در دین مقدس اسلام قربانی انسان وجود ندارد در حالیکه در دین هندویی همواره از قربانی انسان سخن بمیان می آید.

دین مقدس اسلام در بخشهای اخلاقی، سیاسی، خانوادگی، اقتصادی و غیره دارای نظامهای خاصی میباشد در حالیکه در دین هندویی نظامهای خاصی در این موارد دیده نمیشود و بر بنیاد رسوم و تقالید بی اساس استوار است.

در دین مقدس اسلام دختر سهم معینی در میراث دارد در حالیکه در دین هندویی این سهم برای دختر وجود ندارد.

دین مقدس اسلام یک دین جهانی است و روز بروز در جهان گسترش مییابد در حالیکه دین هندویی منحصر در سرزمین هندوستان میباشد. در دین اسلام عقیده به تناسخ ارواح و حلول وجود ندارد در حالیکه در دین هندویی این دو عقیده از عقاید مرکزی و اساسی به شمار میروند. در دین اسلام گاو و یا کدام حیوان دیگر مورد احترام و عبادت واقع نمیشود در حالیکه در دین هندویی گاو یک حیوان مقدس است و کشتن آن ناجایز میباشد. و تفاوتهای دیگر از این قبیل.



### عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین بودایی:

دین مقدس اسلام یک دین سماوی است در حالیکه دین بودایی یک دین وضعی می باشد. دین مقدس اسلام بر بنیاد تعالیم یک پیامبر الهی استوار است در حالیکه دین بودایی بر بنیاد تعالیم شخص بودا استوار می باشد که پیامبر الهی نیست. دین مقدس اسلام مخالف سر سخت گوشه نشینی و رهبانیت است در حالیکه دین بودایی رهبانیت را رهبری میکند.

در نظام دینی اسلام مرد متکفل نفقه خانم و اولاد صغیر خود می باشد در حالیکه بودا در سن 29 سالگی خانم و یگانه فرزندش را رها کرده و خود روانه دشت و صحرا شده است. در دین اسلام کاسب دوست الله است و خیرات خواستن زشت و نا پسند می باشد در حالیکه در دین بودایی برای افراد و اشخاص اجازه داده شده است تا خیرات را جمع آوری کرده و شکم خود را سیر نمایند.

در دین اسلام عقیده تناسخ ارواح مردود دانسته شده است در حالیکه در دین بودایی عقیده تناسخ ارواح تبلیغ می گردد.

از همه مهمتر اینکه در دین مقدس اسلام به الله واحد عبادت صورت می گیرد در حالیکه در زمان بودا دین او فاقد ارزش متعالی و وجود خدا بوده است و بعد از وی پیروان متعصب، او را بحیث معبود پذیرفته اند

در دین مقدس اسلام برای قربانی حیوانات ارزش خاصی وجود دارد در حالیکه در دین بودایی به قربانی حیوانات پشت پا زده شده است. و از این قبیل تفاوت های دیگر.

### عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با دین زرتشت:

دین مقدس اسلام به اساس وحی الهی و تعالیم حضرت محمد ﷺ که هویت او بعنوان پیامبر الهی معلوم است استوار می باشد در حالیکه دین زرتشت بر بنیاد تعالیم یک شخص مبهم بنام زرتشت بنا یافته است که نزد یکتعداد او یک شخص افسانوی بوده و وجود واقعی نداشته است.

کتاب مقدس دین اسلام قرآن کریم کلام الهی است که از هر گونه تحریف و تغییر مصئون و محفوظ مانده است در حالیکه کتاب اوستا کلام انسانی است و با شروح آن چنان خلط شده که تفکیک آنها از هم نا ممکن شده است.

در دین مقدس اسلام به الله واحد ولد شریک عبادت صورت میگیرد در حالیکه در دین زرتشت به دو خدا (یزدان و اهریمن) اعتقاد وجود دارد و عبادت صورت میگیرد. دین مقدس اسلام در تمام ساحات دارای نظامهای خاصی است در حالیکه دین زرتشت فاقد چنین نظامها میباشد و بیشتر به رسوم و عادات استوار میباشد. دین مقدس اسلام یک دین سماوی و جهانی است که در جهان رو به گسترش میباشد در حالیکه دین زرتشت یک دین وضعی و محدود قومی است که آهسته آهسته رو به انحطاط میروند. و تفاوتهای دیگر، از این قبیل، که اگر در باره محاسبه صورت گیرد: ثنوی هفتاد من کاغذ شود.

و همچنان این عدم لزوم مقارنه دین مقدس اسلام با هر دین وضعی دیگر یک امر مسلم است و ضرورت وجود ندارد که این دین کامل سماوی را که دارای خصوصیت و شمولیت در همه جاها، همه زمانه ها و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان است با ادیان کوچک دیگر که کدام مشکل فردی و اجتماعی انسان را نه در دنیا و نه در آخرت حل کرده میتواند، مقارنه و مقائسه کنیم، و در فوق ما این حقیقت را صرف در سه دین وضعی با ذکر برخی مثالها یادآوری نمودیم تا مشتمل نمونه خروار باشد.

## تمرین

1. موضوع عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام را با اديان وضعی جرو بحث کنید.
2. ما چرا به عدم لزوم مقارنه دين مقدس اسلام با دين هندویی حکم میکنیم؟
3. در مورد تفاوتهای دين مقدس اسلام با دين بودایی چه میدانید؟ با اختصار شرح کنید.
4. دلایل عدم لزوم دين مقدس اسلام با دين زرتشت را وضاحت دهید.
5. مسأله مقارنه دين مقدس اسلام با اديان وضعی را در تالیفات مربوط به اديان جستجو نمایید.
6. در مورد استحکام بیشتر این درس از منابع و مواد درسی لازم استفاده کنید.

## درس دوم

مقارنهٔ دین مقدس اسلام با ادیان سماوی  
این درس در دو ساعت درسی تدریس شود

### اهداف:

1. ارائهٔ معلومات در مورد اصول و فروع ادیان سماوی.
2. ارائهٔ معلومات در مورد اتحاد ادیان سماوی در امور اعتقادی.
3. ارائهٔ معلومات در مورد مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین یهودیت کنونی و دین مسیحیت کنونی.

چنانچه بارها گفته شده است تمام ادیان سماوی از دین حضرت آدم عليه السلام تا دین خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

در اصول اعتقادی، اصول عبادات و اصول معاملات، باهم یکی میباشد و کدام تفاوت در بین شان دیده نمیشود اما در امور عملی و احکام فرعی، چگونگی اجرای عبادات و معاملات نظر به مقتضای عصر و زمان و امکانات عملی آن با هم تفاوت داشته اند.

بطور مثال در دین حضرت آدم عليه السلام چون ضرورت شدید به نسل انسانی وجود داشت و هم حضرت آدم و حوا علیهما السلام اولین والدین انسانی در روی زمین بوده اند، نکاح برادر با خواهر خود جواز داشت مشروط بر اینکه هردو دوگانگی یک بطن و یک حمل نبوده باشند، چه حضرت حوا علیها السلام بیست بار حمل گرفت و در هر بار یک بچه و یک دختر بدنیا آورد، حضرت آدم عليه السلام دختر بطن و حمل بعدی را به بچه بطن و حمل قبلی به ازدواج میداد، در حالیکه در شرایع سماوی بعدی ازدواج برادر با خواهر جواز نداشته است.

در شریعت حضرت یعقوب عليه السلام به نکاح گرفتن دو خواهر در یک وقت جواز داشت چنانچه او دو دختر مامای خود را در حالیکه هر دو حیات بودند به ازدواج گرفته بودند، نام یکی از آنها لیثه و از دیگر آنها راحل بود. و در زمان همین پیامبر جلیل القدر جزا و حد شرعی عمل دزدی این بود که دزد باید بحیث غلام در ملکیت صاحب مال دزدی شده قرار میگرفت. و بهمین منوال است تفاوت در چگونگی عبادات، معاملات، عقوبات و سایر امور عملی و احکام فرعی. اما در اصول دین هیچ تفاوتی بین ادیان سماوی وجود نداشت، مانند اعتقاد به وجود الله واحد،

وجود انبیاء الهی، وجود کتابهای سماوی، وجود فرشتگان، وجود قضا و قدر، وجود پل صراط، جنت، دوزخ، جن و شیطان. این اصول مشترکی است بین دین حضرت آدم، حضرت شیت، حضرت ادریس، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل، حضرت اسحاق، حضرت یعقوب، حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت زکریا، حضرت یحیی، حضرت عیسی و حضرت محمد مصطفی سلام الله علیهم اجمعین که بطور نمونه نامهای چند تن معروف ایشان به ترتیب زمانی ذکر گردیدند.

### مقارنه دین مقدس اسلام با دین یهودیت کنونی:

اگر به دین یهودیت از لحاظ تاریخی دقت صورت گیرد این دین دارای سابقه تاریخی و مقدس و سماوی بوده است که به اساس تعالیم انبیای کرام بنی اسرائیل استوار میباشد اما وقتی که حالت کنونی این دین در نظر گرفته شود تفاوتهای ذیل در آن دو وجود دارند:

دین مقدس اسلام دارای کتاب سماوی (قرآن کریم) میباشد که مصئون از هر گونه تحریف و دستبرد انسانی میباشد اما کتاب تورات یهودیت بدست مفسران آن چنان تحریف و مورد دستبرد قرار گرفته که اصلاً نمیشود به کتاب کنونی این دین کتاب سماوی گفت.

دین اسلام یک دین جهانی است در حالیکه دین یهودیت کنونی یک دین مربوط به قوم یهود میباشد.

دین اسلام به تمام انبیای کرام الهی اعتقاد دارد در حالیکه دین یهودیت کنونی صرف به حضرت موسی و حضرت هارون علیهما السلام اعتقاد و باور دارد و سایر انبیای الهی را نه تنها بحیث انبیای الهی نمی شناسد بلکه در مورد آنان سخنان ناشایسته را نیز ابراز میدارد.

دین اسلام دین صلح، سلام و امن میباشد در حالیکه دین یهودیت کنونی دین ظلم، بی ثباتی و بی امنی است (20 : 667-677).

واینک یکبار دیگر برخی اعتقادات دیگر یهودیت کنونی را ذیلاً از نظر میگذرانیم که یقیناً هیچکدام از اعتقادات آن قابل مقایسه با اصول اعتقادی شریعت اسلامی نمیشود:

اگر بتاریخ یهودان مراجعه صورت گیرد به وضاحت فهمیده میشود که این قوم سرکش همیشه بسوی شرک، تجسیم و نفع جویی تمایل داشتند وروی این انحراف عقیدتی آنها است که الله ﷻ پیامبران زیادی را به آنان مبعوث ساخته است. آنها بعد از بیرون شدن از مصر گوساله سامری را پرستش می کردند و هم مار بزرگی را مورد عبادت قرار داده اند. یهوه نام خدای آنان

است ولی یهوه از نظر آنها همیشه خطا کار است، به دزدی امر میکند، متعصب و بی رحم است، یهوه از نظر آنها تنها خدای بنی اسرائیل است و با دیگران دشمنی دارد. یهودان حضرت اسحاق علیه السلام را ذبیح الله میگویند درحالیکه ذبیح الله اصلاً حضرت اسماعیل علیه السلام میباشد.

یهودان با فکر مادی که دارند علاقهٔ چندان به اعتقاد به روز قیامت، ثواب و عقاب اخروی ندارند و در دین یهودیت کنونی هم اشاره های سطحی به این موضوعات صورت گرفته است. از نظر آنها ثواب و عقاب در این دنیا داده می شود. ثواب یعنی پیروزی در این دنیا، و عقاب یعنی ناکامی، بردگی و ذلت در این دنیا.

از نظر آنها یهودان مقدس اند و غیر یهودان ناپاک اند و مانند حیوانات و از جمله سگها و خوک هایی اند که هر نوع خیانت در برابر ایشان سبب اجر و تقرب نزد خداوند می گردد. از نظر یهودان حضرت عیسی علیه السلام بشکل نامشروع از مادرش به دنیا آمده است. از نظر آنها دین یهود مخصوص تنها به یهودان است و کس دیگری به آن پیوسته نمی تواند.

### مقارنهٔ دین مقدس اسلام با دین مسیحیت کنونی:

در ذیل به ذکر برخی معتقدات دین مسیحیت کنونی پرداخته میشود که تفاوت هر کدام آنها با معتقدات اسلامی به آسانی قابل فهم میباشد، ما در اینجا نامی از معتقدات اسلامی را در این موارد خاص نمیگیریم و این مقارنه را به خود محصلان واگذار میشویم تا زیر نظارت استاد، به مقارنه و مقایسه در این دو دین بپردازند.

### نظام اعتقادی مسیحیت کنونی:

- در این شکی نیست که حضرت مسیح، عیسی ابن مریم علیهما السلام بنده و رسول الله بود و دارای دین سماوی میباشد اما بعد از رفع وی این دین مورد تحریف وسیعی قرار گرفت که اینک ما نظام اعتقادی مسیحیت کنونی را ذیلاً معرفی میکنیم:
- اعتقاد به تثلیث (اب، ابن و روح القدس).
- اعتقاد به اینکه در روز قیامت محاسبه الهی به حضرت عیسی علیه السلام سپرده میشود چه در سرشت وی یک اندازه بشریت وجود دارد که او را قادر میسازد تا این محاسبه را انجام دهد.

- اعتقاد به اینکه حضرت عیسی علیه السلام بخاطر ارتکاب گناه توسط حضرت آدم علیه السلام و سایر آدمیان به رضای خود به دار آویخته شد و الله پسر یگانه خود را قربانی گناهان انسانهای دیگر ساخت، او دفن شد و بعد از سه روز برخاسته و بسوی آسمان رفت.
  - اعتقاد به ادای نماز در شکل تسبیح و شعر که عدد آن معلوم نمیشد و به نماز صبح و شام تاکید بیشتر میشود.
  - اعتقاد به گرفتن روزه از غذا های چرب و گوشتدار که البته صرف از سبزیجات استفاده صورت میگيرد.
  - اعتقاد به تقدس صلیب که علامه مسیحی بودن شخص میباشد.
  - اعتقاد به غسل تعمید بعنوان وسیله طهارت از گناهان.
  - اعتقاد به حلال بودن گوشت خنزیر.
  - اعتقاد به حرام بودن ختنه اطفال ذکور.
  - اعتقاد به حلال بودن سود خوری و نوشیدن شراب.
  - اعتراف به گناهان تاجزای آن از شخص ساقط گردد.
  - اعتقاد به دادن طلاق در صورتی که زوجه مرتکب زنا شده باشد که ازدواج دوباره برایشان جایز نمیشد.
  - اعتقاد به رهبانیت و دوری از ازدواج خصوصاً برای رهبران دینی. تعدد زوجات وجود ندارد صرف با یک زن باید ازدواج صورت گیرد.
  - اعتقاد به منع ازدواج (9: 489-492).
  - اعتقاد به فروش کارتهای مغفرت از سوی کلیسا.
  - اعتقاد به زیادت نسل مسیحی.
  - استحاله و اعتقاد به حلال شدن و تبدیل شدن شراب به غذای که در 14 اپریل (روز نجات بنی اسرائیل از مصریان) خورده می شود البته به خون و گوشت حضرت عیسی علیه السلام به این معنی که تعلیمات او را بخود گرفته است.
- دین مسیحیت کنونی با داشتن اینگونه اصول اعتقادی و نظام عملی از دین سماوی که بر پیامبر جلیل القدر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده بود به فرسخها فاصله گرفته است، چطور ممکن است این دین را سماوی گفت در حالیکه به اقاویم سه گانه معتقد است، نوشیدن شراب و خوردن سود را حلال میداند، و خوردن گوشت خنزیر را حلال می‌شمارد و اعتقادات دیگر از این قبیل.

## تمرین

1. اصول اعتقادی و احکام فرعی را در ادیان سماوی تشخیص دهید.
2. اتحاد اعتقادی ادیان سماوی را بطور مدلل در صنف تحت نظر استاد جرو بحث کنید.
3. ادیان سماوی بعضاً در امور عملی و احکام فرعی باهم متفاوت بودند، این موضوع را با ذکر چند مثال واضح سازید.
4. دین یهودان را از لحاظ تاریخی و وضع فعلی آن با دین اسلام مقارنه کنید.
5. اینکه دین اسلام دین صلح و امن است و دین یهودیت کنونی دین خشونت و بی امنی است طی کار گروهی ضمن مثالهایی از منابع دیگر توضیح نمایید.
6. هر یک از اعتقادات دین مسیحیت کنونی را با اعتقادات اسلامی مقایسه کنید.
7. از این درس نظام عملی دین مسیحیت کنونی را مشخص سازید.
9. اینکه دین مسیحیت کنونی یک دین سماوی گفته نمیشود با ذکر چند دلیل ثابت سازید.



## مآخذ

1. قرآن کریم.
2. ابراهیمی، محمد اسحاق. مراکز مهم آیین بودائی در افغانستان. کابل: 1384 ش.
3. الاهوانی، احمد فواد. سپیده دم فلسفه یونانی. ترجمه عبدالمنان مددی. کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، 1369 ش.
4. آوی، رابرت. تاریخ مختصر فلسفه ج 1. ترجمه علی اصغر حلبی. کتابفروشی زوار، 1385 ش.
5. باب الحوائجی، نصرالله. روح در قلمرو دین و فلسفه. 1345 ش.
6. بول ماسون، اورسیل. الفلسفة فی الشرق. ترجمه محمد یوسف موسی. مصر: دارالمعارف بمصر، 1945.
7. بازارگاد، بهاءالدین. تاریخ و فلسفه مذاهب جهان. کتاب اول. کتابفروشی اشراقی، 1346 ش.
8. ترابی، علی اکبر. تاریخ ادیان..... تهران، 1347 ش.
9. جهنی، مانع بن حماد. شناخت ادیان و مذاهب جهان. ترجمه م. ط عطایی. پشاور: دانش، 1386 ش.
10. حبیبی، عبدالحی. تاریخ مختصر افغانستان. طبع سوم. پشاور: دانش کتابخانه، 1377 ش.
11. حسن، حسن ابراهیم. تاریخ الاسلام. الجزء الاول. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، 1963.
12. حکمت، علی اصغر. تاریخ ادیان. از نشرات کتابخانه ابن سینا، 1348 ش.
13. الخربوطلی، علی حسینی. الرسول فی المدینة. مصر: المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، 1973.
14. رضی، هاشم. نظامات مذهبی در جهان. تهران، چاپخانه سپهر، ب ت.
15. رضی، هاشم. تاریخ ادیان بزرگ. انتشارات آسیا، 1344 ش.

16. سعيد، الخن و محى الدين ديب مستو. العقيدة الاسلام يّ- اركانها- حقائقها- مفسداتها. دمشق. حلبونى، 2006.
17. سلجوقى، صلاح الدين. تجلى خدا در آفاق وانفس. كابل: مطبعة عمومى، 1384 ق.
18. سوسه، احمد. العرب واليهود فى التاريخ. دمشق: العربى للاعلان و النشر والطباعة، ب ت.
19. شاله، فليسين. تاريخ مختصر اديان بزرگ . ترجمه منوچهر خدايارمحبى. ظهورى، 1355 ش.
20. شاهد، ايس. ايم. دنپوالو مذهبونوپيژنه او د اديانو پرتله . ژباړه جمال الدين عرفان. بهور: د دانش خپرونو ټولنه، ۱۳۸۶ ش.
21. شايجان، داريوش. اديان و مكتبهاى مذهبي هند. ج 1. 1346 ش.
22. صابونى، محمد على. تاريخ نبوت و انبياء . ترجمه محمد ابرار فتحى غزنوى. پشاور: قصه خوانى، 1382 ش.
23. طباره، عفيف عبد الفتاح. داستان پيامبران در قرآن. ترجمه ابوبكر حسن زاده. احسان، 1384 ش.
24. الطنطاوى، على. تعريف عام بدين الاسلام. ج 1. بيروت: الشركة المتحدة للتوزيع، 1970.
25. غبار، غلام محمد. افغانستان بىک نظر. كابل:.....، 1336 ش.
26. فروغى، محمد على. سير حكمت در اروپا. ج 1. تهران، 1320 ش.
27. قرطبى. الجامع لاحكام القرآن....
28. كرم، يوسف. تاريخ الفلسفة اليونانية. القاهرة مطابع دارالمعارف بمصر، 1929.
29. كرم، يوسف. تاريخ الفلسفة الحديثة. القاهرة: مطابع دارالمعارف بمصر، 1929.
30. كهزاد، احمد على. افغانستان در پرتو تاريخ. كابل:.....، ب ت.

31. کبیر، جوزف. سرگذشت دینهای بزرگ. ترجمه ایرج پزشک نیا. سازمان کتابهای جیبی، 1340 ش.
32. گوستا، لوبون. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی. کتابفروشی اسلامی، 1347 ش.
33. گوستاف، لوبون. حضارة الهند. تعریب عادل زعیتزر. القاهرة: داراحیاء الکتب العربیة، 1948.
34. میلر، و.م. تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران. ترجمه علی نخستین. 1931.
35. نائیک، ذاکر. تصور در مورد الله ﷻ در ادیان مختلف. ترجمه محسن مهاجر. پشاور: میهن، 1387 ش.
36. الندوة العالمية للشباب الاسلامی. الموسوعة المیسرة فی الادیان و المذاهب المعاصرة. الرياض: الندوة المذكورة، 1989.
37. الندوی، محمد اکبر. التبادل الثقافی بین الهندو العرب. نیودلهی: آزاد بودان، 1990.
38. النمر، عبد المنعم. تاریخ الاسلام فی الهند. مصر: دارالعهد الجدید للطباعة، 1995.
39. نورزایی، محمد ابراهیم. الهیات در علم کلام اسلامی. کابل: بانک جهانی، 1387 ش.
40. نورزایی، محمد ابراهیم. نگاهی به اساسی ترین معتقدات ادیان جهان. کابل: بانک جهانی، 1387 ش.
41. هیکل، محمد حسین. حیة محمد. مصر: دارالقلم، 1960.
42. هیوم، رابرت. 1. ادیان زنده جهان. ترجمه عبدالرحیم گواهی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1369 ش.
43. یکتایی، مجید. تاریخ تمدن و فرهنگ انتشارات گوتنبرگ، ب ت.